

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فهرست

- ۱/۱. ترسیم فضای کلی جلسه تبیین نظام‌سازی آموزشی برای جمعیت در سه سرفصل اصلی ۱۱
- ۱/۱/۱. تبیین برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی؛ به عنوان اولین بخش بحث ۱۲
- ۱/۱/۲. تبیین حوزه‌های اولویت دار نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت؛ به عنوان دومین سرفصل ۱۲
- ۱/۱/۳. تبیین مراحل نظام‌سازی آموزشی به عنوان یکی از اولویت‌های نظام‌سازی برای جمعیت؛ به عنوان سومین سرفصل ۱۲
- ۱/۳/۱. تبیین تفاوت ساخت نظام آموزشی جدید با تدوین چند کتاب آموزشی؛ برای دفع شبهه ۱۲
- ۱/۳/۲. ضرورت شکستن طلسم یکسان‌انگاری خدمات بخشی به یک موضوع با نظام‌سازی برای آن؛ اولین قدم برای حرکت به سمت نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت ۱۳
- ۱/۳/۳. تبیین تمثیلی تفاوت نظام‌سازی با خدمات بخشی ..... ۱۳
۲. تبیین تفصیلی برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت ذیل سه سرفصل؛ به عنوان بخش اول ۱۴
- ۲/۱. تبیین تفاوت نظام‌سازی با ارائه خدمات به خانواده و جمعیت؛ اولین سرفصل بخش اول ۱۴
- ۲/۱/۱. تعریف نظام‌سازی برای یک موضوع به؛ بازتعریف همه اجزاء و روابط نظام اجتماعی به محوریت آن ۱۴
- ۲/۱/۲. تبیین تمثیلی نظام‌سازی اجتماعی حول موضوع جمعیت در کلان بخش‌های آموزش، مشاغل و مکاسب و .... به بازتعریف نظام آموزشی، مشاغل و مکاسب و ... به محوریت خانواده ۱۵
- ۲/۱/۳. مقایسه تغییر طبقه‌بندی علوم به محوریت خانواده به عنوان نظام‌سازی آموزشی برای خانواده با تدوین کتب یا اضافه کردن مربی پرورشی به برخی مدارس به عنوان خدمات به خانواده ۱۵
- ۲/۱/۴. عدم انحصار نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت به نظام‌سازی آموزشی؛ به معنای تعمیم نظام‌سازی برای خانواده به همه نظامات اجتماعی اعم از نظام مهندسی، مدیریت شهری، سلامت و ..... ۱۶
- ۲/۱/۴/۱. عدم تسلط بر مفهوم پیشگیری و ضعف مفاهیم وزارت بهداشت برای تحقق آن خوش بینانه‌ترین قضاوت درباره نظام سلامت کشور ۱۶
- ۲/۱/۴/۲. برجسته‌سازی و تحقق مفهوم پیشگیری در نظام سلامت کشور؛ شرط اصلی تقویت نهاد خانواده و جلوگیری از ضعف و فروپاشی آن ۱۷
- ۲/۱/۴/۳. وضوح توجه بخشی و جزئی نظامات اجتماعی به خانواده متأثر از شعار عدالت و تقویت خانواده در نظام جمهوری اسلامی و تفاوت آن با ایده "بازتعریف همه نظامات اجتماعی به محوریت خانواده" به معنی تغییر دستگاه کارشناسی کشور ۱۸

۲/۲. قرار گرفتن خانواده به عنوان محور اصلی برنامه‌ریزی کشور مشروط به تغییر تعریف خانواده از معنای فعلی به اصلی‌ترین نهاد حاکمیتی در اسلام؛ دومین سرفصل بخش اول

۱۸

۲/۲/۸. دستور اسلام به رفع مشکل شقاق بین زن و شوهر توسط حکمین از خانواده زن و شوهر؛ به عنوان کارکرد قضائی و یکی از شئون حاکمیتی خانواده در اسلام

۲۰

۲/۲/۲. دستور اسلام به آموزش شنا، تیراندازی و اسب‌دوانی به فرزندان توسط پدر؛ به عنوان کارکرد امنیت ملی و یکی دیگر از شئون حاکمیتی خانواده در اسلام

۲۱

۲/۲/۲/۱. مقایسه زیرساخت امنیت در دستگاه توسعه غربی به تمرکز بر ساخت سلاح با زیرساخت امنیت در تمدن اسلامی به تربیت انسان‌های قوی علاوه بر ساخت سلاح به صورت توأمان

..... ۲۳

۲/۲/۲/۲. استفاده کشورهای مدرن از اسب در جنگ‌های شهری برای انتقال هژمونی و ابهت نیروهای امنیتی و جنبه تخلیه هیجان‌ات و بدنسازی طبیعی؛ دو پاسخ به شبهه عدم تطبیق آموزش اسب‌دوانی با وسایل به روزی مانند تانک‌ها و نفربرها در زمان حاضر

۲۳

۲/۲/۲/۳. پیشنهاد راه‌اندازی مسابقات ماهانه اسب‌دوانی در پادگان‌ها به فرماندهان نظامی کشور؛ جهت ایجاد نشاط و همبستگی میان نیروهای نظامی کشور

۲۴

۲/۲/۳. دستور اسلام مبنی بر لزوم توجه به فقیر و سائل به جای ایجاد سازمان و نهاد رسمی؛ به عنوان کارکرد محرومیت‌زدایی و یکی دیگر از شئون حاکمیتی خانواده در اسلام

۲۴

۲/۲/۳/۱. پیشنهاد

الگوی امداد غیرمتمرکز از سوی نبی مکرم اسلام از طریق خدمات اجتماعی خانواده؛ به عنوان الگویی کم‌هزینه و کارآیی بالا به جای پیشنهاد الگوی متمرکز از سوی دستگاه کارشناسی توسعه غربی از طریق نهادها و سازمان‌ها

۲۵

۲/۲/۴. پیشنهاد ترویج و زمینه‌سازی تفریح خانگی توسط خانواده به جای تفریح درون شهری توسط شهرداری‌ها؛ به عنوان کارکرد تزکیه و تفریح و یکی دیگر از شئون حاکمیتی خانواده

۲۶

۲/۲/۴/۱. پیشنهاد تغییر الگوی نظام مهندسی کشور از ساخت خوابگاه (آپارتمان) به ساخت دار و توسعه برای جلوگیری از آسیب‌های روحی و روانی به اعضای خانواده علی‌الخصوص بانوان و کودکان

۲۷

۲/۲/۴/۲. نیاز دائمی انسان به لذت و تفریح حلال و عدم تحقق آن در تفریح‌گاه‌های بزرگ؛ مهمترین استدلال برای تغییر الگوی نظام مهندسی کشور از آپارتمان‌سازی به سمت ساخت دار و توسعه

۲۸

۲/۲/۴/۳. ایده دولت مدرن به معنای مدیریت متمرکز ضعیف‌ترین ایده تاریخ درباره حاکمیت

۲۸

۲/۲/۴/۴. تعریف مدیریت غیرمتمرکز در دولت مدرن به مدیریت توسط NGOها و نه خانواده؛ نشانه عدم فهم صحیح از مدیریت غیرمتمرکز

۲۸

مدیریت غیرمتمرکز

- ۲/۲/۴/۵. تحقق مدیریت غیرمتمرکز توسط ایده "حاکمیت خانواده"; از طریق واگذاری کارکردهای قضایی، امنیتی، محرومیت‌زدایی و مبارزه با آسیب‌های اجتماعی، تفریح و لذت حلال، اشتغال و ... به خانواده ۲۸
- ۲/۲/۴/۶. ارتقاء تعریف خانواده از منظر نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به تکمیل نصف دین به دلیل احراز کارکردهای قضائی، امنیتی، لذت و تفریح حلال و ...؛ به عنوان اولین گام برای نظام‌سازی برای خانواده و تبیین تفاوت آن با ارائه خدمات به خانواده ۲۹
- ۲/۳. تبیین چستی کارکردها و خدمات مختلف و متقابل نظامات اجتماعی و خانواده؛ سومین سرفصل از بخش اول ۳۰
- ۲/۳/۱. خدمات همه جانبه حاکمیت به خانواده و تحکیم و تقویت آن در مقابل مدیریت و برنامه‌ریزی همه شئون حاکمیتی توسط خانواده‌ها؛ به عنوان ایده مدیریت غیرمتمرکز جامعه ۳۰
- ۲/۳/۱/۱. ایجاد چالش عاطفی، جنسی و تربیتی برای اعضای خانواده به بهانه تأمین معیشت، نتیجه رویکرد مدیریت متمرکز در اداره جامعه و نگاه حداقلی به نهاد خانواده ۳۱
۳. اولویت بندی حوزه های مختلف نظامات اجتماعی برای بازتعریف به محوریت نهاد خانواده؛ به عنوان بخش دوم ۳۱
- ۳/۱. بازتعریف نظام مهندسی و مسکن به نفع نهاد خانواده؛ به عنوان اولین اولویت نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت ۳۱
- ۳/۱/۱. مرگ خانواده در کالبد آپارتمان به معنای بسته بودن دست خانواده برای آموزش، مدیریت بازی کودک، صلح رحم، تحقق اقتصاد مقاومتی، تفریح خانگی و ... ۳۱
- ۳/۱/۲. ضرورت ساخت دار و اسعه توسط نظام مهندسی برای احیاء خانواده به عنوان اولویت درجه یک ۳۲
- ۳/۱/۳. ضرورت توجه به تفاوت مفهومی ساخت مسکن ویلایی (خانه حیاطدار) با ساخت دار و اسعه (خانه ای با حیاط بیشتر نسبت به زیربنا) و همچنین تفاوت خدمات همه جانبه به خانواده (نظام‌سازی) و خدمات بخشی به آن؛ جهت احیاء نهاد خانواده ۳۲
- ۳/۲. بازتعریف خدمات آموزشی به محوریت خانواده؛ به عنوان دومین اولویت نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت ۳۲
- ۳/۳. بازتعریف خدمات مدیریت شهری به محوریت خانواده؛ به عنوان سومین اولویت نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت ۳۳
- ۳/۳/۱. تعریف محله به عنوان سپر محافظ خانواده و محل ارائه بسیاری از خدمات به خانواده در ایده مترقی "مدیریت شهری محله محور" به جای ایده معیوب "مدیریت شهری منطقه‌محور" ۳۳
- ۳/۴. بازتعریف خدمات حوزه سلامت به محوریت نهاد خانواده؛ چهارمین اولویت نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت ۳۳
- ۳/۵. بازتعریف خدمات بیان و تبلیغات شهری به محوریت خانواده؛ اولویت پنجم نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت ۳۵
- ۳/۶. بازتعریف خدمات گردشگری و عبرت‌آفرین به محوریت خانواده؛ ششمین اولویت نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت ۳۵

۳/۶/۱. روایت صریح و صحیح سرنوشت شوم خانواده در کشورهای توسعه یافته غربی، محور اصلی خدمات حوزه گردشگری و عبرت آفرین به خانواده  
۳۵

۳/۷. بازتعریف خدمات مکاسب و اشتغال به محوریت خانواده؛ هفتمین اولویت نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت ۳۵

۳/۸. اهمیت بخش سوم یعنی تعیین اولویت‌های تحقق نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت؛ علیرغم حجم بسیار کم آن ۳۶

۳/۸/۱. ضرورت بحث از اولویت‌های هفتگانه تحقق نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت و احیاء آنها در همه جلسات مربوط به جمعیت و فرزندآوری مانند جمع‌های مادرانه و ..  
۳۶

۳/۸/۱/۱. مشکل اصلی نظام اسلامی برای تحقق آرمان‌های خود؛ مسئولین حداقل اندیش‌علیرغم وجود امکانات و اختیارات کافی  
۳۶

۳/۸/۱/۲. حفظ جان خود و خانواده و عدم صحبت از مسأله فلسطین؛ توصیه افراد حداقل اندیش در صورت حضور در سال ۱۳۴۲ به امام عظیم الشان  
۳۶

۳/۸/۱/۳. درگیری با نظم دنیا و تغییر آن؛ کار اصلی نبی مکرم اسلام و حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف  
۳۷

۳/۸/۱/۴. مبارزه برای تحقق هفت اولویت نظام‌سازی برای خانواده جمعیت؛ تنها راه حل برون رفت از مشکلات در مقابل استدلال‌های علیل و راه‌حل‌های ناکارآمد کارشناسان توسعه غربی  
۳۸

۳/۸/۱/۵. تأثیر موضوعیت داشتن خانواده یا موضوعیت نداشتن آن در تفاوت مسأله تورم، تعادل در عرضه و تقاضا و ...  
۳۸

۳/۸/۱/۶. حل بسیاری از مشکلات کشور مشروط به داشتن نهاد خانواده قوی ..... ۳۸

۴. تبیین اولویت دوم یعنی بازتعریف نظام آموزش و پرورش به محوریت خانواده و جمعیت با پاسخ به چهار سؤال؛ سومین بخش بحث  
۳۸

۴/۱. پاسخ به سؤال چپستی اشکالات آموزش و پرورش فعلی از سه حیث هدف، محتوا و روش؛ به عنوان اولین سؤال برای بازتعریف نظام آموزش و پرورش فعلی به محوریت خانواده  
۳۹

۴/۱/۱. نقد آموزش و پرورش فعلی به محوریت نهاد خانواده در سه حوزه هدف، محتوا و روش؛ اولین قدم نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت  
۳۹

۴/۱/۱/۱. هدف آموزش و پرورش فعلی پرورش تکنسین بخش خدمات و تولید جامعه و نه آماده‌سازی فرد برای پذیرش تشکیل نهاد خانواده  
۳۹

۴/۱/۱/۲. دو پدیده مهندسین و دکترهای بی سواد درباره خانواده و دختران فاقد مهارت مهم آشپزی؛ از جمله عوارض هدف‌گذاری غلط در نظام آموزش و پرورش فعلی  
۴۰

- ۴/۱/۱/۳. شلوغ شدن بیمارستان‌ها نتیجه تضعیف سفره در خانواده به عنوان اولین اتفاق ناگوار عدم آشنایی دختران جامعه با مسأله بسیار مهم آشپزی  
۴۰
- ۴/۱/۱/۴. یبوست و عوارض آن، رشد انگل در محیط روده و ... از جمله بیماری‌های متأثر از تضعیف سفره در خانواده  
۴۰
- ۴/۱/۱/۵. به نقل از امام صادق علیه السلام مصرف زیاد برنج و یک نوع خرمای خاص در عراق مانع چسبندی و انسداد روده‌ها  
۴۱
- ۴/۱/۱/۶. یبوست شدید با اماله کردن، به عنوان ساده‌ترین روش درمانی منقول از نبی مکرم اسلام ص  
درمان  
۴۱
- ۴/۱/۱/۷. سفید از سفره‌ها و افزودن نان سبوس‌دار؛ به عنوان پیشگیری از بیماری یبوست و در نهایت بواسیر  
حذف نان  
۴۲
- ۴/۱/۱/۸. عدم آماده‌سازی فرزندان مان در آموزش و پرورش برای پیشگیری از بیماری؛ ناشی از عدم درک آنان از مسأله یا عدم اراده برای این کار  
۴۲
- ۴/۱/۲. عدم کارآمدی محتوای آموزشی در آموزش و پرورش فعلی برای تشکیل خانواده؛ به عنوان نقد محتوایی آموزش و پرورش  
۴۳
- ۴/۱/۳. تمرکز آموزش و پرورش بر ارتقاء نمره دائمی دانش آموزان؛ به عنوان نقد روشی آموزش و پرورش فعلی  
۴۳
- ۴/۱/۳/۱. آموزش ادب اصلی‌ترین دغدغه فرزندان از منظر امیرالمؤمنین علیه السلام؛ به عنوان زیرساخت امنیت و معیشت جامعه  
۴۳
- ۴/۲. پاسخ به سؤال از چیستی و چرایی از هدف نظام آموزش و پرورش مطلوب؛ به عنوان دومین سؤال برای بازتعریف نظام آموزش و پرورش به محوریت خانواده  
۴۵
- ۴/۲/۱. تعریف هدف آموزش و پرورش مطلوب به تقویت نهاد خانواده؛ پاسخ به چیستی این هدف  
۴۵
- ۴/۳. تعریف خانواده در اسلام به عنوان نهاد حاکمیتی تبیینی از چرایی تقویت نهاد خانواده به عنوان هدف آموزش و پرورش مطلوب  
۴۵
- ۴/۴. پاسخ به چگونگی روش و ساختار آموزش و پرورش جدید؛ به عنوان سومین سؤال برای بازتعریف نظام آموزش و پرورش به محوریت خانواده  
۴۵
- ۴/۴/۱. طرح ایده "خانواده متکفل آموزش"؛ به عنوان پاسخ به سؤال سوم جهت نظام‌سازی آموزشی  
۴۵
- ۴/۴/۲. انحصار ۵ انتخاب ظرفیت‌ساز در خانواده؛ علت اصلی انتخاب خانواده به عنوان ساختار آموزش و پرورش جدید  
۴۶

۴/۴/۲/۱/۱. "انتخاب همسر، انعقاد نطفه، دوران حمل": اولین ویژگی منحصر در خانواده به عنوان ساختار اصلی آموزش و پرورش جدید

۴۷

۴/۴/۲/۱/۲. انحصار مرحله اول ظرفیت‌سازی (اصل ظرفیت) فرزندان شامل «انتخاب همسر، انعقاد نطفه، دوران حمل» در خانواده

۴۹

۴/۴/۲/۱/۳. ظرفیت‌سازی روحی، فکری و جسمی فرزندان؛ مرهون رعایت توصیه‌های موجود در روایات اهل بیت علیهم السلام در مرحله اول ظرفیت‌سازی

۴۹

۴/۴/۲/۱/۴. توصیه اهل بیت علیهم السلام به مصرف میوه "به" قبل از انعقاد نطفه برای زیبایی فرزندان ..... ۴۹  
۴/۴/۲/۱/۵. توصیه امام رضا علیه السلام به مصرف کندور در دوران حمل برای زیبایی جسمی فرزندان دختران و هوش فرزندان پسران

۵۰

۴/۴/۲/۱/۶. توصیه اهل بیت علیهم السلام به مصرف هفت عدد خرما توسط مادر بلافاصله بعد از وضع حمل به عنوان قبل از نوشیدن آب برای صبوری و حلم فرزندان

۵۰

۴/۴/۲/۱/۷. آموزش نیازمند ظرفیت‌سازی اولیه و ظرفیت‌سازی اولیه در انحصار خانواده ..... ۵۱  
۴/۴/۲/۱/۸. توصیه اهل بیت علیهم السلام به دقت در برادران و خواهران همسر، هنگام انتخاب همسر؛ به عنوان عامل تأثیرگذارتر از والدین در روایات فرزندان

۵۱

۴/۴/۲/۱/۹. استسقاء حدوداً چهارصد روایت ذیل مرحله ساخت ظرفیت اولیه شامل؛ انتخاب همسر، انعقاد نطفه، دوران حمل

۵۲

۴/۴/۲/۲/۱. هفت سال اول تولد فرزند؛ مرحله دوم (اقدام دوم) ظرفیت‌سازی فرزندان در خانواده به عنوان ساختار آموزش و پرورش جدید

۵۳

۴/۴/۲/۲/۱. عدم ایجاد چالش برای اختیار فرزندان در هفت سال اول؛ محور ظرفیت‌سازی مرحله دوم در خانواده

۵۳

۴/۴/۲/۲/۲. تقویت قدرت تصمیم‌گیری مهمترین ظرفیت قابل کسب؛ در هفت سال اول تولید فرزندان ..... ۵۳

۴/۴/۲/۲/۳. توصیه اهل بیت علیهم السلام به آزاد گذاشتن فرزندان پسر در هفت سال اول برای بازی کردن ..... ۵۴  
۴/۴/۲/۲/۴. تأکید بر آثار بازی پسرچپه‌ها با خاک در روایات اهل بیت علیهم السلام؛ به عنوان ارتقاء سلامت و آشنایی با ایده‌های عرفانی و نگاه‌های فلسفی

۵۴

۴/۴/۲/۲/۵. بازی کودکان با حیوانات خانگی مانند کبوتر و خروس؛ موجب دور شدن اجنه از محل زندگی و آرامش بیشتر خانواده

۵۵

جدید ۴/۴/۲/۳. هفت سال دوم تولد فرزند؛ مرحله سوم ظرفیت‌سازی فرزندان در خانواده به عنوان ساختار آموزش و پرورش  
۵۶

۴/۴/۲/۳/۱. آموزش اطاعت و فرمان‌پذیری به فرزندان در هفت سال دوم؛ توصیه نبی مکرم اسلام ص ۵۶.....

۴/۴/۲/۳/۲. آموزش اطاعت‌پذیری، آشنایی با مفهوم اذن، انجام جداسازی جای خواب دختر از پسر؛ از جمله  
توصیه‌های اهل بیت علیهم السلام در هفت سال دوم  
۵۶

۴/۴/۲/۳/۳. امر پدر به کتابت قرآن توسط فرزندان بعد از آموزش الفبا؛ یکی دیگر از توصیه‌های اهل بیت علیهم  
السلام برای فهم بهتر قرآن  
۵۷

پرورش جدید ۴/۴/۲/۴. هفت سال سوم تولد فرزندان؛ چهارمین اقدام ظرفیت‌ساز برای فرزندان در خانواده به عنوان ساختار آموزش و  
۵۹

۴/۴/۲/۴/۱. آموزش مشاوره دادن و مشاوره گرفتن؛ موضوع اصلی هفت سال سوم در خانواده..... ۵۹

۴/۴/۲/۴/۲. توصیه امام معصوم علیه السلام به آموزش روش مشورت کردن و مشورت دادن؛ به معنی روش اضافه  
کردن فکر دیگران به فکر خود  
۶۰

۴/۴/۲/۴/۳. ایجاد تبادل علمی گسترده در جامعه و بی‌نیازی از معاونت‌های پژوهش؛ در صورت مواظبت پدرها بر  
آموزش مشورت به فرزندان در هفت سال سوم  
۶۰

۴/۴/۲/۴/۴. سؤال پرسیدن؛ روش خاص و تکنولوژی مشورت کردن..... ۶۰

۴/۴/۲/۴/۵. ضرورت پرسش‌های مشورتی در هفت سال سوم توسط والدین حتی در صورت ازدواج فرزندان؛ پاسخ  
به شبهه مقدر  
۶۰

۴/۴/۲/۴/۶. عدم امکان واگذاری مسئولیت پدر و مادر در هفت سال سوم به دیگران؛ به دلیل وجود روابط عاطفی  
بین والدین و فرزندان به عنوان ضمانت اجرای این آموزش  
۶۱

جدید ۴/۴/۲/۵. هفت سال چهارم تولد فرزند؛ پنجمین اقدام ظرفیت‌ساز فرزندان در خانواده به عنوان ساختار آموزش و پرورش  
۶۱

۴/۴/۲/۵/۱. خودارزیابی موضوع اصلی، هفت سال چهارم؛ به عنوان آخرین اقدام ظرفیت‌ساز توسط خانواده .. ۶۱

۴/۴/۲/۵/۲. تعبیر "مراحل رشد" به پنج اقدام ظرفیت‌ساز؛ در مقابل مراحل رشد پیراژه..... ۶۲

۴/۴/۲/۵/۳. ارتقاء ظرفیت علمی فرزندان مشروط به مراحل رشد پنج مرحله‌ای؛ ایجاد ظرفیت‌های اولیه، آموزش  
قدرت تصمیم‌گیری، اطاعت‌پذیری، مشورت و خودارزیابی  
۶۲

۴/۴/۲/۵/۴. معرفی نهاد خانواده به عنوان نهاد اصلی متفکر آموزش در آموزش و پرورش پیشنهادی جدید... ۶۲

- ۴/۵. چپستی محتوای آموزشی در آموزش و پرورش مطلوب؛ به عنوان چهارمین و آخرین بحث ۶۳
- ۴/۵/۱. تقدم و اهميت روش آموزش و پرورش جديد نسبت به محتوای آن ۶۳
- ۴/۵/۲. تعريف روش آموزش و پرورش جديد به مراحل پنج گانه رشد فرزندان ۶۳
- ۴/۶. تقسيم محتوای آموزشی آموزش و پرورش مطلوب به سه دسته کلی؛ درس پایه، درس کاربردی، درس استنباطی و پژوهشی ۶۵
- ۴/۶/۱. تعريف علوم پایه به علوم پایه فهم حقایق عالم شامل ۴ جدول؛ روابط انسانی، تسخیر اشیاء، علوم غریبه و اسماء الهی ۶۵
- ۴/۶/۱/۱. بحث از ۱۳ عنوان روابط انسانی ذیل جدول روابط انسانی؛ اولین علم پایه به عنوان محتوای آموزش و پرورش جديد ۶۵
- ۴/۶/۱/۱/۱. سؤال از امام، الگو و ایده پرداز زندگی فرزندان؛ اولین سرفصل از عناوین ۱۳ گانه جدول روابط انسانی ۶۵
- ۴/۶/۱/۱/۲. سؤال از معلم و آموزگار فرزندان؛ دومین سرفصل از عناوین ۱۳ گانه جدول تنظیم روابط انسانی ۶۶... ۶۶
- ۴/۶/۱/۱/۳. پرسش از کیفیت رفتار با همسایه و خانواده؛ سومین و چهارمین سرفصل از عناوین سیزده گانه جدول تنظیم روابط انسانی ۶۷
- ۴/۶/۱/۱/۴. پرسش از دوست و دشمن فرزندان؛ پنجمین و ششمین سرفصل از عناوین سیزده گانه جدول تنظیم روابط انسانی ۶۷
- ۴/۶/۱/۱/۵. پرسش از ویژگی های لازم برای انتخاب شریک شغلی و کیفیت ارتباط با مهمان و همسفر؛ هفتمین و هشتمین و نهمین سرفصل از عناوین سیزده گانه جدول تنظیم روابط انسانی ۶۹
- ۴/۶/۱/۲. بحث از ۱۹ گروه از اشیاء شامل ۲۰۰ شیء پر کاربرد در جدول تسخیر اشیاء؛ دومین علم از علوم پایه به عنوان محتوا در آموزش و پرورش مطلوب ۷۲
- ۴/۶/۱/۲/۱. آشنایی با اشیاء شستشو دهنده یکی از ۱۹ گروه اشیاء جدول تسخیر اشیاء؛ دومین علم از علوم پایه به عنوان بخشی از محتوای آموزشی آموزش و پرورش مطلوب ۷۳
- ۴/۶/۱/۲/۲. ضرورت گفتگو درباره زندگی با اشیاء برای فرزندان؛ به منظور تأمین راحتی آنها در زندگی ۷۴..... ۷۴
- ۴/۶/۱/۲/۳. بحث از خواص اشیاء برای درمان یا التیام زخم، خواص نور ماه و خورشید و کوه برای انسان؛ از جمله دیگر اشیاء پر کاربرد زندگی انسان ۷۵
- ۴/۶/۱/۳. آشنایی با علوم غریبه و اسباب ظاهر و غریب؛ به عنوان سومین علم پایه و محتوای آموزش و پرورش مطلوب ۷۹

۴/۳/۱/۶/۴. آشنایی با اجنه و ملائکه الهی یکی از سرفصل‌های علوم غریبه به عنوان محتوای آموزش و پرورش  
مطلوب

۷۹

۴/۳/۱/۶/۴. آشنایی با اسباب غریب اعداد و حروف؛ یکی دیگر از شاخه‌های علوم غریبه به عنوان محتوای آموزشی  
آموزش و پرورش جدید

۸۱

۴/۳/۱/۶/۴. گفتگو با عالم اموات؛ یکی دیگر از شاخه‌های علوم غریبه به عنوان محتوای آموزش و پرورش مطلوب  
مطلوب

۸۳

۴/۳/۱/۶/۴. بحث از از ۹۰ مسأله در خصوص تنظیم زندگی انسان و جن؛ یکی دیگر از شاخه‌های علوم غریبه به  
عنوان محتوای آموزش و پرورش مطلوب

۸۵

۴/۳/۱/۶/۴. عدم نزدیکی به اشیاء و غذاهای دوست داشتنی اجنه مانند آب، آهن، چربی و ... یکی از راهکارهای  
ساده برای تنظیم زندگی انسان

۸۷

۴/۳/۱/۶/۴. مصرف اشیاء ضد سحر مانند خوردن سیب به صورت ناشتا، مصرف گوشت شتر، کوتاه کردن مو و  
ناخن از دیگر دستورات برای تنظیم روابط انسان و اجنه

۹۰

۴/۳/۱/۶/۴. گفتگو پیرامون معانی و خواص اسماء و صفات الهی؛ به عنوان چهارم علم پایه و محتوای آموزش و پرورش  
مطلوب

۹۲

۴/۳/۱/۶/۴. دومین سری محتوای آموزش و پرورش مطلوب؛ بحث از علوم کاربردی همچون علم ساخت مسکن، ارزیابی غذا،  
مدیریت شهری و ... شامل چهارصد نظریه

۹۵

۵. خلاصه بحث در چهار عنوان؛ تبیین نظام‌سازی برای جمعیت به محوریت نظام‌سازی آموزشی، تبیین هفت اولویت نظام‌سازی  
برای جمعیت، چگونگی ساخت نظام آموزشی جدید و نقد هدف، ساختار(روش) و محتوای نظام آموزشی موجود و تبیین هدف،  
ساختار(روش) و محتوای نظام آموزشی مطلوب

۹۵

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَشَفِيعِنَا فِي يَوْمِ الْجَزَاءِ  
أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ أَرْوَاحُنَا لِأَمَالِهِ الْفِدَاءِ وَعَجَّلَ اللَّهُ  
تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفُ وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَيَّ أَعْدَائِهِ أَعْدَاءِ اللَّهِ مِنْ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

مقدمه: نظام‌سازی لازمه ارتقاء کمی و کیفی جمعیت؛ به عنوان موضوع اصلی برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی

چنانچه مستحضرید، موضوع نشست تخصصی امروز نظام‌سازی آموزشی برای خانواده و جمعیت است. این بحث بخشی از برنامه جمعیتی الگوست. در برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت موضوع و حرف اصلی یک کلمه است؛ اگر بخواهیم جمعیت کمّاً و کیفاً ارتقاء پیدا کند، باید نظام‌سازی کنیم. این یک جمله، حرف اصلی است. لذا استدعا دارم این کلیدواژه و اصطلاح را در خاطر مبارک‌تان محفوظ بدارید تا هم در این جلسه و هم در جلسات آتی آن را شرح بیشتری بدهیم.

بنابراین حرف اصلی ما این است که ارتقاء کمی و کیفی مسأله با برنامه‌های فعلی که الان فعالان جمعیت در دستور کار قرار داده‌اند، اتفاق نمی‌افتد. به عنوان مثال اگر قانون جوانی جمعیت را که الان تقریباً مهمترین دستاورد در این حوزه است به نحو کامل اجرا کنید، به نظر ما تغییر چندانی در موضوع جمعیت رخ نخواهد داد. دلیل آن هم این است که نظامات اجتماعی کشور ضد جمعیت هستند و ضد نهادی که قرار است جمعیت را کمّاً کیفاً ارتقاء بدهد. در جلسه گذشته لیستی از برنامه‌های توسعه غربی ارائه کردم و گفتم که این برنامه‌ها همگی ضد نهاد خانواده عمل می‌کند. بنابراین تا این برنامه‌ها را مهار نکنید و اصطلاحاً نظم اجتماعی را به نفع مسأله جمعیت بازتعریف نکنید، نباید انتظار داشته باشید که جمعیت کمّاً و کیفاً ارتقاء پیدا کند. البته اشتباه نشود نمی‌گویم که هیچ کاری نمی‌توانیم انجام بدهیم. بلکه کارهای بخشی فراوانی امروز در دستور کار من و شما هست، اما آن رشدی که الان مد نظر است حتماً به دست نخواهیم آورد.

### ۱/۱. ترسیم فضای کلی جلسه تبیین نظام‌سازی آموزشی برای جمعیت در سه سرفصل اصلی

ما به دنبال این هستیم که برای جمعیت نظام‌سازی کنیم. حالا این عنوان نظام‌سازی برای جمعیت را اگر بخواهیم شرح بدهیم و به صورت اخص نظام‌سازی آموزشی را شرح بدهیم، باید سه سرفصل اصلی را شرح بدهیم و بعد در خدمت شما هستیم و از محضر شما هم استفاده خواهیم کرد.

### ۱/۱/۱. تبیین برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی؛ به عنوان اولین بخش بحث

سرفصل اول این است که حرف اصلی برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی چیست؟ حرف اصلی ما نظام‌سازی برای جمعیت است. در این سرفصل تفاوت نظام‌سازی برای جمعیت با ارائه خدمات بخشی به خانواده توضیح داده خواهد شد. باز هم تأکید می‌کنم که چون آغاز بحث هست، از شما تقاضا دارم که تفاوت نظام‌سازی برای جمعیت و خانواده با ارائه خدمات و کار فرهنگی کردن در این موضوع را دقت بفرمایید و اگر باز هم دیدید که توضیحات در بیان تفاوت این دو ناکافی است، باز هم در قسمتی که گفتگو می‌کنیم و پرسش و پاسخ هست بفرمایید تا بیشتر بحث کنیم. زیرا نگرانی من این است که اگر این مسأله تبیین نشود، دوباره به سراغ کارهایی که تاکنون برای جمعیت می‌کردیم برویم و در دستور کار قرار بدهیم.

پس سؤال اول این است که پایه اصلی برنامه جمعیتی الگو دقیقاً چیست؟ که همانطور که عرض شد پایه اصلی آن ایده "نظام‌سازی برای جمعیت" است که در جای خودش تشریح خواهد شد.

### ۱/۱/۲. تبیین حوزه‌های اولویت دار نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت؛ به عنوان دومین سرفصل

سؤال دوم زائیده سؤال اول هست. اگر ما قبول کردیم که برای ارتقاء جمعیت کشور نیازمند نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت هستیم، حوزه‌های اولویت دار نظام‌سازی کدام هستند؟ در جلسه امروز ۷ حوزه نظام‌سازی اولویت دار را به صورت اجمالی شرح خواهیم داد.

### ۱/۱/۳. تبیین مراحل نظام‌سازی آموزشی به عنوان یکی از اولویت‌های نظام‌سازی برای جمعیت؛ به عنوان

#### سومین سرفصل

سؤال سوم جلسه اختصاصاً به شرح مراحل نظام‌سازی آموزشی می‌پردازد. نظام‌سازی آموزشی که یکی از اولویت‌های نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت است، مراحل تحققش چگونه است؟ در این بخش، مراحل عملی کردن این ایده در نظام آموزشی کشور تبیین خواهد شد.

### ۱/۱/۳/۱. تبیین تفاوت ساخت نظام آموزشی جدید با تدوین چند کتاب آموزشی؛ برای دفع شبهه

در یکی از جلسات بحثی یکی از کارشناسان گفته است که این کار [نظام‌سازی آموزشی] را به کمیته آموزش بسپارید، یعنی تلقی ایشان از جلسه این بوده است که قرار است یک محتوای آموزشی تهیه شود. این همان دغدغه بنده است که بسیاری از کارشناسان تفاوت نظام‌سازی برای موضوع را با ارائه خدمات به آن موضوع مورد تأمل قرار

نداده‌اند. ایده اصلی دقیقاً این است که می‌خواهیم نظام‌سازی آموزشی کنیم. قرار نیست چند جلد کتاب و جزوه آماده کنیم و به فعالان جمعیت یا سایر جلسات مرتبط با جمعیت ارائه کرده یا دوره آموزشی برگزار کنیم. همه دغدغه من در جلسه امروز این است که تفاوت این دو ایده مشخص شود. اگر این تفاوت واضح شود، آن وقت خیلی از مسائل کشور حل خواهد شد و فقط هم اختصاص به جلسه شما ندارد. به عنوان مثال وقتی با کارشناسان حوزه طب اسلامی مطرح می‌کنیم که باید نظام‌سازی برای طب داشته باشیم. اما باز هم مشاهده می‌کنیم که بسیاری از آنها دوره‌های آموزشی برگزار می‌کنند. حتی من یک گزارشی شنیدم از یکی از مؤسسات که برای حدود سی هزار نفر دوره آموزشی برگزار کرده است، اما همچنان به این کار نظام‌سازی برای طب نمی‌گوییم. به همین منوال می‌توانید بقیه مسائل را هم قیاس کنید.

### ۱/۱/۳/۲. **ضرورت شکستن طلسم یکسان‌انکاری خدمات بخشی به یک موضوع با نظام‌سازی برای آن؛ اولین قدم برای حرکت به سمت نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت**

به عنوان مثال برای حوزه محرومیت‌زدایی کشور، سابق بر این به همت جمع زیادی از نیروهای اسلامی قرارگاهی به اسم "قرارگاه پیشرفت و آبادانی" داشتیم. آنجا هم بعضی از دوستان به جای اینکه برای محرومیت‌زدایی نظام‌سازی کنند؛ دنبال ساخت چند خانه و دستشویی و حمام و امثالهم و ارائه خدمات به محرومین بودند. ظاهراً این یک طلسم است که خیلی‌ها به آن گرفتار هستند و تفاوت این دو تا از هم را متوجه نیستند. البته خداوند حتماً قلیل را هم از ما قبول می‌کند. اما روز قیامت هم حتماً از ما سؤال خواهد کرد که اختیارات شما باید در نظام‌سازی ضرب می‌شد، نه ارائه خدمات در این حوزه. این مسأله اصلی است.

### ۱/۱/۳/۳. **تبیین تمثیلی تفاوت نظام‌سازی با خدمات بخشی**

مثلاً شما فرض کنید سال ۱۳۴۲ که انقلاب اسلامی امام عظیم‌الشان رحمته‌الله در اوج شروع شده است، امام رحمته‌الله بفرمایند که حالا من یک سخنرانی علیه کاپتالیسم می‌کنم و یک موضع‌گیری هم می‌کنیم و چند تا تجمع برگزار می‌کنیم. البته که امام رحمته‌الله نه تنها این کارها را می‌کند، بلکه جهت را به سمت تشکیل و برپایی یک نظام سیاسی جدید تنظیم می‌کند. مدیریت ایشان به شکلی بود که ۱۵ سال بعد به فضل الهی و به شفاعت حضرت ولی عصر علیه‌السلام نظام سیاسی کشور ایران تغییر می‌کند. امام رحمته‌الله در حوزه سیاسی امنیتی این کار را کرد. ما هم باید از امام رحمته‌الله تبعیت کنیم و تأثیر بگیریم و در این جهت حرکت کنیم که مثلاً ۱۰ یا ۲۰ سال آینده نظام سلامت کشور تغییر کند، نه اینکه یک گوشه‌ای بایستیم و نهایتاً چند نسخه درباره بیماری‌های ناشی از بلغم یا صفرا و ... بنویسیم.

در حوزه خانواده و جمعیت هم همین مسأله است و باید برنامه‌ای را با هم طراحی کنیم که یک دهه دیگر به معنای واقعی کلمه خانواده تقویت شده باشد. وقتی که خانواده تقویت شده باشد ما می‌توانیم ادعا کنیم که کار خوبی برای جمعیت انجام داده‌ایم. ولی برفرض فعلی که توسعه غربی به دنبال له کردن نهاد خانواده است و مبنایش فردگرایی است، اگر شما خدماتی هم به خانواده‌های باقی مانده ارائه دهید، کار خیلی مهمی را نمی‌توانید در این فضا انجام دهید. این اصل دغدغه ما است. بنابراین برای چندمین بار لازم به تذکر می‌دانم که به تفاوت خدمات بخشی به خانواده و نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت عنایت و دقت ویژه‌ای داشته باشید. به نظر ما قانون جوانی جمعیت به دنبال ارائه خدمات است و نویسندگان متأسفانه درکی از نظام‌سازی نداشته‌اند. به عقیده من این طرح به نتیجه نخواهد رسید.

اگر توفیق باشد و در شب قدر امضاء شده باشد عنوان مجموعه جلساتی که قرار است در ماه‌های آینده برگزار شود، نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت است. امروز هم اختصاصاً نظام‌سازی آموزشی برای خانواده و جمعیت را شرح خواهیم داد. این مقدمه بحث بود. حالا می‌خواهیم وارد اصل بحث شویم.

## ۲. تبیین تفصیلی برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت ذیل سه سرفصل؛ به عنوان بخش اول

سؤال اول: حرف اصلی برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی چیست؟ ذیل سه سرفصل حرف اصلی برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی را شرح خواهیم داد. اما قبل از آن خواهش می‌کنم که بحث برنامه جمعیتی الگو را که در جلسه مقدماتی بحث کردیم در ماه‌های پیش را انضمام سؤال اول مطالعه کنید.

### ۲/۱. تبیین تفاوت نظام سازی با ارائه خدمات به خانواده و جمعیت؛ اولین سرفصل بخش اول

#### ۲/۱/۱. تعریف نظام سازی برای یک موضوع به؛ بازتعریف همه اجزاء و روابط نظام اجتماعی به محوریت آن

اولاً تفاوت معنای نظام‌سازی برای یک موضوع و تعریف خدمات برای یک موضوع چیست؟ در یک جمله وقتی می‌گوییم که برای یک موضوع نظام‌سازی کنیم یعنی همه امور را با آن هماهنگ کنیم و آن را محور قرار بدهیم. به عنوان مثال ده متغیر روی میز وجود دارد. گاهی اوقات یکی از متغیرها را محور قرار می‌دهید و می‌گویید که همه متغیرها با این متغیر هماهنگ شوند. به عبارت دیگر همه متغیرها باید بگویند که در راستای تحقق مثلاً متغیر شماره ۴ چه کاری قرار است انجام بدهند، این معنای نظام‌سازی است. یعنی ابتدا باید همه عوامل مؤثر بر آن موضوع را

۱. ارجاع پردازشی: جلسه مقدماتی پیرامون برنامه جمعیتی الگو

در یک نظم اجتماعی احصاء کرده و روی میز قرار دهیم و سپس یکی را محور قرار داده و بقیه را در خدمت آن متغیر اصلی تعریف کنیم، به این کار در اصطلاح نظام‌سازی گفته می‌شود.

**۲/۱/۲. تبیین تمثیلی نظام‌سازی اجتماعی حول موضوع جمعیت در کلان‌بخش‌های آموزش، مشاغل و مکاسب و .... به بازتعریف نظام آموزشی، مشاغل و مکاسب و ... به محوریت خانواده**

به عنوان مثال [برای نظام‌سازی اجتماعی حول موضوع جمعیت و خانواده همه] کلان‌بخش [های جامعه مانند] آموزش، مشاغل و مکاسب و تبلیغات شهری، نظام مهندس و ساخت مسکن و سلامت و ... [به محوریت خانواده بازتعریف خواهد شد. مثلاً کل بخش آموزش باید به محوریت خانواده بازتعریف شود، کل بخش مشاغل و مکاسب هم باید به محوریت خانواده بازتعریف شود.

**۲/۱/۳. مقایسه تغییر طبقه‌بندی علوم به محوریت خانواده به عنوان نظام‌سازی آموزشی برای خانواده با تدوین کتب یا اضافه کردن مربی پرورشی به برخی مدارس به عنوان خدمات به خانواده**

تعابیر دقیق است نمی‌گوییم که در بخش آموزش یک کتاب بنویسید که از خانواده و جمعیت بحث کند، بلکه می‌گوییم که اساساً طبقه‌بندی علوم باید به محوریت خانواده باید تغییر پیدا کند. زیرا در نظام جمهوری اسلامی ذهن‌ها اینطوری است که مثلاً حوزه علمیه قم می‌گوید که حالا اختیارات در دست اسلام است، یک سری مدارس را تحت عنوان مدارس امین<sup>۲</sup> تحت پوشش قرار می‌دهند. بعد از تحقیق متوجه می‌شویم که یک مربی پرورشی به همه مدارس امین اضافه شده است. این همان معنا و مفهوم ارائه خدمات بخشی است که عرض می‌کنیم. اما یک وقتی شما می‌گویید که اساساً مدرسه‌ای را از ابتدا تا انتها به گونه‌ای تعریف می‌کنم که خروجی‌اش انسانی باشد که خانواده و لوازم مختلفش را بفهمد. پس همه کتب درسی با این نگاه باید تغییر کند. در چنین مدرسه‌ای که شرح آن خواهد آمد شما نمی‌توانید بگویید که درس اصلی ریاضی است. بلکه درس اصلی خانواده است. خانواده مفهوم اصلی در این مدرسه است. اگر شما این کار را نکنید یک نظام آموزشی خواهید ساخت مثل همین نظام آموزشی که در حال حاضر داریم که در این نظام آموزشی آدم‌های شما نه برای خانواده، بلکه برای بخش خدمات و تولید جامعه آماده می‌شوند. زیرا موضوع اصلی ذهنیت آنها خانواده نیست. آدم‌های مدرنی که در حال حاضر در حال تربیت آنها هستیم ذهنیت

---

<sup>۲</sup>. طرح مدارس امین حوزه‌های علمیه

اصلی‌شان خانواده نیست. اگر هم به طور غریزی ازدواج کنند، دغدغه اصلی‌شان این نیست که خانواده را از آب و گل دربیاروند و به مسیر صحیح هدایت کنند. بنابراین منظور ما از نظام‌سازی برای خانواده این است که همه امور حول موضوع خانواده هماهنگ شود.

#### **۲/۱/۴. عدم انحصار نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت به نظام‌سازی آموزشی؛ به معنای تعمیم نظام‌سازی برای خانواده به همه نظامات اجتماعی اعم از نظام مهندسی، مدیریت شهری، سلامت و ...**

در بحث نظام بیان و تبلیغات شهری احتیاج داریم که خانواده محور باشد. فقط نظام آموزشی که نیست. یک نظام مهندسی و خانه‌سازی احتیاج داریم که در آن خانواده زیست کند. اما در حال حاضر درک نظام مهندسی فعلی، ساخت خوابگاه و نه محل زیست خانواده است. بنابراین به محوریت خانواده در بخش نظام مهندسی و خانه‌سازی نیازمند ساخت یک معماری جدید که در آن خانواده اصل است، هستیم. باید دغدغه اصلی مدیریت شهری، ارائه خدمات به خانواده باشد. این حرفها برای بعضی‌ها حرف‌های نویی هست. در حال حاضر مدیریت شهری موجود در حال ارائه هشت نوع خدمات است. آیا مدیریت شهری کشور، خدماتش برای تقویت خانواده است؟ آیا مدیران شهری ما در شورای شهر در حال بحث از نوع خدماتی که باید به خانواده داده شود هستند؟ خیر؛ در این شوراها خانواده هم یک بخشی از کار است، ولی محور نیست.

#### **۲/۱/۴/۱. عدم تسلط بر مفهوم پیشگیری و ضعف مفاهیم وزارت بهداشت برای تحقق آن خوش بینانه‌ترین قضاوت درباره نظام سلامت کشور**

آیا نظام سلامت کشور به دنبال ارائه خدمات به خانواده برای حفظ سلامت آن است؟ خیر؛ نظام سلامت کشور به دنبال فروش داروی بیشتر به مردم است. من احساس می‌کنم که پیشگیری در نظام سلامت کشور مغفول مانده است. البته برخی کارشناسان می‌گویند که ما برای پیشگیری کارهایی انجام داده‌ایم، ولی به دلیل افزایش هرساله بیماری‌ها در کشور، منصفانه‌ترین گزینه این است که بگوییم وزارت بهداشت بر مفهوم پیشگیری مسلط نیست. در برخی جلسات گفته‌ایم که وزارت بهداشت و درمان کشور باید به فکر پیشگیری باشد، برخی کارشناسان فرمودند که بله؛ این پیشگیری از سال‌ها پیش در دستور کار قرار گرفته است. خوب حالا سؤال ما این است که اگر در دستور کار قرار گرفته است، پس نتیجه‌اش چه شده است؟ آیا کاهش بیماری داشته‌ایم؟ یا اینکه هر سال شاهد افزایش بیماری‌ها هستیم؟ به عنوان مثال هر سال تعداد بیماران مبتلا به فشار خون در حال افزایش است یا کاهش؟ تعداد مبتلایان به بیماری‌های قلبی و عروقی در حال افزایش است یا کاهش؟ مبتلایان به دیابت در کشور هر ساله در حال افزایش است یا کاهش؟ اگر آمار نشان دهنده افزایش تعداد بیماران مبتلا به انواع بیماری‌ها است و شما هم

معتقدید که وزارت بهداشت و درمان به دنبال مسأله پیشگیری است. تنها نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که مفاهیم وزارت بهداشت و درمان برای تحقق پیشگیری، مفاهیم ضعیفی بوده و قادر به تحقق مسأله پیشگیری نیست. در جلسه‌ای که با وزیر محترم بهداشت فعلی<sup>۳</sup> داشتیم به ایشان همین مطلب عرض شد و ایشان در جواب گفتند که بله مسأله پیشگیری خیلی مهم است. بنده هم غیردیپلماتیک و صریح به ایشان گفتم جناب آقای وزیر مسأله پیشگیری خیلی مهم است ولی شما بلد نیستید که پیشگیری را محقق کنید.

۲/۱/۴/۲. برجسته‌سازی و تحقق مفهوم پیشگیری در نظام سلامت کشور؛ شرط اصلی تقویت نهاد خانواده و جلوگیری

### از ضعف و فروپاشی آن

بنابراین اگر می‌خواهید خانواده تقویت شود، باید مفهوم پیشگیری را برجسته کنید. الان بعضی از خانواده‌ها وقتی که یکی از عزیزان‌شان بیمار می‌شود، طبقه اجتماعی‌شان به دلیل هزینه‌های ناشی از بیماری تغییر کرده و پایین‌تر می‌آید. یعنی مسأله درمان غیر از عارضه‌های جسمی که برای انسان ایجاد می‌کند، هزینه‌های مالی فراوانی را هم تحمیل می‌کند. البته دولت‌ها برای کاهش این هزینه‌ها اقداماتی می‌کنند، ولی هنوز نتوانسته‌اند که این مسأله را کامل حل کنند. بنابراین حرف اول ما روشن شد. وقتی می‌گوییم که باید برای یک مسأله نظام‌سازی صورت بگیرد یعنی بخش‌های مختلف به محوریت بخش مورد نظر بازتعریف شود. این حرف اصلی ما است. به عبارت دیگر نظام‌سازی یعنی یک مسأله بشود هدف اصلی و راهبردی همه بخش‌ها. حالا باز به محوریت بحث خانواده و جمعیت سؤال می‌کنیم. آیا نظام آموزش و پرورش کشور هدف راهبردی اش تربیت انسان متناسب با پذیرش مسئولیت خانواده است یا اینکه هدف دیگری دارد؟ نظام بیان و تبلیغات شهری آیا خانواده محور است؟ یا اینکه در حاشیه بزرگراه‌ها و کنار مساجد گاهی اوقات تابلویی هم هست که می‌گوید؛ ۲ بچه کافی نیست؟ نظامات اجتماعی فعلی در حال طرح این مسأله در کنار بقیه مسائل‌شان هستند. بخش مکاسب و مشاغل چطور؟ بخش اقتصاد، اقتصاد خانواده‌محور را جلو می‌برد؟ یا اینکه در حال تحقق یک مدل اقتصادی دیگر است؟ بعد هم می‌گوید که البته پدران و مادران خانواده کارگران ما هم محسوب می‌شوند و چون به اینها حقوق می‌دهیم، غیرمستقیم یک کاری هم برای خانواده انجام می‌دهیم.

---

۳. دکتر بهرام عین‌اللهی

۲/۱/۴/۳. وضوح توجه بخشی و جزئی نظامات اجتماعی به خانواده متأثر از شعار عدالت و تقویت خانواده در نظام

جمهوری اسلامی و تفاوت آن با ایده "بازتعریف همه نظامات اجتماعی به محوریت خانواده" به معنی تغییر

دستگاه کارشناسی کشور

یک وقتی در زمان بعضی از مدیران سابق، شاهد بودم که شرکت "شستا"<sup>۴</sup> در حدود یک میلیون تومان، یک سری اقلامی را برای کارگران زیرمجموعه خودش تعریف کرد. گفتند می‌خواهیم به خانواده‌ها کمک کنیم. به خاطر نظام جمهوری اسلامی که شعار عدالت و تقویت خانواده را سر داده است، همه بخش‌ها مقداری به مسأله خانواده کمک می‌کنند. ولی برنامه‌ریزی‌های کشور خانواده‌محور نیست. سند واضحش همین قانون جوانی جمعیت است که یک مقدار خدمات برای خانواده تعریف کرده است. البته اگر همین قانون هم اجرایی شود. ولی اینگونه نیست که همه بخش‌ها به محوریت نهاد خانواده بازتعریف شود. اساساً ایده بازتعریف کردن همه امور به محوریت نهاد خانواده معنایش تغییر دستگاه کارشناسی کشور است که هدف اصلی الگوی پیشرفت اسلامی نیز همین است. اساساً الگوی توسعه غربی با انواع مکاتبش دنبال این مسأله نیست. بلکه دنبال مسائل دیگری است. بنابراین تفاوت نظام‌سازی و ارائه خدمات واضح است.

۲/۲. قرار گرفتن خانواده به عنوان محور اصلی برنامه‌ریزی کشور مشروط به تغییر تعریف خانواده از معنای

فعالی به اصلی‌ترین نهاد حاکمیتی در اسلام؛ دومین سر فصل بخش اول

نکته بعد اینکه اگر ما بخواهیم خانواده را محور اصلی برنامه‌ریزی کشور قرار دهیم، نیازمند این هستیم که تعریف‌مان را از خانواده تغییر بدهیم. تعریف خانواده در اسلام چیست؟ این سؤال، محور دوم برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی است. یک تعریف جدیدی از خانواده ارائه داده‌ایم. اجمالاً این تعریف جدید را طرح بحث خواهیم کرد. معتقدیم که خانواده یک نهاد حاکمیتی است. استظهارات این تعریف جدید را هم اشاره خواهیم کرد تا بدانید که وقتی راجع به خانواده صحبت می‌کنیم، نباید تصور ازدواج یک پسر و دختر جوان فقط در ذهن‌ها متبادر شود که قرار است

---

<sup>۴</sup> . **ارجاع پردازشی:** سازمان بین‌المللی تأمین اجتماعی (ISSA) در چارچوب‌های هدایتی خود برای پایداری صندوقهای تأمین اجتماعی توجه به موضوع سرمایه‌گذاری را برای تمام صندوقهای مزبور امری ضروری می‌داند تا این صندوق‌ها در گذر زمان بتوانند ارزش دارائی‌ها و منابع خود را حفظ و صیانت نمایند. به همین منظور شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) بعنوان یک مجموعه تخصصی در امر سرمایه‌گذاری در تاریخ ۰۶/۰۱/۱۳۶۵ بصورت یک شرکت سهامی خاص با سرمایه اولیه ۲۰ میلیارد ریال تأسیس گردید.

<https://www.ssic.ir/p/۱۶۹/%D%A%۸۱%D%A%B۴%D۹%A۰-%D%A%AV%D۹%A۱%D%A%AF%D%A%AV%D%A%B۲-%D۹%AA-%D%A%B۱%D%A%AV%D۹%AV%D%A%AA%D%A%B۱%D%A%AF%D۹%AV%D%A%AV>

اینها خانه و زندگی تشکیل بدهند. خیر؛ نقطه شروع حاکمیت اسلام، بر ازدواج این دختر و پسر بنا نهاده شده است.<sup>۵</sup> بنابراین اگر خانواده درست تعریف شود، معلوم می‌شود که یک نهاد حاکمیتی است.

---

**۵. ارجاع پژوهشی:** و قَالَ نَبِيٌّ ص: مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءَ أَحَبِّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَعَزُّ مِنَ التَّزْوِيجِ

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در اسلام هیچ بنایی ساخته نشد که نزد خداوند عز و جل محبوبتر و ارجمندتر از ازدواج باشد .

منابع: بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۲/مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۳

الْقُطْبُ الرَّائِدِيُّ فِي لُبِّ اللَّبَابِ، عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ: إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النَّصْفِ الْآخَرِ: وَ رَوَاهُ فِي الْعَوَالِي، عَنْهُ: مِثْلَهُ وَ فِيهِ النَّصْفِ الْبَاقِي.

رسول خدا فرمودند: هرکس ازدواج کند، نیم دینش را به دست آورده است و باید در نیم دیگر از خدا پروا کند.

منبع اصلی: مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۴

وَ بِإِسْنَادِهِ أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَضْلُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ الشَّعْرَانِيُّ بِجُرْحَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي مُوسَى الْمُجَاشِعِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ). قَالَ الْمُجَاشِعِيُّ: وَ حَدَّثَنَا الرَّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، عَنْ أَبِيهِ مُوسَى، عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، وَ قَالَا جَمِيعاً عَنْ آبَائِهِمَا، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله): مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النَّصْفِ الْبَاقِي.

رسول خدا فرمودند: هرکس ازدواج کند، نیم دینش را به دست آورده است و باید در نیم دیگر از خدا پروا کند.

مصادر اصلی: الأمالی (للطوسی)، ص ۵۱۸ / عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیہ، ج ۳، ص ۲۸۹ / جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۰۱ / مکارم الأخلاق، ص: ۱۹۶

وَ عَنْ عَلِيٍّ ص أَنَّهُ قَالَ: لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ص تَزَوَّجَ إِلَّا قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ كَمَلْ دِينَهُ

امام علی علیه السلام هر کدام از اصحاب پیغمبر که ازدواج می کردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: دینش کامل شد.

مصدر اصلی: عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیہ، ج ۳، ص ۲۹۰

أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا مِنْ شَابٍّ تَزَوَّجَ فِي حَدَاثَةِ سِنِّهِ إِلَّا عَجَّ شَيْطَانُهُ يَا وَيْلَهُ يَا وَيْلَهُ عَصَمَ مِنِّي ثَلَاثِي دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدُ فِي الثَّلَاثِ الْآخِرِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر جوانی که در سن کم ازدواج کند ، شیطان ، فریاد بر می آورد که : «وای بر من ، وای بر من! دو سوم دینش را از دستبرد من ، مصون نگه داشت» . پس بنده در يك سوم باقی مانده ، تقوای الهی پیشه سازد .

مصدر اصلی: الجعفریات (الاشعثیات)، کتاب نکاح، ص ۸۹

منابع دیگر: بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۱/مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۹/جامع الاحادیث شیعیه (للبروجردی)، ج ۲۵، ص ۸۲

۲/۲۱. دستور اسلام به رفع مشکل شقاق بین زن و شوهر توسط حکمین از خانواده زن و شوهر؛ به عنوان کارکرد

### قضائی و یکی از شئون حاکمیتی خانواده در اسلام

در روایت<sup>۶</sup> و آیات<sup>۷</sup> قرآن آمده است که اگر بین زن و شوهر اختلاف افتاد، تعبیر آیه قرآن کلمه شقاق است یعنی اگر بین زن و شوهر شقاق ایجاد شد، حکمی از خانواده مرد و حکمی از خانواده زن، بیایند و این اختلاف را حل کنند.

۶. **ارجاع پژوهشی:** یَقُولُ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا: ... وَأَمَّا الشَّقَاقُ فَيَكُونُ مِنَ الزَّوْجِ وَالْمَرْأَةِ جَمِيعًا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى « وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا » يَخْتَارُ الرَّجُلُ رَجُلًا وَالْمَرْأَةُ تَخْتَارُ رَجُلًا فَيَجْتَمِعَانِ عَلَى فُرْقَةٍ أَوْ عَلَى صَلَاحٍ فَإِنْ أَرَادَا إِصْلَاحًا فَعَيْنٌ غَيْرُ أَنْ يَسْتَأْمِرَا وَإِنْ أَرَادَا التَّفْرِيقَ بَيْنَهُمَا فَلَيْسَ لَهُمَا إِلَّا بَعْدَ أَنْ الزَّوْجِ وَالزَّوْجَةِ.

امام رضا علیه السلام فرمودند: « [عامل] جدایی می تواند از ناحیه ی هر یک از زن و مرد باشد چنان که خدا فرمود: « وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا پس مرد یک فرد و زن نیز یک فرد را انتخاب می کند و سپس جمع شده [و بحث می کنند] که یا به این نتیجه می رسند که جدا شوند و یا صلح و مصالحه کنند و اگر تصمیم آن دو [مشاور] به صلح بود نیاز به مشورت با زن و شوهر نیست اما اگر تصمیم بر جدایی گرفتند حتماً باید اول با زوجین مشورت کنند.

الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۴۵

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: سَأَلْتُ الْعَبْدَ الصَّالِحَ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ « وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا » فَقَالَ يَشْتَرِطُ الْحَكَمَانِ أَنْ شَاءَ إِنْ شَاءَ جَمَعًا فَفَرَّقَا أَوْ جَمَعًا جَارًا.

علی بن ابی حمزه گوید: از امام کاظم علیه السلام درباره گفتار خدا که می فرماید: «و اگر از جدایی میان آن دو بیم داشته باشید یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن برای رسیدگی بفرستید» پرسیدم. فرمود: دو داور شرط می کنند که اگر خواستند بین زن و شوهر جدایی می افکنند و اگر خواستند بین آنان آشتی می دهند. داوری آنها در هر دو صورت جایز است.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۱۴۶ (کتاب الطلاق، باب الحکمین و الشقاق)

منابع دیگر: الوافی ج ۲۲، ص ۸۸۲/ جامع الاحادیث الشیعه (للبرجوردی)، جلد ۲۶، ص ۶۱۸/ وسائل الشیعه، جلد ۲۱، ص ۳۴۹

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ « فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا » قَالَ لَيْسَ لِلْحَكَمَيْنِ أَنْ يُفَرَّقَا حَتَّى يَسْتَأْمِرَا الرَّجُلَ وَالْمَرْأَةَ وَ يَشْتَرِطَا عَلَيْهِمَا أَنْ شِئْنَا جَمَعًا وَإِنْ شِئْنَا فَرَّقْنَا فَإِنْ جَمَعَا فَجَارِئًا .

حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدا که می فرماید: «یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن برای رسیدگی بفرستید» پرسیدم. فرمود: دو داور حق ندارند بین زن و شوهر جدایی افکنند تا این که از آنان اجازه بگیرند. و با آنان شرط می کنند که اگر خواستیم بین شما آشتی دهیم و اگر خواستیم جدایی می افکنیم. پس اگر آشتی دادند جایز است و اگر جدایی افکنند نیز جایز است.

الکافی، ج ۶، ص ۱۴۶، کتاب الطلاق، باب الحکمین و الشقاق

حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ « فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا » قَالَ الْحَكَمَانِ يَشْتَرِطَانِ أَنْ شَاءَ إِنْ شَاءَ جَمَعًا فَإِنْ جَمَعَا فَجَارِئًا وَإِنْ فَرَّقَا فَجَارِئًا .

ابا بصیر می گوید از امام صادق علیه السلام: در مورد کلام خداوند که در قرآن فرمودند: «و اگر از جدایی میان آن دو بیم داشته باشید یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن برای رسیدگی بفرستید» [پرسیدم] ایشان فرمودند: [منظور آیه این است] دو داور شرط می کنند که اگر خواستند بین زن و شوهر جدایی می افکنند و اگر خواستند بین آنان آشتی می دهند. داوری آنها در هر دو صورت جایز است.

الکافی، ج ۶، ص ۱۴۶، کتاب الطلاق، باب الحکمین و الشقاق

آیات قرآن در این موضوع می‌خواهد ما را به این سمت رهنمون کنند که خانواده در اسلام کارکرد قضایی و رفع اختلاف دارد. شما نباید برای رفع اختلاف خانواده‌ها، دادگاه خانواده تشکیل بدهید. دادگاه خانواده به نسبت سیستم حکمیت خانوادگی هم از نظر دلسوزی، کمتر دلسوز است و از نظر اطلاعات، اطلاعات کمتری دارد. قرآن کریم می‌فرماید رفع اختلاف خانواده را از طریق احیاء منزلت حکمیت خانواده انجام دهید. به همین دلیل است که می‌گوییم خانواده کارکرد حاکمیتی دارد، مگر حاکمیت‌ها چه کار می‌کنند؟ یکی از کارهایی که حاکمیت‌ها می‌کنند، تشکیل قوه قضائیه و دادگاه و رفع اختلافات است. ولی قرآن ما را به این سمت هدایت می‌کند که دادگاه مسائل خانواده را به قاضی‌های معمولی ندهید، بلکه آن را به نهاد حکمیت درون خانواده واگذار کنید. با بررسی این مطلب مشخص می‌شود که اولاً هزینه‌های حاکمیت کاهش پیدا می‌کند، یعنی به نفع حاکمیت هم هست. ثانیاً حکم‌ها دقیق‌تر است. زیرا نهاد حکمیت درون خانواده، اطلاعات و شناخت دقیق‌تری از خانواده دارد، قرآن هم نگفته است که فقط یک حکم از طرف خانواده شوهر بیاید یا یک حکم فقط از خانواده زن بیاید، بلکه می‌فرماید یک حکم از خانواده زن و یک حکم از خانواده مرد، هر دو مشترکاً این شقاق و اختلاف را حل کنند. پس حکم دقیق‌تر خواهد بود. زیرا هر دو حکم اطلاعات‌شان از درون خانواده بیشتر از قاضی‌های معمولی است. مثلاً خانواده زن، اخلاق مادر زن را خوب می‌شناسند، زیرا مادرشان است. یا این طرف حکم خانواده مرد اخلاق مادر شوهر را بهتر می‌شناسند، بنابراین می‌توانند مشکل را حل کنند، مضافاً بر اینکه اینجا دیگر مشکل رشوه و پارتی و امثالهم هم کمتر باز می‌شود. زیرا دغدغه اصلی‌شان حفظ خانواده است، لذا در اینجا رشوه دادن و فسادها خیلی سخت و کم می‌شود. این یکی از کارکردهای حاکمیتی خانواده است.

۲/۲۲. دستور اسلام به آموزش شنا، تیراندازی و اسب‌دوانی به فرزندان توسط پدر؛ به عنوان کارکرد امنیت ملی و یکی دیگر از شئون حاکمیتی خانواده در اسلام

فهرست بحث در ذهن مبارکتان گم نشود. اصل بحث همین یک کلمه است؛ اگر می‌خواهید جایگاه خانواده را احیاء کنید باید ابتدا تعریفش را تغییر بدهید. تعریف مطلوب از خانواده چیست؟ ما می‌گوییم که خانواده یک نهاد حاکمیتی

---

۷. ارجاع پژوهشی: وَ إِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا  
و [شما ای حاکمان شرع و عُقلا و بزرگان خانواده!] اگر از جدایی و ناسازگاری میان زن و شوهر بیم داشتید، پس داوری از خانواده مرد، و داوری از خانواده زن [برای رفع اختلاف] برانگیزید که اگر هر دو داور قصد اصلاح داشته باشند، خدا میان دو داور توافق و سازگاری ایجاد می‌کند [تا به صلاح زن و شوهر حکم کنند]؛ یقیناً خدا [به نیتات و اعمال شما] دانا و آگاه است. (ترجمه شیخ حسین انصاریان)

است یعنی کارکرد حاکمیتی دارد، این یک مصداقش هست. یکی دیگر از مصداق این سخن روایاتی است که از پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده است و به ما توصیه شده است که یکی از وظایف پدر خانواده آموزش شنا، تیراندازی<sup>۸</sup> و اسب‌دوانی<sup>۹</sup> است. الان آماری از اینکه چه تعداد از خانواده‌های ایرانی به این روایت عمل می‌کنند در دست نیست، ولی علی‌القاعده هیچ کسی انجام نمی‌دهد. پدر خانواده در حال حاضر آموزش شنا، تیراندازی و اسب‌دوانی را وظیفه خودش نمی‌داند. این سه مسأله چه ویژگی دارد که پیامبر و اهل بیت اطهرش (علیهم السلام) روی آنها تأکید دارند. این سه ورزش زیرساخت امنیت ملی در همه دنیاست. زیرا این سه ورزش اساساً انسان‌ها را قوی می‌کند. نتیجه‌اش این می‌شود که شما ۸۰ میلیون آدم قوی دارید و ۸۰ میلیون آدم قوی حتماً کمتر مورد طمع دشمن واقع می‌شود. نبی مکرم اسلام ﷺ وقتی می‌خواهند امنیت ملی را ارتقاء بدهند با پدر خانواده صحبت می‌کند، فقط پادگان نمی‌سازند، فقط سلاح تولید نمی‌کنند، البته یک استثنایی در روایات وجود دارد و فرموده‌اند که مسأله برای زن‌ها اسب‌دوانی نیست.<sup>۱۰</sup> زیرا اسب‌دوانی موجب تحریک شهوت جنسی آنها می‌شود. لذا نبی مکرم اسلام ﷺ

<sup>۸</sup>. ارجاع پژوهشی: علی بن اَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَّاحَةَ وَ الرَّمَايَةَ.

یعقوب ابن سالم در حدیث مرفوعه از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل می‌کند که ایشان فرمودند که رسول الله ﷺ فرمودند: به فرزندان‌تان شنا و تیراندازی یاد بدهید.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۴۷ (باب تأدیب الولد)

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۳، ص ۱۳۸۴ / وسایل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۳۱ / هدایت‌الامه الی الاحکام الائمة علیهم السلام، ج ۶، ص ۹۲

<sup>۹</sup>. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص اِزْكَبُوا وَ اِزْمُوا وَ اِنْ تَرَمُوا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ تَرَكَبُوا ثُمَّ قَالَ كُلُّ لَهْوٍ الْمُؤْمِنِ بَاطِلٌ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ فِي تَأْدِيبِهِ الْقَرْسِ وَ رَمِيهِ عَنْ قَوْسِهِ وَ مَلَاعَبَتِهِ امْرَأَتَهُ فَإِنَّهُنَّ حَقٌّ إِلَّا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لِيَدْخُلَ فِي السَّهْمِ الْوَّاحِدِ الثَّلَاثَةَ الْجَنَّةَ غَامِلِ الْخَشْبَةِ وَ الْمُقْوَى بِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الرَّمَايَةِ بِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

علی بن اسماعیل در حدیث مرفوعه گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: سوارکاری و تیراندازی کنید، ولی تیراندازی شما نزد من از سوارکاریتان محبوب‌تر است. آن‌گاه فرمود: هرگونه لهو و خوشگذرانی برای مؤمن باطل است مگر در سه مورد: آموزش دادن اسب (برای مسابقه)، تیراندازی از کمانش، و بازی کردن او با زنتش. این سه چیز حق هستند. هان خداوند عز و جل سه نفر را با یک تیر به بهشت می‌برد: کسی که روی آن چوب کار کرده و تیر ساخته است، کسی که آن را در راه خدا (خریده و) داده است و کسی که در راه خدا با آن تیراندازی کرده است.

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۵۰

<sup>۱۰</sup>. ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ يُرَكَبَ سَرُوحٌ يَفْرَحُ

امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند که پیامبر ﷺ از نشستن زنان بر روی زین نهی کردند.

مصادر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۵۱۶ / من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص: ۶۱۸

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۲، ص: ۸۰۱ / وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص: ۱۷۸ / بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص: ۲۶۰

هدایة الأمة الی احکام الائمة علیهم السلام، ج-۷، ص: ۸۸

فرموده‌اند این را استثناء کنید. ولی فرموده‌اند که اولاد ذکورتان را تیراندازی یاد بدهید، بلکه به طور مطلق فرموده‌اند که به اولادتان تیراندازی آموزش دهید. در مسأله آموزش شنا هم همین طور است. این امور علاوه بر حیث امنیت ملی، تفریح و سلامت را هم شامل می‌شود. اما کارکرد مهم و حاکمیتی‌اش این است که پدر و خانواده امنیت ملی کشور را هم تقویت می‌کند.

۲/۲/۲۱. مقایسه زیرساخت امنیت در دستگاه توسعه غربی به تمرکز بر ساخت سلاح با زیرساخت امنیت در تمدن

#### اسلامی به تربیت انسان های قوی علاوه بر ساخت سلاح به صورت توأمان

توجه داشته باشید که در حال ارتقاء مفهوم خانواده هستیم. ما باید به تحلیل‌های جدید پناه ببریم، نمی‌توانیم با تحلیل‌های مدرن رفتار کنیم. الان در دنیای مدرن کسانی که می‌خواهند جامعه خودشان را قوی کنند، فقط به سمت ساخت سلاح می‌روند. اما نبی مکرم اسلام ﷺ در کنار ساخت سلاح، به تربیت انسان‌هایی با بنیه‌های قوی جسمانی از همان دوران کودکی توجه دارند. مدلشان هم برگزاری رزم شبانه نیست که برای کودکان سخت باشد، بلکه تفریح هم محسوب می‌شود. به عبارت بهتر مدیریت هیجان‌ات و مدیریت تفریح هم در این کار نهفته است. بنابراین یک حکم ذو ابعاد است.

۲/۲/۲۲. استفاده کشورهای مدرن از اسب در جنگ های شهری برای انتقال هژمونی و ابهت نیروهای امنیتی و جنبه

تخلیه هیجان‌ات و بدنسازی طبیعی؛ دو پاسخ به شبهه عدم تطبیق آموزش اسب‌دوانی با وسایل به روزی مانند

#### تانک‌ها و نفربرها در زمان حاضر

بعضی‌ها که از فرماندهان نظامی هم بودند در جلسات قبل اشکال کردند و گفتند که در حال حاضر تانک و جیپ و امثالهم را داریم، بنابراین دیگر نیازی به اسب‌دوانی نیست. پاسخ ما این بود که دنیای مدرن هم‌اکنون برای تأمین امنیت شهری در حال استفاده از اسب است، زیرا اسب هژمونی و ابهت نیروی امنیتی را در جنگ‌های شهری به خوبی منتقل می‌کند. دوماً مگر ما گفته‌ایم که اسب‌دوانی را به جای تانک بگذارید که این اشکال را وارد می‌کنید. ما گفتیم که ورزش اسب‌دوانی یک ورزش و بدنسازی طبیعی و بی‌بدیل است. یعنی کسی که سوار اسب می‌شود بسیار ورزیده می‌شود و این چیزی نیست که بشود از آن چشم‌پوشی کرد.

---

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عُبَيْدٍ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَسَّارٍ عَنْ مُضَوَّرِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ إِسْرَائِيلَ عَنْ يُوسُفَ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنِ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لَا تَحْمِلُوا الْفُرُوجَ عَلَى السُّرُوجِ فَتَهَيِّجُوهُمْ لِلْفُجُورِ.  
زنان را بر زین سوار نکنید؛ زیرا منجر به آن خواهد شد که غریزه جنسی آنان را زیاد کنید.

مصادر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۵۱۶ / من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص: ۶۸

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۲، ص: ۸۰۲ / وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص: ۱۷۸ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۷-۷، ص: ۸۸

مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۰، ص: ۳۳۲ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۵، ص: ۶۷۰

۲/۲/۳. پیشنهاد راه‌اندازی مسابقات ماهانه اسب‌دوانی در پادگان‌ها به فرماندهان نظامی کشور؛ جهت ایجاد نشاط

### و همبستگی میان نیروهای نظامی کشور

بنابراین توصیه ما به همه فرماندهان سپاه علی‌الخصوص سردار سلامی این است که در همه پادگان‌های سپاه، مسابقات اسب‌دوانی را راه‌بیندازید و خودتان هم شرکت کنید. این کار هم نشاط و همبستگی را در میان نیروهای نظامی افزایش می‌دهد و هم موجب ورزیدگی نیروهای نظامی خواهد شد. بنابراین خانواده نیاز امنیت کشور را هم فراهم می‌کند.

۲/۲/۳. دستور اسلام مبنی بر لزوم توجه به فقیر و سائل به جای ایجاد سازمان و نهاد رسمی؛ به عنوان کارکرد

### محرومیت‌زدایی و یکی دیگر از شؤون حاکمیتی خانواده در اسلام

خانواده محرومیت‌زدایی هم می‌کند. در الگوی مطلوب ما به جای طراحی نهادی به نام کمیته امداد امام خمینی ره و بهزیستی و همه بار محرومیت‌زدایی را روی دوش آنها بگذاریم به خانواده‌ها می‌گوییم که « فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ (۹) وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ (۱۰) »<sup>۱۱</sup> دستور خدای متعال به خانواده‌هاست که نباید سائل و فقیر را از خودتان طرد کنید و با یتیم قهر نکنید. در روایت هست و حتماً روایتش را دیده‌اید که اهل بیت علیهم‌السلام به ما فرموده‌اند که وقتی می‌خواهید صدق بدهید، از طریق فرزندان این کار را انجام دهید.<sup>۱۲</sup> به عنوان مثال اگر می‌خواهید به خانواده‌ای کمک کنید، به فرزندان

---

<sup>۱۱</sup>. «ارجاع پژوهشی: و اما [به شکرانه این همه نعمت] یتیم را خوار و رانده مکن (۹) و تهیدست حاجت خواه را [به بانگ زدن] از خود مران. سوره مبارکه ضحی، آیات ۹ و ۱۰»

<sup>۱۲</sup>. «ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: أَخْبَرْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَاعَ أَنِّي أَصْبْتُ بِابْنَيْنِ وَبَيِّئِي لِي بَنِي صَغِيرٍ فَقَالَ تَصَدَّقْ عَنْهُ ثُمَّ قَالَ حِينَ حَضَرَ قِيَامِي مَرَّ الصَّبِيِّ فَلْيَتَصَدَّقْ بِيَدِهِ بِالْكَسْرَةِ وَالْقَبْضَةَ وَالشَّيْءَ وَإِنْ قَالَ فَإِنَّ كُلَّ شَيْءٍ يُرَادُ بِهِ اللَّهُ وَإِنْ قَالَ بَعْدَ أَنْ تَصَدَّقَ النَّبِيُّ فِيهِ عَظِيمٌ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ - وَقَالَ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ فَكُّ رَقَبَةٍ أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْجَبَةٍ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ - عَلِمَ اللَّهُ أَنَّ كُلَّ أَحَدٍ لَا يَقْدِرُ عَلَى فَكِّ رَقَبَةٍ فَجَعَلَ إِطْعَامَ الْيَتِيمِ وَالْمَسْكِينِ مِثْلَ ذَلِكَ تَصَدَّقْ عَنْهُ.»

مر بن یزید گوید: خدمت امام رضا علیه السلام عرض کردم: من دو فرزند داشتم که اکنون يك فرزند کوچکی برای من مانده است. امام علیه السلام فرمود: از طرف او صدقه بده. هنگامی که می‌خواستیم از خدمت امام مرخص شوم، امام علیه السلام فرمود: به بچه دستور بده که به دست خود تکه نانی یا يك مشت (گندم و...) صدقه بدهد، اگر چه صدقه اندک باشد، زیرا که هر چه که هدف از آن، خدا باشد، اگر چه کم باشد، بزرگ است، زیرا که خداوند می‌فرماید: «هر که به اندازه ذره کار خیر انجام دهد خیر آن را می‌بیند. و هر که به اندازه ذره کار شر انجام دهد، آن را می‌بیند». و خداوند می‌فرماید: «پس او از آن گردنه مهم نگذشت، و تو چه می‌دانی آن گردنه چیست؟ آزاد کردن برده‌ای، یا غذا دادن در روز گرسنگی به یتیمی از خویشاوندان، یا مستمند خاک نشینی». خداوند متعال می‌دانست که همه مردم قدرت آزاد کردن برده را ندارند. پس غذا دادن یتیم و مستمند را جای آن قرار داده است از عوض او صدقه بده.

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۴، ص: ۴

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص: ۳۷۶ / الوافی، ج ۱۰، ص: ۳۹۲ / مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۶، ص: ۱۲۷

بگویند این کار را بکنند تا او هم یاد بگیرد. نکته بحث اینجاست که اگر فقط ۳۰ درصد خانواده‌های فعلی ایران مسأله امداد فقرا و ایتم را درون خانواده‌های خود احیاء کنند که در حال حاضر به صورت نسبی چنین چیزی وجود دارد، حاکمیت خواهد توانست مسأله محرومیت‌زدایی را با یک الگوی غیرمتمرکز حل کند.

۲/۲/۳/۱. پیشنهاد الگوی امداد غیرمتمرکز از سوی نبی مکرم اسلام از طریق خدمات اجتماعی خانواده؛ به عنوان

الگوی کم هزینه و کارآیی بالا به جای پیشنهاد الگوی متمرکز از سوی دستگاه کارشناسی توسعه غربی از

#### طریق نهادها و سازمان‌ها

این تصویر خانواده‌ای است که نبی مکرم اسلام ﷺ در حال طراحی برای ما هستند. خانواده خدمات اجتماعی دارد. علاوه بر اینکه خود خانواده با دادن صدقات از بلاها در امان می‌مانند.<sup>۱۳</sup> مشکلات جامعه هم در حال حل شدن است. اما متأسفانه شما دائماً به سمت الگوهای غربی در حال حرکت هستید. می‌گویید نهادی ایجاد کنیم که برود و بهزیستی ایجاد کند. اما اگر آمدید و برای خانواده برنامه‌ریزی کردید، الگوی امداد غیرمتمرکز در جامعه ما شکل خواهد گرفت، الگویی که پایه‌اش نهاد خانواده است. لذا باید همگی به دنبال این باشیم که برای خودمان صغیر و یتیم اختصاصی داشته باشیم. در آیات قرآن آمده است که مومن این‌گونه است که « وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ (۲۴) لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (۲۵) »<sup>۱۴</sup> آن حقوق و مالی که به دست شما می‌رسد، اگر بخشی را برای فقرا اختصاص بدهید این کار ارتقاء درجه ایمانی برای شما محسوب می‌شود. اما یک وقتی شما نگاه مدرن را بر جامعه حاکم می‌کنید، در این

۱۳. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ الصَّدَقَةُ بِأَلْيَدٍ تَقِي مِيتَةَ السَّوِّءِ وَ تَدْفَعُ سَبْعِينَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَ تَفُكُّ عَنْ لُجِي سَبْعِينَ شَيْطَاناً كُلُّهُمْ يَأْتُرُهُ أَنْ لَا يَفْعَلَ.

عبد الله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام می‌فرمود: صدقه‌ای که انسان با دست خود پردازد، او را از مرگ ناگوار بازمی‌دارد و هفتاد گونه درد و رنج را از او دفع می‌کند. و انسان را از دام و وسوسه هفتاد شیطان رها می‌سازد که همه آنها دستور می‌دهند که در راه خدا انفاق نکند.

مصادر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۴، ص: ۳ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص: ۶۶ / مكارم الأخلاق، ص: ۱۳۷

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۰، ص: ۳۹۱ / وسائل الشیعة، ج ۹، ص: ۳۷۷ / بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۳، ص: ۱۲۹

هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۴-ع، ص: ۱۱۲ / مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۶، ص: ۱۲۶

حَدَّثَنِي حَمْرَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ قَالَتْ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ فَصَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الصَّدَقَةُ بِاللَّيْلِ تَدْفَعُ مِيتَةَ السَّوِّءِ وَ تَدْفَعُ سَبْعِينَ نَوْعاً مِنَ الْبَلَاءِ.

عبد الله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: صدقه دادن در شب مردن بد را از انسان دفع مینماید، و هفتاد نوع از بلا را دور میکند.

مصدر اصلی: ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، النص، ص: ۱۴۳

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص: ۴۰۱ / بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۳، ص: ۱۸۰

۱۴. **ارجاع پرورشی:** و همانان که در اموالشان حقی معلوم است (۲۴) برای سائل و محروم (۲۵)

سوره مبارکه معارج، آیات ۲۴ و ۲۵

صورت اگر همه بودجه کشور را هم برای محرومیت‌زدایی اختصاص بدهید، محرومیت‌زدایی به درستی اتفاق نخواهد افتاد. اما در عوض اگر شما خانواده را تقویت کنید، محرومیت‌زدایی را به عهده خانواده بگذارید.

**۲/۲/۴. پیشنهاد ترویج و زمینه‌سازی تفریح خانگی توسط خانواده به جای تفریح درون شهری توسط شهرداری‌ها؛  
به عنوان کارکرد تزکیه و تفریح و یکی دیگر از شئون حاکمیتی خانواده**

ایده کارکردهای حاکمیتی خانواده یا به تعبیر اول جلسه «خانواده اولین نهاد حاکمیتی در اسلام»، آرام آرام معنایش در حال واضح شدن است. خانواده و مسأله تزکیه و تفریح به این شکل است که خانه باید به گونه‌ای ساخته شود که دست پدر و مادر خانواده برای ایجاد و تحقق تفریح خانگی باز باشد. بعضی‌ها<sup>۱۵</sup> فکر می‌کنند که اگر بخواهند تفریح را در یک شهری گسترش بدهند، باید پارک‌های بزرگ، باغ پرندگان، بزرگترین آکواریوم خاورمیانه<sup>۱۶</sup> را بسازند. بنده با مدیران شهری بسیاری از شهرها و کلانشهرها حشر و نشر دارم و درباره این مسائل بسیار گفتگو می‌کنیم و دوستان زیادی هم در حوزه مدیریت شهری داریم که مباحثات جدی در این موضوع با هم داریم. می‌گویم که این کارها را چرا می‌کنید، می‌گویند که شهر نیازمند تفریح است، در پاسخ به آنها می‌گویم: بله شهر تفریح احتیاج دارد، ولی چرا شما نمی‌توانید تفریح خانگی را تصور کنید، تفریح خانگی که ابعاد بسیار بیشتری دارد. تفریح درون شهر آخر هفته‌ها محقق می‌شود. آیا بهتر نیست که هر روز تفریح در خانواده محقق شود تا اینکه آخر هفته‌ها در صورت یافتن مکان مناسب و مهیا بودن شرایط به آنجا بروید. در حال حاضر مدل دوم یعنی تفریح درون شهری به صورت آخر هفته‌ها در حال اجراست. مثال بارز این که مدل دوم در حال اجراست شهر تهران است. در تهران آخر هفته‌ها چه اینکه آخر هفته‌ها عزا باشد یا عروسی تفاوتی ندارد، جاده چالوس شلوغ است. علتش این است که مردم تفریح ندارند. شهرداری و مدیریت شهری کشور روی ایده مترقی "تفریح در خانه" فکر نکرده است.

---

<sup>۱۵</sup> مراد از بعضی‌ها، شهردار محترم شهر قم و همه کلانشهرها است.

<sup>۱۶</sup> بزرگترین آکواریوم خاورمیانه در بندر انزلی.

### از آسیب های روحی و روانی به اعضای خانواده علی الخصوص بانوان و کودکان

ده نوع تفریح داریم که در روایات راجع به آن بحث شده است<sup>۱۷</sup> و می توان در خانه ها آنها را احیا کنیم. در این صورت چقدر خانه ها جذاب می شوند، اما الان وضعیت به اینگونه است که یک آپارتمان ساخته می شود ولو اینکه با بهترین مواد و متریال هم ساخته شده باشد، اعضای خانواده اگر هر روز بیرون نیابند، (حالا این بیرون آمدن یا به شکل بازارگردی است یا به نحو حضور در تفریحگاههاست) افسرده می شوند. بیشتر نگرانی متوجه بانوان محترم است، زیرا آنها بیشتر ضربه خواهند خورد، زیرا حضور بیشتری در خانه دارند. کودکان هم مشمول همین طراحی غلط هستند.

<sup>۱۷</sup> **ارجاع پژوهشی:** عَنْهُ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ مُطَرِّفِ بْنِ مَوْلَى مَعْنٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: ثَلَاثَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيهِ رَاحَةٌ دَائِرَةٌ وَاسِعَةٌ تُؤَارِي عَوْرَتَهُ وَ تَسْتُرُ حَالَهُ مِنَ النَّاسِ وَ امْرَأَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ ابْنَةٌ أَوْ أُخْتُ أَخْرَجَهَا مِنْ مَنْزِلِهِ إِمَّا بِمَوْتٍ أَوْ بِتَزْوِيجٍ امام صادق علیه السلام فرمودند: سه چیز برای مؤمن که در آن آسایش پیدا می کند: خانه ای وسیع که عورتش را پنهان کند و حالش از مردم پوشیده شود و زنی صالح که او را در امور دنیا و آخرت یاری کند و دختری یا خواهری که او را با مرگ یا ازدواج از خانه بیرون کند.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص: ۶۱۰ / الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۳۲۸ / الخصال، ج ۱، ص: ۱۵۹

عوالي اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، ج ۳، ص: ۲۹۵

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۰، ص: ۷۹۰ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص: ۲۹۹ / مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۰، ص: ۱۶

بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۶، ص: ۲۲

عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: مِنْ شَقَاءِ الْعَيْشِ ضَيْقُ الْمَنْزِلِ وَ رَوَاهُ بَيْهَقِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ ع امام صادق علیه السلام فرمودند: از سختی زندگی، تنگی منزل است. این روایت را یحیی بن ابراهیم از امام باقر علیه السلام هم نقل کرده است.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص: ۶۱۱ / الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۵۲۶

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۰، ص: ۷۹۰ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص: ۳۰۲ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص: ۲۱۳

مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۲، ص: ۴۳۷ / بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۳، ص: ۱۵۳

عَنْهُ (وَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ) عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَشْرِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَقُولُ الْعَيْشُ السَّعَةُ فِي الْمَنْزِلِ وَ الْفُضْلُ فِي الْخَادِمِ. امام کاظم علیه السلام فرمودند: زندگی وسعت در منزل و خدمتکار خوب است.

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص: ۶۱۱

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۳، ص: ۱۵۲ / مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، الخاتمة ج ۷، ص: ۱۹۵

عَنْهُ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبِ النَّيْسَابُورِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي سَعِيدُ بْنُ جَنَاحٍ عَنْ نَصْرِ الْكُوسَجِيِّ عَنْ مُطَرِّفِ بْنِ مَوْلَى مَعْنٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لِلْمُؤْمِنِ رَاحَةٌ فِي سَعَةِ الْمَنْزِلِ.

امام صادق علیه السلام فرمودند: مؤمن در وسعت خانه آسایش دارد.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص: ۶۱۱ / مکارم الأخلاق، ص: ۱۲۵

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۵، ص: ۳۰۲ / بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۳، ص: ۱۵۲ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص: ۲۱۲

۲/۲/۴/۲. نیاز دائمی انسان به لذت و تفریح حلال و عدم تحقق آن در تفریح‌گاه‌های بزرگ؛ مهمترین استدلال برای

**تغییر الگوی نظام مهندسی کشور از آپارتمان‌سازی به سمت ساخت دار و اسعه**

استدلال ما این است که همه آدم‌ها هر روز به لذت و تفریح حلال احتیاج دارند و در پدیده تفریح‌گاه‌های بزرگ این امر ممکن نیست، باید روی این مسأله دقت کرد. بنابراین خانواده و تفریح یک کارکرد حاکمیتی است. وقتی می‌گویید پدر و مادر، خصوصاً مادران ایرانی هنوز این ایده‌ها توی ذهن‌شان هست، کلی برنامه تفریحی برای اعضای خانواده در ذهن‌شان وجود دارد. ما چه کار کنیم که نظام مهندسی با طراحی خانه‌های آپارتمانی، ابراز تفریح‌خانگی را از دست خانواده‌های ایرانی گرفته است، چقدر با این دوستان بحث کارشناسی بکنیم که از این ایده‌های معیوب‌شان دست بردارند. پس خانواده کارکرد حاکمیتی دارد.

۲/۲/۴/۳. ایده دولت مدرن به معنای مدیریت متمرکز ضعیف‌ترین ایده تاریخ درباره حاکمیت

اساساً ایده دولت مدرن به عقیده ما ضعیف‌ترین ایده مطرح شده درباره حاکمیت در طول تاریخ است. همه چیز را می‌خواهد خودش انجام بدهد و توانایی این کار را ندارد. کار به جایی رسیده است که چند روز پیش قرارگاه ملی عدس تشکیل شده است، قبل از آن هم قرارگاه ملی مرغ و تخم مرغ تشکیل داده بودند. تازه بعد از تشکیل قرارگاه ملی برای اینگونه مسائل قادر به مهار و حل مسأله و بحران هم نیستند.

۲/۲/۴/۴. تعریف مدیریت غیرمتمرکز در دولت مدرن به مدیریت توسط NGOها و نه خانواده؛ نشانه عدم فهم صحیح

**از مدیریت غیرمتمرکز**

اصولاً دولت مدرن مدیریت غیرمتمرکز را نمی‌فهمد. آن جاهایی هم که بحث از مدیریت غیرمتمرکز می‌کند، مرادش از غیرمتمرکز "ngo"ها هستند که آنها هم یک دردسرهای دیگر ایجاد می‌کند. بنابراین منظورشان نهاد خانواده نیست.

۲/۲/۴/۵. تحقق مدیریت غیرمتمرکز توسط ایده "حاکمیت خانواده"؛ از طریق واگذاری کارکردهای قضایی، امنیتی،

**محرومیت‌زدایی و مبارزه با آسیب‌های اجتماعی، تفریح و لذت حلال، اشتغال و ... به خانواده**

منتهی اگر شما شاگردی امام صادق علیه السلام را بپذیرید، به جای خواندن اسناد بین‌المللی<sup>۱۸</sup>، ایده "حاکمیت خانواده" شکل می‌گیرد. در همین مثال‌هایی که خدمت‌تان عرض شد، خانواده کارکرد قضایی داشت، کارکرد امنیتی داشت، کارکرد محرومیت‌زدایی و مبارزه با آسیب‌های اجتماعی داشت، کارکرد تفریح و لذت‌های حلال هم داشت. همین چهار مثالی که خدمت‌تان گفته شد، در حال حاضر به شهرداری‌ها، وزارتخانه‌ها و نهادهای دیگر واگذار کرده‌اید

<sup>۱۸</sup>. اسنادی همچون سند ۲۰۳۰، سندهای توسعه غربی و ...

و این نهادهای مسئول هم قادر به انجام درست مسئولیت‌های واگذار شده نیستند. البته مثال‌های دیگری هم هست که به دلیل اهمیت طرح مسائل دیگر از آنها می‌گذرم. به عنوان مثال خانواده و اشتغال که می‌باید ایده مترقی "تشکیل بنگاه‌ها و کارگاه‌های خانواده محور" است که شرح آنها بعداً خواهد آمد.

۲/۲/۴/۶. ارتقاء تعریف خانواده از منظر نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به تکمیل نصف دین به دلیل احراز

کارکردهای قضائی، امنیتی، لذت و تفریح حلال و ...؛ به عنوان اولین گام برای نظام سازی برای خانواده

و تبیین تفاوت آن با ارائه خدمات به خانواده

برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت یک بحث نظری دارد که تفاوت ارائه خدمات و نظام‌سازی را بحث می‌کند، سپس می‌گوید که اولین گام برای نظام‌سازی، این است که تعریف خانواده را در ذهن‌ها ارتقاء بدهید. همین جا یک خواهش از شما دارم، بحث حاکمیت خانواده یا کارکردهای حاکمیتی خانواده را مستقلاً برای مخاطبان خودتان مطرح کنید، روایاتی هست که می‌فرماید ۲ سوم دین است<sup>۱۹</sup> بعضی از روایات می‌فرمایند که نصف دین است، منتهی به این علت که روحیه اخباری حاکم است، از درایه آن غافل می‌شود که چرا نبی مکرم اسلام ﷺ، می‌گوید که تشکیل خانواده احراز نصفی از دین است.<sup>۲۰</sup> به عقیده ما به دلیل اینکه [ازدواج] احراز لذت و تفریح حلال است، چون احراز امنیت است، چون احراز کارکردهای قضائی است و دین چیزی بیش از اینها نیست. یعنی اگر خواستید به هر مسأله‌ای در جامعه فکر کنید به عنوان نخبه این سؤال را مطرح کنید و از نقش خانواده در آن بخش پرسش‌گری داشته باشید. این سؤال باید مطرح شود، زیرا بسیار سؤال راه‌گشایی است.

۱۹. أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ شَابٍّ تَزَوَّجَ فِي حَدَاثَةِ سِنِّهِ إِلَّا عَجَّ شَيْطَانُهُ يَا وَيْلَهُ يَا وَيْلَهُ عَصَمَ مِنِّي ثَلَاثِي دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدُ فِي الثَّلَاثِ الْآخِرِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر جوانی که در سن کم ازدواج کند ، شیطان ، فریاد بر می آورد که : «وای بر من ، وای بر من ! دو سوم دینش را از دستبرد من ، مصون نگه داشت» . پس بنده در یک سوم باقی مانده ، تقوای الهی پیشه سازد .

مصدر اصلی: الجعفریات (الاشعنیات)، کتاب نکاح، ص ۸۹

منابع دیگر: بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۱/ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۱۴۹/ جامع الاحادیث شیعه (للبروجردی)، ج ۲۵، ص ۸۲

۲۰. الْقَطْبُ الرَّاَوْنِدِيُّ فِي لُبِّ اللَّبَابِ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النَّصْفِ الْآخِرِ: وَ رَوَاهُ فِي الْعَوَالِي، عَنْهُ: مِثْلُهُ وَ فِيهِ النَّصْفُ الْبَاقِي.

پیامبر خدا ﷺ : هر گاه مردی ازدواج کند ، نصف دین را به دست آورده است و برای نصف دیگر باید تقوای خدا پیشه کند .

منبع اصلی: مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۴

## ۲/۳. تبیین چستی کارکردها و خدمات مختلف و متقابل نظامات اجتماعی و خانواده؛ سومین سرفصل از

### بخش اول

مفهوم سوم برنامه جمعیتی الگو هم این است که اگر خانواده چنین کارکردی دارد، بخش‌های مختلف چه خدمتی باید به این خانواده ارائه بدهند. دقت داشته باشید که اگر خانواده را به شکلی تعریف کنید که خانواده هسته‌ای بشود،<sup>۲۱</sup> یعنی خانواده‌های کم ارتباطی باشند، به چنین تحولی احتیاج نداریم. اما اگر خانواده را به معنای نهاد حاکمیتی تعریف کنیم می‌توانیم همه چیز را به محوریت آن بازتعریف کنیم. در واقع [با بیان مطلب فوق] جواب یک شبهه مقدر داده شد. زیرا [ممکن است] بعضی‌ها بعداً به ما بگویند که اگر قرار است همه چیز را در اختیار نهاد خانواده قرار دهیم، پس بقیه امور اجتماع چه می‌شود، که در جواب گفتیم که بقیه امور اجتماع تحت اختیار و عمل خود خانواده هستند. شما خانواده را تقویت کنید، خانواده تفریح، [مشکلات] قضایی، کارکرد محرومیت‌زدایی [و... تأمین خواهد کرد]. اما شما خانواده را تقویت نمی‌کنید، سپس برای هر کاری، مجزای از خانواده نهاد و وزارتخانه و ساختار تعریف می‌کنید. تفاوت [دو] مسیر واضح است. اهمیت نکته دوم اینجاست که دیگر نمی‌توانند اشکال وارد کنند، که تکلیف شغل در آموزش و پرورش چه می‌شود. باید برای اقتصاد جامعه هم کتاب طراحی کنیم. می‌گویید که سلامت را چه کار کنیم؟ در پاسخ به همه این اشکالات می‌گوییم که همه اینها تحویل خانواده است. اگر درک‌تان را از خانواده درست کنید، تنها کار لازم این است که به خانواده خدمات ارائه دهید.

## ۲/۳/۱. خدمات همه جانبه حاکمیت به خانواده و تحکیم و تقویت آن در مقابل مدیریت و برنامه‌ریزی همه شئون

### حاکمیتی توسط خانواده‌ها؛ به عنوان ایده مدیریت غیرمتمرکز جامعه

بنابراین در بحث سوم این طور می‌شود که اگر گفتید همه امور را برای خانواده بازتعریف می‌کنم، خانواده هم همه امور را متکفل می‌شود. همه مسائلی که شما به عنوان حاکمیت در حال برنامه‌ریزی برای آن هستید، خانواده به نحو مترقی "مدیریت غیرمتمرکز" مورد برنامه‌ریزی و اجرا قرار می‌دهد. در مدیریت غیرمتمرکز اسراری نهفته است، در این مدیریت کارها با کیفیت انجام می‌شود، سرعت در انجام کار اتفاق می‌افتد، گستردگی و پوشش بسیاری دارد و مانند ایده‌های حداقلی نیست. انشاءالله در یک جلسه مستقل درباره معیشت خانواده با این نگاه صحبت خواهیم کرد.

<sup>۲۱</sup>. خانواده هسته‌ای یعنی اینکه آدم‌ها در شناسنامه یک خانواده هستند، وگرنه پدر که صبح زود از خانه خارج می‌شود، همه اعضای خانواده خواب هستند، شب هم که برمی‌گردد همه خواب هستند، مادر هم که بچه را به مهدکودک می‌سپارد و سرکار می‌رود، لذا اعضای خانواده ارتباطات حداقلی دارند.

۲/۳/۱/۱. ایجاد چالش عاطفی، جنسی و تربیتی برای اعضای خانواده به بهانه تأمین معیشت، نتیجه رویکرد مدیریت

#### متمرکز در اداره جامعه و نگاه حداقلی به نهاد خانواده

معیشت خانواده این نیست که پدر خانواده را استخدام کنید و ماهیانه ۶ یا ۷ میلیون حقوق بدهید. در حال حاضر قراردادهای ظالمانه عسלוویه که از سابق هم وجود داشته و دارد این است که ۲۲ روز یک نفر باید در عسلوویه کار بکند و ۸ روز مرخصی دارد که در کنار خانواده اش باشد. همیشه این سؤال را در حمایت از کارکنان عسلوویه اعلام کرده‌ام که در آن ۲۲ روزی که پدر از خانواده جداست، مدیریت عاطفی، جنسی، تربیتی اعضای خانواده دچار چه چالش‌هایی خواهد شد. ۲۲ روز به بهانه معیشت و کسب پدر خانواده در خانه حضور ندارد، خوب این معنایی جز فروپاشی خانواده ندارد. در حال حاضر اقتصاد ما اینگونه است. اما اینکه چطور می‌شود اقتصاد را خانواده‌محور بازتعریف کرد، خیلی حرف وجود دارد به همین دلیل به آن نپرداختیم. انشاء الله بعداً راجع به آن بحث خواهیم کرد. بنابراین سرفصل اول تمام شد. از همه شما دعوت می‌شود به دنبال تحقق برنامه جمعیتی الگو باشید، خلاصه برنامه جمعیتی الگو یعنی نظام‌سازی برای خانواده‌ای که یک نهاد حاکمیتی است، نه خانواده‌ای که همه نهادهای حاکمیتی باید دستش را بگیرند و آخر سر هم موفق نمی‌شوند.

### ۳. اولویت بندی حوزه های مختلف نظامات اجتماعی برای بازتعریف به محوریت نهاد خانواده؛ به

#### عنوان بخش دوم

بخش دوم بحث این است که از بین نظامات اجتماعی کدام حوزه‌ها اولویت دارند که به نفع نهاد خانواده بازتعریف شوند؟ ابتدا اجازه دهید که این حوزه‌های اولویت‌دار را اجمالاً مطرح کنیم. از نظر ما این حوزه‌ها اولویت‌دار هستند و بر روی ترتیب اولویت‌شان هم استدلال وجود دارد.

### ۳/۱. بازتعریف نظام مهندسی و مسکن به نفع نهاد خانواده؛ به عنوان اولین اولویت نظام‌سازی برای خانواده

#### و جمعیت

۳/۱/۱. مرگ خانواده در کالبد آپارتمان به معنای بسته بودن دست خانواده برای آموزش، مدیریت بازی

کودک، صله رحم، تحقق اقتصاد مقاومتی، تفریح خانگی و ...

بازتعریف نظام مهندسی و مسکن به نفع نهاد خانواده؛ خانواده در آپارتمان خواهد مُرد. کالبد آپارتمان دست خانواده را برای آموزش می‌بندد. اجازه مدیریت بازی کودکان را نمی‌دهد، اجازه مدیریت صله رحم را نمی‌دهد، اجازه تحقق اقتصاد مقاومتی در خانه را نمی‌دهد. فاقد تفریح خانگی است و از ده‌ها حیث دیگر به خانواده ضربه می‌زند.

### ۳/۱/۲. ضرورت ساخت دار واسعه توسط نظام مهندسی برای احیاء خانواده به عنوان اولویت درجه یک

به نحو اولویت درجه یک نظام مهندسی و مسکن باید خانه‌ای بسازد که خانواده در آن حیات داشته باشد و زیست کند. که حالا اسم آن خانه را ما دار واسعه گذاشته‌ایم.

### ۳/۱/۳. ضرورت توجه به تفاوت مفهومی ساخت مسکن ویلایی (خانه حیاط‌دار) با ساخت دار واسعه (خانه‌ای با حیاط بیشتر نسبت به زیربنا)

#### و همچنین تفاوت خدمات همه جانبه به خانواده (نظام‌سازی) و خدمات بخشی به آن؛ جهت احیاء نهاد خانواده

همین جا داخل پراتز یک توضیحی بدهم که در بحث اخبار مربوط به مسکن کشور، بحث ساخت خانه‌های ویلایی مطرح است، این یک قدم رو به جلو است و برای اولین بار در دولت‌های جمهوری اسلامی، مصوب شده است که تراکم ناخالص جمعیتی در ایران ۶۰ نفر در هکتار بشود. یعنی طبق قانون هر محیط شهری که ساخته می‌شود در هر ۱۰ هزار متر فقط باید ۶۰ نفر ساکن باشند. با اینکه در بعضی از مناطق شهر تهران ۱۳۵ نفر در هکتار ساکن هستند. ولی به هر حال مصوب شده است براساس قوانین ۶۰ نفر در هکتار ساکن باشند. این یک قدم رو به جلوی خوب است که انجام شده است، یعنی قوانین زیرساختی کشور در حال تغییر است، ولی من بیم این را دارم که این طرح به نحو فعلی اگر هم اجرا شود دوباره شکست بخورد، چرا؟ زیرا فقط با تغییر این قانون شما نمی‌توانید خدمات به خانواده را ارائه کنید، عمده داستان این است که بتوانید تمام بخش‌ها را با نهاد خانواده هماهنگ کنید و اقدامات بخشی پاسخ‌گو نیست. اصطلاح خانه ولایی هم، اصطلاح مبهمی هست، خانه ویلایی یعنی خانه حیاط‌دار، اما دار واسعه یعنی خانه‌ای که حیاطش وسیع‌تر است از اصل ساختمان خانه است، که در این اصطلاح هم باید دقتی انجام شود. این اولین اولویت است.

### ۳/۲. بازتعریف خدمات آموزشی به محوریت خانواده؛ به عنوان دومین اولویت نظام‌سازی برای خانواده و

#### جمعیت

دومین اولویت تعریف خدمات آموزشی برای نهاد خانواده است، منظور ما از خدمات در اینجا نظام‌سازی است، یعنی همه خدمات آموزشی برای خانواده تعریف شود. که در سرفصل سوم بحث امروز به شرح تفصیلی این اولویت خواهیم پرداخت.

### ۳/۳. بازتعریف خدمات مدیریت شهری به محوریت خانواده؛ به عنوان سومین اولویت نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت

۳/۳/۱. تعریف محله به عنوان سپر محافظ خانواده و محل ارائه بسیاری از خدمات به خانواده در ایده مترقی "مدیریت شهری محله محور" به جای ایده معیوب "مدیریت شهری منطقه محور"

سومین اولویت تعریف حوزه خدمات مدیریت شهری برای نهاد خانواده است. بر فرض اینکه دار و اسعه هم برای خانواده ساختید، ولی محله نساخید، باز خانواده ضربه خواهد خورد، محله سپر نهاد خانواده است. در محله‌ها مجموعه‌ای از خدمات وجود دارد که دائماً نهاد خانواده را تقویت می‌کند، پس این حوزه هم به محوریت نهاد خانواده باید بازتعریف شود. ایده مترقی "مدیریت شهری محله محور" به جای ایده معیوب "مدیریت شهری منطقه محور" پیشنهاد ماست. در حال حاضر شهر مقدس قم را به ۸ منطقه شهری تقسیم کرده‌اند، این غلط است، باید در ادبیات کارشناسی جا بیندازید که شهر قم دارای ۴۰۰ محله است. پس خدمات باید به محوریت نهاد خانواده غیرمتمرکز شود.

### ۳/۴. بازتعریف خدمات حوزه سلامت به محوریت نهاد خانواده؛ چهارمین اولویت نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت

چهارمین اولویت بازتعریف خدمات حوزه سلامت به محوریت نهاد خانواده است. اگر انشاء الله این نشست‌ها ادامه پیدا کرد، جلسه بعدی را در بازتعریف خدمات حوزه سلامت به نهاد خانواده درباره طبیب مشاور خانواده و جمعیت با تأکید بر توصیه‌های طب اسلامی برای مسأله فرزندآوری قرار خواهیم داد.<sup>۲۲</sup> فهرستش آماده شده است و منتظر همت دوستان برای برگزاری جلسه بعدی هستیم.

---

۲۲. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ يَحْيَى الْأَصْبَهَانِيُّ أَبُو يَعْقُوبَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ إِسْمَاعِيلُ بْنُ حَاتِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ صَالِحِ بْنِ سَعِيدِ الْمَكِّيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ حَفْصٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ حُصَيْبٍ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ قَالَ: أَوْصَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِنِجْمِ طَالِبٍ ع فَقَالَ يَا عَلِيُّ إِذَا دَخَلْتَ الْعُرُوسَ بَيْتَكَ فَاحْلُغْ حُقْفَهَا حِينَ تَجْلِسُ وَ اغْسِلْ رِجْلَيْهَا وَ صَبِّ الْمَاءَ مِنْ بَابِ دَارِكَ إِلَى أَقْصَى دَارِكَ فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْ دَارِكَ سَبْعِينَ أَلْفَ لَوْنٍ مِنَ الْفَقْرِ وَ أَدْخَلَ فِيهَا سَبْعِينَ أَلْفَ لَوْنٍ [سَبْعِينَ لَوْنًا] مِنَ الْبُرْكَاتِ وَ أَنْزَلَ عَلَيْكَ سَبْعِينَ رَحْمَةً تُرْفَرُ عَلَى رَأْسِ الْعُرُوسِ حَتَّى تَسَالَ بَرَكَتُهَا كُلُّ زَاوِيَةٍ مِنْ بَيْتِكَ وَ تَأْمَنَ الْعُرُوسُ مِنَ الْجُنُونِ وَ الْجُدَامِ وَ الْبَرَصِ أَنْ يُصِيبَهَا مَا دَامَتْ فِي تِلْكَ الدَّارِ وَ أَمْنَعَ الْعُرُوسَ فِي أَشْبُوعِهَا مِنَ الْأَلْبَانِ وَ الْخَلِّ وَ الْكُزْبَةِ وَ الثَّفَاحِ الْحَامِضِ مِنْ هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ الْأَشْيَاءِ فَقَالَ عَلِيُّ ع يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لِأَيِّ شَيْءٍ أَمْنَعُهَا مِنْ هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ قَالَ لِأَنَّ الرَّحِمَ تَعْقَمُ وَ تَبْرُدُ مِنْ هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ الْأَشْيَاءِ عَنِ الْوَلَدِ وَ لَحْصِيرٍ فِي نَاحِيَةِ الْبَيْتِ حَيْرٍ مِنْ امْرَأَةٍ لَا تَلِدُ فَقَالَ عَلِيُّ ع يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا بَالُ الْخَلِّ تَمْنَعُ مِنْهُ قَالَ إِذَا حَاصَتْ عَلَى الْخَلِّ لَمْ تَطْهَرْ أَبَدًا طَهْرًا يَتَمَامُ وَ الْكُزْبَةُ تُبَيِّرُ الْحَيْضَ فِي بَطْنِهَا وَ تُشَدِّدُ عَلَيْهَا الْوَلَادَةَ وَ الثَّفَاحُ الْحَامِضُ يَقْطَعُ حَيْضَهَا فَيَصِيرُ دَاءً عَلَيْهَا ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعِ امْرَأَتَكَ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ وَ وَسْطِهِ وَ آخِرِهِ فَإِنَّ الْجُنُونَ وَ الْجُدَامَ وَ الْخَبَلَ يُسْرِعُ إِلَيْهَا وَ إِلَى وَلَدِهَا يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعِ امْرَأَتَكَ بَعْدَ الظَّهْرِ فَإِنَّهُ إِنْ قَضَى بَيْنَكُمَا وَ لَكَ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ يَكُونُ أَحْوَلَ الْعَيْنِ وَ الشَّيْطَانُ يَفْرَحُ بِالْحَوْلِ فِي الْإِنْسَانِ يَا عَلِيُّ لَا تَتَكَلَّمْ عِنْدَ الْجَمَاعِ فَإِنَّهُ إِنْ قَضَى بَيْنَكُمَا وَ لَكَ لَا يُؤْمَنُ أَنْ يَكُونَ أَحْرَسَ وَ لَا يَنْظُرَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَى فَرْجِ امْرَأَتِهِ وَ لِيَغْضُ بَصَرَهُ عِنْدَ الْجَمَاعِ فَإِنَّ النَّظَرَ إِلَى الْفَرْجِ يورثُ الْعَمَى فِي الْوَلَدِ يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعِ امْرَأَتَكَ بِشَهْوَةِ امْرَأَةٍ غَيْرِكَ فَإِنَّي

أَحْسَى إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ أَنْ يَكُونَ مُحْتَنًا مُؤْتَنًا مُحْتَبَلًا يَا عَلِيُّ مَنْ كَانَ جُنْبًا فِي الْفِرَاشِ مَعَ امْرَأَتِهِ فَلَا يَثْرَأُ الْقُرْآنَ فَإِنِّي أَحْسَى أَنْ يَنْزِلَ عَلَيْهِمَا نَارٌ مِنَ السَّمَاءِ فَتُحْرَقَهُمَا يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ امْرَأَتَكَ إِلَّا وَمَعَكَ خِرْقَةٌ وَمَعَ أَهْلِكَ خِرْقَةٌ وَلَا تَمْسَحْ بِخِرْقَةٍ وَاحِدَةٍ فَتَقَعِ الشَّهْوَةُ عَلَى الشَّهْوَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ يُعْقِبُ الْعَدَاوَةَ بَيْنَكُمَا ثُمَّ يَرُدُّكُمَا إِلَى الْفُرْقَةِ وَالطَّلَاقِ يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ امْرَأَتَكَ مِنْ قِيَامٍ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِ الْحَمِيرِ وَإِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ كَانَ بَوَالًا فِي الْفِرَاشِ كَالْحَمِيرِ الْبَوَالَةِ فِي كُلِّ مَكَانٍ يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ امْرَأَتَكَ فِي لَيْلَةِ الْفِطْرِ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ الْوَلَدُ إِلَّا كَثِيرَ الشَّرِّ يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ امْرَأَتَكَ فِي لَيْلَةِ الْأَضْحَى فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ يَكُونُ لَهُ سِتُّ أَصَابِعٍ أَوْ أَرْبَعُ أَصَابِعٍ يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ امْرَأَتَكَ تَحْتَ شَجَرَةٍ مُثْمِرَةٍ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ يَكُونُ جَلَادًا قَتَالًا عَرِيفًا [أَوْ عَرِيفًا] يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ فِي وَجْهِ الشَّمْسِ وَتَلَالِينَهَا إِلَّا أَنْ يُرْحَى سِتْرَ فَيْسْتُرْكُمَا فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ لَا يَزَالُ فِي بُؤْسٍ وَفَقْرٍ حَتَّى يَمُوتَ يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ يَكُونُ حَرِيصًا عَلَى إِهْرَاقِ الدَّمَاءِ يَا عَلِيُّ إِذَا حَمَلَتْ امْرَأَتُكَ فَلَا تُجَامِعْهَا إِلَّا وَأَنْتَ عَلَى وُضُوءٍ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ يَكُونُ أَعْمَى الْقَلْبِ بِخَيْلِ الْيَدِ يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ فِي النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ يَكُونُ مَشُومًا ذَا شَامَةِ فِي وَجْهِهِ يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ فِي آخِرِ دَرَجَةِ مِنْهُ [مِنْ الشَّهْرِ] إِذَا بَقِيَ مِنْهُ يَوْمَانِ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ يَكُونُ عَشَارًا أَوْ عَوْنًا لِلظَّالِمِ وَ يَكُونُ هَالِكًا فَنَامٍ مِنَ النَّاسِ عَلَى يَدَيْهِ يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ عَلَى سُفُوفِ الْبُنْيَانِ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ يَكُونُ مُنَافِقًا مُرَائِبًا مُبْتَدِعًا يَا عَلِيُّ إِذَا خَرَجْتَ فِي سَفَرٍ فَلَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ يُنْفِقُ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقٍّ وَ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ الْمُبْتَدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ امْرَأَتَكَ إِذَا خَرَجْتَ إِلَى سَفَرٍ مَسِيرَةً ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ لِيَالِيَهُنَّ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ يَكُونُ عَوْنًا لِكُلِّ ظَالِمٍ عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ عَلَيْكَ بِالْجَمَاعِ لَيْلَةَ الْإِثْمِينَ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ يَكُونُ حَافِظًا لِكِتَابِ اللَّهِ رَاضِيًا بِمَا قَسَمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا عَلِيُّ إِنْ جَامَعْتَ أَهْلَكَ فِي لَيْلَةِ الثَّلَاثَاءِ فَقُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ فَإِنَّهُ يُزَوِّقُ الشَّهَادَةَ بَعْدَ شَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ لَا يُعَدِّبُهُ اللَّهُ مَعَ الْمُشْرِكِينَ وَ يَكُونُ طَيِّبَ النَّكْهَةِ مِنَ الْقَمَرِ رَجِيمَ الْقَلْبِ سَخِيءَ الْيَدِ طَاهِرَ اللَّسَانِ مِنَ الْعَيْبَةِ وَ الْكُذْبِ وَ الْبُهْتَانِ يَا عَلِيُّ إِنْ جَامَعْتَ أَهْلَكَ لَيْلَةَ الْخَمِيسِ فَقُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ فَإِنَّهُ يَكُونُ حَاكِمًا مِنَ الْحُكَّامِ أَوْ عَالِمًا مِنَ الْعُلَمَاءِ وَ إِنْ جَامَعْتَهَا يَوْمَ الْخَمِيسِ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ عَنْ كِبِدِ السَّمَاءِ فَقُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَثْرَهُ حَتَّى يَشِيبَ وَ يَكُونُ فَهَمًا وَ يَزُوقُهُ اللَّهُ السَّلَامَةَ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا يَا عَلِيُّ فَإِنْ جَامَعْتَهَا لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ وَ كَانَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ فَإِنَّهُ يَكُونُ حَظِيصًا قَوْلًا مَفُوهًا وَ إِنْ جَامَعْتَهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ الْعَصْرِ فَقُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ فَإِنَّهُ يَكُونُ مَعْرُوفًا مَشْهُورًا عَالِمًا وَ إِنْ جَامَعْتَهَا فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ فَإِنَّهُ يُزَجِي أَنْ يَكُونَ لَكُمَا وَلَدٌ مِنَ الْأَبْدَالِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ فِي أَوَّلِ سَاعَةٍ مِنَ اللَّيْلِ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ لَا يُؤْمِنُ أَنْ يَكُونَ سَاحِرًا مُؤْتَرًّا لِلدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ يَا عَلِيُّ أَحْفَظْ وَصِيَّتِي هَذِهِ كَمَا حَفِظْتَهَا عَنْ جَبْرِئِيلَ . صلى الله عليهم أجمعين

يا على جون عروس را به خانه تو آرند وقتی نشست کفش او را بکن و پایش را بشوی و آبش را به در خانه ات بریز که چون چنین کنی خداوند از خانه ات هفتاد هزار رنگ فقر را ببرد و هفتاد هزار رنگ برکت در آن درآورد و هفتاد هزار رحمت بر تو فرو فرستد که بر سر عروس بگردد تا برکت آن به هر گوشه خانه ات برسد و خداوند عروس را از جنون و خوره و پیسی امان دهد که به او رسند، مادامی که در آن خانه است. یا علی! عروس را در هفته نخستین از خوردن شیرها و سرکه و گشنیز (سبزی امزنا) و سیب ترش بازدار، زیرا که زهدان از این چار سرد و نازاینده گردد و بوریا در گوشه خانه به از زن نازاینده است. اگر عروس بر سرکه خوردگی خون حیض ببیند هیچگاه به خوبی از آن پاک نگردد و گشنیز آن خون را درونش بشویراند و زایمان را بر وی دشوار گرداند و سیب ترش آن را از آمدن باز بردار و بیماری بر وی گردد. سپس فرمود: ای علی! در هنگام جماع سخن مگو مبدا که فرزند گنگ و لال گردد و به عورت زن (در حین جماع) نگاه نکن که سبب ناپینایی فرزند شود و با شهوت زن دیگری در خاطرت با زنت جماع مکن که فرزند مخنث آید و ایستاده با زنت جماع مکن که از کار خران است و اگر فرزندی آید در فراش کمیز میزند (یعنی دچار شب اداری) شود. اول و میانه و آخر ماه مجامعت مکن که دیوانگی و خوره و گیجی به سوی فرزند شتابند. بعد از ظهر جماع مکن که اگر فرزندی آورد قیچ (لوچ و دو بین) شود و شیطان به لوچ بودن انسان شاد است. کسی که با زن خود در بستر جنب است قرآن نخواند می ترسم آتشی از آسمان فرود آید و هر دو را بسوزاند. جماع مکن جز آن که خودت دستمالی داشته باشی و زنت نیز پارچه ایی دیگر که با یک پارچه خود را پاک مکنید که شهوت بر شهوت افتد و مایه ی دشمنی بین شما می شود و شما را به جدایی و طلاق می کشاند. در شب عید فطر جماع مکن که اگر فرزندی آید بسیار شرور گردد. در شب عید اضحی (قربان) جماع مکن که فرزند شش انگشت یا چهار انگشت آید. زیر درخت باردار جماع مکن که فرزند جلاد و آدمکش و کدخدا آید. در مقابل آفتاب و نور آن جماع مکن مگر آن که هر دو با روپوش باشند که اگر فرزندی آید دانما در سختی و فقر باشد تا بمیرد. میان اذان و اقامه جماع مکن که اگر فرزندی آید خونخوار گردد. اگر زنت باردار شد بی وضو با او جماع مکن که فرزند کوردل و بخیل آید. در نیمه شعبان جماع مکن که فرزند شوم و با حال چهره آید. دو روز به آخر ماه مانده با زنت جماع مکن که فرزند گمرک چی و کمک کننده ظالم آید و جمعی از مردم بدست او هلاک شوند. بر سر پشت بامها جماع مکن مگر آن که فرزند منافق و ریاکار و بدعت گذار آید. چون سفر داری در شب آن جماع مکن که فرزند ولخرج آید. رسول خدا این آیه را خواند: (سوره اسراء / ۳۰) به راستی مبذرین برادران شیاطین باشند. چون در سفر رفتی تا سه شب جماع مکن که فرزند کمک کننده ظالم و ستمگر بر علیه تو شود. در ساعت اول شب با زنت جماع مکن که اگر فرزندی آید

### ۳/۵. بازتعریف خدمات بیان و تبلیغات شهری به محوریت خانواده؛ اولویت پنجم نظام‌سازی برای خانواده و

#### جمعیت

اولویت پنجم بازتعریف خدمات حوزه بیان و تبلیغات شهری به نهاد خانواده است.

### ۳/۶. بازتعریف خدمات گردشگری و عبرت‌آفرین به محوریت خانواده؛ ششمین اولویت نظام‌سازی برای

#### خانواده و جمعیت

بازتعریف بحث‌های عبرت‌آفرین برای نهاد خانواده اولویت ششم و یکی از نیازهای فوری برای خانواده ایرانی است.

### ۳/۶/۱. روایت صریح و صحیح سرنوشت شوم خانواده در کشورهای توسعه یافته غربی، محور اصلی خدمات حوزه

#### گردشگری و عبرت‌آفرین به خانواده

اینکه سرنوشت شوم خانواده غربی و خانواده‌های هسته‌ای را به صورت صریح برای خانواده ایرانی روایت کنیم تا مسیر حرکت گرفتار شدن به سرنوشت شوم خانواده غربی بسته شود. خود این بحث یک پرونده مستقل از حوزه بیان و تبلیغات شهری است.

### ۳/۷. بازتعریف خدمات مکاسب و اشتغال به محوریت خانواده؛ هفتمین اولویت نظام‌سازی برای خانواده و

#### جمعیت

هفتمین اولویت هم مکاسب و خانواده، شغل و خانواده، اقتصاد و خانواده است. اینها هفت اولویت اصلی هستند که باید روی اینها کار بکنیم. در حال بحث از افق کار هستیم، بعد از اینکه توانستم به تصور خودم تفاوت نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت و ارائه خدمات بخشی برای خانواده و جمعیت را بحث کنم، حالا می‌گویم که هفت حوزه اولویت‌دار داریم و باید برای تحقق اینها شروع به برنامه‌ریزی کنیم.

---

بسا باشد که جادوگر و دنیاطلب درآید. ماه در محاق نباشد. و با شکم سیر جماع نشود. یا علی شب دوشنبه ملازم جماع باش که اگر فرزندی آید حافظ قرآن و راضی به قسمت خدا باشد. اگر شب سه شنبه جماع کنی و فرزندی آید پس از شهادت به شهادتین شهادت روزی وی گردد و خداوند با مشرکان او را کیفر نکند و بوی دهانش خوش باشد و رحم دل و با سخاوت و پاک زبان از غیبت و دروغ و بتهان است. اگر شب پنجشنبه جماع کنی و فرزندی آید حاکمی از حکام گردد یا عالمی از علماء. در روز پنجشنبه ظهر هنگامی که آفتاب در وسط آسمان است اگر جماع شود فرزند به دنیا آید تا پیر شود شیطان به او نزدیک نگردد و با فهم باشد و در دین و دنیا سلامت روزیش گردد. اگر در شب جمعه با زنت جماع کنی و فرزندی آید سخنور و گویا و زبان آور شود. اگر در روز جمعه پس از عصر باشد و فرزندی آید معروف و مشهور و دانشمند گردد. اگر شب جمعه بعد از عشاء باشد امید فرزندی می رود که از ابدال باشد انشاءالله. ای علی! سفارش مرا نگاهدار چنانچه من از جبرئیل نگاه داشتم.

مصادر اصلی: من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص: ۵۵۱ تا ۵۵۴ / الأما لی (للصدوق)، النص، ص: ۵۷۰ تا ۵۶۷ / علل الشرائع، ج ۲، ص: ۵۱۴ تا ۵۱۷

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۲، ص: ۷۳۰ تا ۷۳۳ / وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص: ۲۴۹ / بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص: ۲۸۰ تا ۲۸۳

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص: ۲۹۷

## ۳/۸. اهمیت بخش سوم یعنی تعیین اولویت‌های تحقق نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت؛ علیرغم حجم بسیار کم آن

۳/۸/۱. ضرورت بحث از اولویت‌های هفتگانه تحقق نظام سازی برای خانواده و جمعیت و احیاء آنها در همه جلسات مربوط به جمعیت و فرزندآوری مانند جمع‌های مادرانه و ..

بخش سوم بسیار کم‌حجم، اما بسیار مهم است. تعیین اولویت‌های تحقق یکی از مباحث مهم است. وقتی که با مخاطبان شروع به صحبت کردن می‌کنید، باید این حوزه‌ها را به این تفکیک بحث کنید. مثلاً در جمع‌های مادرانه کارشناسان جمعیت حضور پیدا می‌کنند یا خود مادران در حال مباحثه هستند. این سرفصل‌ها باید احیاء شود. به عنوان مثال در آن جمع‌های مادرانه باید راجع به خانه گفتگو راه بیفتد، گفتگوهایی که در روایات هست و مربوط به دوران بارداری است<sup>۳۳</sup> باید در این جمع‌ها احیاء شود، نظام آموزش باید احیاء شود و بحث شود که چه نظام آموزشی مفید برای خانواده و فرزندآوری است. باید اینها بحث شود.

## ۳/۸/۱/۱. مشکل اصلی نظام اسلامی برای تحقق آرمان‌های خود؛ مسئولین حداقل اندیش علیرغم وجود امکانات و اختیارات کافی

قانون جوانی جمعیت<sup>۲۴</sup> را هم با همین محورها نقد می‌کنیم. در قانون جوانی جمعیت گفته شده است که اگر کسی بچه‌آوری کرد به او خانه می‌دهیم، آپارتمان می‌دهید یا دار و اسعه می‌دهید، [وقتی هم که اشکال می‌کنیم] می‌گویند بین بد و بدتر، باز آپارتمان بهتر از مستأجری است. به عقیده من مشکل نظام اسلامی چنین افرادی با چنین تفکری هستند با اینکه امکانات و اختیارات دارند و همیشه بین بد و بدتر صحبت می‌کنند. خوب وقتی اختیارات دارید، همت کنید مردم درون دار و اسعه زندگی کنند، آیا نظام مشکل مالی یا کارشناسی دارد؟ چه مشکلی دارد که چنین در برنامه‌ریزی حداقل اندیش شده‌اید؟

## ۳/۸/۱/۲. حفظ جان خود و خانواده و عدم صحبت از مسئله فلسطین؛ توصیه افراد حداقل اندیش در صورت حضور در سال ۱۳۴۲ به امام عظیم الشان

[اگر قرار بود رهبران انقلاب اسلامی هم چنین فکر کنند به عنوان مثال] امام خمینی عظیم الشان سال ۱۳۴۲ که سخنرانی‌های‌شان را شروع کرده‌اند [در شرایطی] که هنوز نه ارتشی دارد و نه سپاهی، همانجا می‌گوید که مسئله ما،

<sup>۳۳</sup>. رجوع شود به پاورقی شماره ۲۲.

<sup>۲۴</sup>. ارجاع پرورشی: قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت

مسأله فلسطین است.<sup>۲۵</sup> اتفاقاً اگر آن موقع ما بودیم می گفتیم آقا شما الان جان خودتان و خانواده‌تان را هم نمی‌توانید حفظ کنید، آن وقت از حل مسأله فلسطین با مردم صحبت می‌کنید. لذا به نظر ما باید مقداری اخلاق انقلابی داشت، نباید با روایات اینگونه برخورد کرد که بعضی از کارشناسان ما برخورد می‌کنند، همیشه معتقدند که نمی‌شود، در پاسخ به اینها می‌گوییم که مشکل اصلی شما هستی که می‌گویید نمی‌شود. خیلی هم خوب می‌شود. باید بحث و گفتگو کنیم با کارشناسان و اقناع‌سازی کنیم. ولی شما نمی‌خواهید این کار را بکنید، وقتی که نخواهید این کار را انجام دهید، من هم قبول دارم که نمی‌شود.

### ۳/۸/۱/۳. درگیری با نظم دنیا و تغییر آن؛ کار اصلی نبی مکرم اسلام و حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

چقدر انسان‌های که شرح صدر نداشتند برای نبی مکرم اسلام ﷺ مشکل درست می‌کردند. در بحث ظهور هم که وارد می‌شویم همین طور است، یک دعای ندبه برقرار می‌کنند و یک گفتگوهایی انجام می‌دهند. در واقع خود دعای ندبه را هم شرح نمی‌دهند، در خود دعای ندبه هم ده‌ها مورد هست که اگر خود حضرت تشریف بیاورند قرار است نظم دنیا را تغییر دهد.<sup>۲۶</sup> دعای ندبه به اصطلاح امروزی‌ها یک دکترین است، برنامه حضرت ولی عصر ﷺ هست،

<sup>۲۵</sup>. **ارجاع پرورشی:** من بیش از پانزده سال است که مکرر به همکاری شاه و دولت او با اسرائیل اعتراض کرده‌ام. ... و ما همیشه به عنوان یک وظیفه اسلامی تا حد امکان از فلسطین دفاع کرده ایم و به خواست خدا همیشه در کنار سایر مسلمین به این وظیفه الهی عمل خواهیم کرد. صحیفه امام؛ ج ۳، ص ۱۴۸

<sup>۲۶</sup>. **ارجاع پژوهشی:** أَيْنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّلْمَةِ؟ أَيْنَ الْمُنتَظَرُ لِإِقَامَةِ الْأَمْتِ وَالْوَجْهِ؟ أَيْنَ الْمُزْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ؟ أَيْنَ الْمُدَخَّرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَاغِ وَالسَّنَنِ؟ أَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ؟ أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ؟ أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ؟ أَيْنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ؟ أَيْنَ هَادِمُ أُنْبِيَةِ الشَّرْكِ وَالنَّفَاقِ؟ أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ؟ أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْغِيِّ وَالشَّقَاقِ؟... أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ الرَّيِّغِ وَالْأَهْوَاءِ؟ أَيْنَ قَاطِعُ خَبَائِلِ الْكُذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ؟ أَيْنَ مُبِيدُ الْعُنَاةِ وَالْمَرَدَةِ؟ أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَاللِّطْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ؟ أَيْنَ مُعَزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُدْلِلُ الْأَعْدَاءِ؟... مَتَى تَرَانَا وَتَرَكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِيَاءَ النَّصْرِ تُرَى أَتْرَانَا نَحْفُ بِكَ وَأَنْتَ تُوِّمُ الْمَلَأَ وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَذَقْتَ أَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَعِقَابًا، وَأَبْرَتَ الْعُنَاةَ وَجَحَدَةَ الْحَقِّ، وَقَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَاجْتَسَّتْ أَصُولَ الظَّالِمِينَ، وَنَحْنُ نَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ .....

... کجاست آن مهیا گشته برای ریشه‌کن کردن ستمکاران، کجاست آن‌که برای راست نمودن انحراف و کجی به انتظار اویند، کجاست آن‌که به او امید بسته شده برای از بین بردن ستم و دشمنی، کجاست آن ذخیره برای تجدید فریضه‌ها و سنت‌ها، کجاست آن برگزیده برای بازگرداندن دین و شریعت، کجاست آن آرزو شده برای زنده کردن قرآن و حدود آن، کجاست احیاگر نشانه‌های دین و اهل دین، کجاست درهم‌شکننده شوکت متجاوزان، کجاست ویران‌کننده بناهای شرک و دورویی، کجاست نابودکننده اهل فسق و عصیان و طغیان، کجاست دروکننده شاخه‌های گمراهی و شکاف‌اندازی؛... کجاست محوکننده آثار انحراف و هواهای نفسانی، کجاست قطع‌کننده دام‌های دروغ و بهتان، کجاست نابودکننده سرکشان و سرپیچی‌کنندگان، کجاست ریشه‌کن‌کننده اهل لجاجت و گمراهی و بی‌دینی، کجاست عزت‌بخش دوستان و خوارکننده دشمنان،... چه زمان ما را می‌بینی و ما تو را می‌بینیم، درحالی‌که پرچم پیروزی را گسترده‌ای، آیا آن روز در می‌رسد که ما را ببینی که تو را احاطه کنیم و تو جامعه جهانی را پیشوا می‌شوی درحالی‌که زمین را از عدالت انباشتی و دشمنانت را خواری و کیفر چشاندی و متکبران و منکران حق را نابود کرده‌ای و ریشه سرکشان را قطع نموده‌ای و بیخ و بن ستمکاران را برکنده‌ای تا ما بگوییم: ستایش ویژه خدا، پروردگار جهانیان است؛ .....

اصلاً این گونه نگاه نمی‌کنند، فقط می‌نشینند و دعای ندبه را می‌خوانند، این بقیه الله و متوجه نیستند که این بقیه الله یعنی درگیری با نظم غلط سازمان ملل و این از عجایب روزگار ماست. بعضی وقت‌ها من تصور می‌کنم که کسانی که این کارها را با آیات و روایات می‌کنند، ترجمه بلد نیستند.

۳/۸/۱/۴. مبارزه برای تحقق هفت اولویت نظام‌سازی برای خانواده جمعیت؛ تنها راه‌حل برون رفت از مشکلات در

#### مقابل استدلال‌های علیل و راه‌حل‌های ناکارآمد کارشناسان توسعه غربی

بنابراین هفت سرفصل بحثی وجود دارد، یک دهه می‌جنگیم و محققش می‌کنیم. جریان توسعه غربی که از حیث استدلال علیل هستند و انسان‌های ضعیف‌الاستدلالی هستند. یکی از کارشناسان توسعه غربی شبکه ۴ در حال صحبت بود می‌گفت که ۱۸۰ کشور در دنیا وجود دارد و همه آنها با مسأله تورم درگیر هستند، ما هم باید از همین راه حل‌ها استفاده کنیم، این در حالی‌ست که در جلسه دیگری وقتی بحثی را مطرح می‌کند می‌گوید باید به آمایش سرزمینی و بوم هم توجه کنیم. وقتی می‌خواهد نگاه انقلابی را بزند یادش می‌رود که شرایط بومی هم مؤثر در مسأله است، می‌گوید که ۱۸۰ کشور دیگر هم در جهان داریم که با این مسائل درگیر است و باید از آنها تقلید کنیم. اما وقتی که پای مباحث دیگر به میان می‌آید، یادش می‌آید که چیزی هم به اسم بوم و شرایط اختصاصی داریم.

۳/۸/۱/۵. تأثیر موضوعیت داشتن خانواده یا موضوعیت نداشتن آن در تفاوت مسأله تورم، تعادل در عرضه و تقاضا و ...

براساس اصطلاحات رکیک توسعه غربی یکی از مسائل این است که باید کشورهای حوزه هژمون خودمان را هم حمایت کنیم و این جزء مسائل ماست. شما نمی‌توانید با استفاده از الگوهای دیگر بیایید و برنامه‌ریزی کنید. در مسأله تورم هم، تورم در جایی که خانواده می‌خواهد خودش را حفظ کند، خیلی متفاوت است با جایی که خانواده موضوعیت ندارد، یکی از مسائل مؤثر بر عدم تعادل عرضه و تقاضا، نهاد خانواده است. صدا و سیما هم گاهی وقت‌ها هراس دارد که گفتگوهای علمی جدی راه بیندازد و الا همان جا می‌شود از این آقا چند سؤال پرسید و ضعف استدلالش را به ملت اثبات کرد. به هر حال اراده‌ها را قوی کنیم.

۳/۸/۱/۶. حل بسیاری از مشکلات کشور مشروط به داشتن نهاد خانواده قوی

به لحاظ کارشناسی تجربه بیش از دو دهه خواندن اسناد بین‌المللی و گفتگو با کارشناسان توسعه را داریم و می‌گوییم که در گفتگو بسیار انسان‌های ضعیف‌الاستدالی هستند. اگر در کشور خانواده قوی داشته باشیم، می‌توانیم بسیاری از مشکلات کشور را حل کنیم. لااقل یک همتی کنید تا این هفت حوزه را شروع به حل کردن کنیم.

۴. تبیین اولویت دوم یعنی بازتعریف نظام آموزش و پرورش به محوریت خانواده و جمعیت با پاسخ به

چهار سؤال؛ سومین بخش بحث

۴/۱. پاسخ به سؤال چستی اشکالات آموزش و پرورش فعلی از سه حیث هدف، محتوا و روش؛ به عنوان اولین سؤال برای بازتعریف نظام آموزش و پرورش فعلی به محوریت خانواده

اما بخش سوم و آخرین سرفصل بحث به تبیین اولویت دوم خواهیم پرداخت. اینکه این اولویت بر اولویت اول مقدم شد، علتی داشت و آن فراهم نبودن شرایط بحث از نظام مهندسی و ساختمان بود. به همین علت از نظام آموزشی شروع کردیم. اگر کسی می‌خواهد نظام‌سازی آموزشی کند برای مسأله خانواده و جمعیت باید به چهار سؤال پاسخ بدهد، اگر این چهار سؤال را پاسخ بدهید می‌توانید با مخاطبان بر مسأله نظام‌سازی آموزشی توافق کنید، اما اگر این کار را نکنید وضعیت فعلی باقی خواهد ماند. قبلاً [خدمت] بهترین سخنرانان و فعالان جمعیت و حجت الاسلام وافی که در جلسه حضور دارند، عرض کرده‌ام که در حال طرح بحث چهار تا فهرست در سخنرانی‌ها خودتان هستید، هر چقدر هم عالی باشد ولی اسمش نظام‌سازی نیست. بر فرض که ما در حال تدریس ۱۰ جلد کتاب هستیم، مسأله ما که حل نمی‌شود، بنابراین اگر می‌خواهیم که نظام‌سازی کنیم، در حوزه آموزش برای خانواده باید چهار سؤال را پاسخ بدهیم.

۴/۱/۱. نقد آموزش و پرورش فعلی به محوریت نهاد خانواده در سه حوزه هدف، محتوا و روش؛ اولین قدم نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت

اولین قدم این است که آموزش و پرورش فعلی را به محوریت نهاد خانواده نقد کنید. اشکالاتش را بگویید. البته بنده یک فهرستی نوشته‌ام که در کتاب‌های آموزش و پرورش آینده هم به صورت تفصیلی‌اش وجود دارد و اینجا فقط مورد اشاره قرار خواهم داد.

۴/۱/۱/۱. هدف آموزش و پرورش فعلی پرورش تکنسنین بخش خدمات و تولید جامعه و نه آماده‌سازی فرد برای پذیرش تشکیل نهاد خانواده

هدف آموزش و پرورش<sup>۲۷</sup> فعلی پرورش تکنسنین برای بخش خدمات و تولید است، آماده کردن فرد برای نهاد خانواده نیست یعنی وقتی که شما دختر و پسران را به مدارس فعلی می‌فرستید، مسأله اصلی ذهن فرزندانان نهاد خانواده

<sup>۲۷</sup>. ارجاع پرورشی: قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش:

نمی‌شود، حتی وقتی که به سن بلوغ می‌رسد و به لحاظ فطری میل به ازدواج در او ایجاد می‌شود، اطلاعاتش در مورد ازدواج بسیار حداقلی است.

دو پدیده مهندسین و دکترهای بی سواد درباره خانواده و دختران فاقد مهارت مهم آشپزی؛ از ۴/۱/۱۲.

#### جمله عوارض هدف‌گذاری غلط در نظام آموزش و پرورش فعلی

الان در دوران مدرن با مهندسین و دکترهایی روبرو هستیم که سوادشان درباره خانواده در حد سیکل هم نیست. نظام آموزش و پرورش فعلی این است. حالا از شما سؤال می‌کنم، مگر خانواده مهمترین مسأله آدم‌ها نیست، پس چرا آموزش و پرورش فعلی این مهمترین مسأله را در ذهن فرزندان ما پخته نمی‌کند و جا نمی‌اندازد. طبق بررسی‌های به عمل آمده پدیده عجیبی به وجود آمده است، دخترها وقتی ازدواج می‌کنند، مسأله بسیار مهم آشپزی را هم بلد نیستند.

شلوغ شدن بیمارستان‌ها نتیجه تضعیف سفره در خانواده به عنوان اولین اتفاق ناگوار عدم آشنایی دختران ۴/۱/۱۳.

#### جامعه با مسأله بسیار مهم آشپزی

اتفاقی که در این حالت رخ می‌دهد این است که سفره در خانواده تضعیف می‌شود، در این صورت بیمارستان‌ها شلوغ می‌شود، مادر اگر دلسوز خانواده خودش هست، اولین حوزه دلسوزی حوزه سلامت خانواده است و اولین ابزار سلامت خانواده هم مدیریت سفره است. یعنی در جامعه‌ای که خانم‌ها طبیب نیستند، آن جامعه بیمارستان‌هایش شلوغ است.

یبوست و عوارض آن، رشد انگل در محیط روده و ... از جمله بیماری‌های متأثر از تضعیف سفره در خانواده ۴/۱/۱۴.

پژوهش میدانی که انجام شده است در منزل یکی از آقایان که تعریف می‌کردند که غذاهای جدیدی دارند، چند قلم غذا بود که یکی از آنها گوشت نیم‌پز بود. یعنی درک خانم آن خانه این بود که گوشت نیم‌پز هم، چیز مهمی است. درحالی که شما می‌دانید که اگر گوش خام مصرف کنید، انگل در محیط روده رشد پیدا می‌کند و موجب پیدایش برخی بیماری‌های دیگر هم می‌شود. به عبارت دیگر خام‌خوری یک ایده شده است و اگر منشأیابی هم کنید می‌بینید که در همین پیچ‌های اینستاگرام و دوره‌های آشپزی مدرن دارن بحث می‌کنند. یا مشکل دیگری که باز در این مسأله به وجود آمده است، یبوست و عوارض آن در جامعه ما فراگیر شده است.

### روده‌ها

جمله‌ای از امام صادق علیه السلام نقل کنم تا تفاوت افق دید امام معصوم را با خودمان متوجه شویم، ایشان می‌فرمایند؛ من به حال مردم عراق غبظه می‌خورم.<sup>۲۸</sup> سپس علتش را می‌فرمایند که به دو دلیل، یکی اینکه مردم عراق برنج بیشتری مصرف می‌کنند و دوم اینکه نام یک خرماي خاصی را می‌آورند، سپس حضرت می‌فرمایند که هر دوی اینها باعث اتساع روده‌ها می‌شود. حالا اگر کسی اخباری باشد می‌گوید این چه موضوعی است که امام معصوم به خاطرش غبظه می‌خورد، احتمالاً این حدیث جعلی است و باید غبظه امام صادق علیه السلام راجع به زیارت کربلا باشد که آن هم جزء غبظه‌های عظیم است. چرا امام علیه السلام دارد درباره این موضوع غبظه می‌خورد. اما اگر کسی اهل درایه بوده و فقیه باشد، می‌گوید اگر به بیمارستان بروید با انواع و اقسام بیماری‌های روده روبه‌رو خواهید شد که چقدر هم حیای انسان‌ها و هم آسایش آنها را را به چالش می‌کشد. امام علیه السلام اینطور مسأله را به چالش می‌کشد. یعنی حتی به صورت ساده نمی‌فرمایند که بروید برنج بخورید و فلان خرما را بخورید که دچار چسبندگی روده نشوید، بلکه حضرت می‌فرماید که بله من غلظه می‌خورم به حال مردم عراق. تأکید می‌کنم که امام صادق علیه السلام اینطوری صحبت می‌کنند. یعنی وقتی با مخاطبشان دارند صحبت می‌کنند، حواس‌شان هست که دچار بیماری روده نشود که کارش به جراحی بکشد.

### ۴/۱/۱/۶. درمان یبوست شدید با اماله کردن، به عنوان ساده‌ترین روش درمانی منقول از نبی مکرم اسلام ص

یک موردش هفته گذشته بود که با یک نفر برخورد کردم که به یبوست بسیار شدیدی مبتلا شده بود و دستش از همه عالم کوتاه بود و هیچ کاری نمی‌توانست بکند، اولین تأثیری که یبوست دارد این است که بعضی وقت‌ها هفته‌ای یکبار دفع دارند و در اثر آن حافظه‌اش را از دست می‌دهد و دیگر نمی‌تواند با شما وارد گفتگو و زندگی عادی‌اش شود. با ایشان گفتگو کردم که چگونه این مشکل را حل کنند، فکر می‌کردند که حالا باید خیلی کار پیچیده‌ای بکنند. به

<sup>۲۸</sup>. **ارجاع پژوهشی:** علي بن إبراهيم عن أبيه عن إسماعيل بن مزارٍ و غيره عن يونس عن هشام بن الحكم عن زرارة قال: رأيت دابة أبي الحسن موسى ع تأفمته الأرز و تضربه عليه فعمني ما رأيت فدخلت على أبي عبد الله ع فقال لي أحسبك عمك ما رأيت من دابة أبي الحسن موسى قلت له نعم جعلت فداك فقال لي نعم الطعام الأرز يوسع الأمعاء و يقطع البواسير و إنا لنغبط أهل العراق بأكلهم الأرز و البسر (۲) فإتھما يوسعان الأمعاء و يقطعان البواسير.

زراره گفت: دیدم دایه ابی الحسن موسی علیه السلام به او برنج می‌داد و او را می‌زد و این مرا ناراحت کرد. پس نزد ابی عبدالله علیه السلام رفتم و او گفت: فکر می‌کنم مضطرب هستی آنچه از دایه ابی الحسن دیدی گفتم: آری فدای تو گردم و او به من گفت: بله. برنج، خوب خوراکی است! روده‌ها را فراخ می‌کند و بواسیر را ریشه کن می‌سازد. ما بر مردم عراق، غبظه می‌خوریم که برنج و خرما خړک می‌خورند. این دو، روده‌ها را فراخ می‌کنند و بواسیر را ریشه کن می‌سازند.

مصادر اصلی: الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۶، ص: ۳۴۱ / المحاسن، ج ۲، ص: ۵۰۳

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۳، ص: ۲۶۱ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص: ۱۲۳ / الوافی، ج ۱۹، ص: ۳۵۹ و ۳۶۰

ایشان گفتیم آیا رساله آقایان مراجع را خوانده اید، بخشی که از مبطلات روزه صحبت می‌کنند. در آنجا نوشته است که قی و اماله کردن روزه را باطل می‌کند. به ایشان گفتم که حضرت می‌فرماید که اماله کردن روزه را باطل می‌کند، سپس دو روایت درباره اماله کردن برایشان خواندم، یکی اینکه نبی مکرم اسلام ﷺ می‌فرمایند؛ اماله کردن ضعف عمومی بدن را می‌برد.<sup>۲۹</sup> اماله کردن در واقع شستشوی روده‌ها با آب هست و دومین اثرش داروی ساده یبوست هست. به ایشان گفتم که فعلا شما از این تکنولوژی پیچیده اماله کردن استفاده کنید، بعداً که آمد گفت بله مشکل حل شده است.

#### ۴/۱/۱/۷. حذف نان سفید از سفره‌ها و افزودن نان سبوس‌دار؛ به عنوان پیشگیری از بیماری یبوست و در نهایت بواسیر

راه‌حل بعدی برای دچار نشدن دوباره به یبوست حذف نان سفید از سفره‌ها و اضافه کردن نان سبوس‌دار است. در این صورت پیشگیری از ابتلا به یبوست هم اتفاق خواهد افتاد. مادران و دختران ما دلسوز هستند ولی کسی به اینها نگفته است که اول دلسوزی برای خانواده، این است که از سفره فرزندان و شوهر و خودت مواظبت کنید تا بیمارستان‌ها شلوغ نشود. تداوم این یبوست و عواملی مانند آن منجر می‌شود که فرد دچار بواسیر هم بشود که ناچار به عمل بواسیر شود.

#### ۴/۱/۱/۸. عدم آماده‌سازی فرزندان مان در آموزش و پرورش برای پیشگیری از بیماری؛ ناشی از عدم درک آنان از

##### مسئله یا عدم اراده برای این کار

اینها مسائل اصلی هستند. وقتی می‌گوییم که آموزش و پرورش فرزندان ما را آماده نمی‌کند یعنی همین. یعنی هیچ درسی برای آماده‌سازی آنها جهت تشکیل و مدیریت خانواده ندارد. چند روز پیش از صدا و سیما کسی آمده بود و با هم مشورت می‌کردیم، به ایشان گفتم یک گزارش بنویسید که چرا در آموزش و پرورش فعلی یک کتاب درباره پیشگیری از بیماری نداریم. آموزش و پرورش ما به افرادی که وارد آن می‌شوند، هیچ درکی از این مسئله نمی‌دهد،

<sup>۲۹</sup> **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعًا بَابَ مِمَّا يُصْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاةٍ قَالَ: ... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَدَاوَيْتُمْ بِهِ الْحَقْنَةُ وَ هِيَ تُعْظَمُ الْبَطْنَ وَ تُنْقِي دَاءَ الْجَوْفِ وَ تُقْوِي الْبَدَنَ اسْتَعْطُوا بِالْبَنْفَسِجِ....

امام صادق علیه السلام از امیرالمومنین روایت کرد یکی از مجالس ایشان را برای اصحابش درباره چهارصد باب برای مسلمان در دین و دنیايش و گفت: ... گفت رسول خدا ص فرمودند: بهترین دارو برای شما اماله کردن است. معده را بزرگ می‌کند، ناراحتی های معده را تصفیه می‌کند و بدن را تقویت می‌کند.

مصدر اصلی: الخصال، ج ۲، ص: ۶۱۰

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص: ۳۱ / بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰، ص: ۱۱۶

شاید هم نمی‌خواهند بدهند، زیرا به همان میزانی که پیشگیری از بیماری اتفاق می‌افتد، درآمد اطباء ما کمتر می‌شود. پس آموزش و پرورش را از حیث هدف تجزیه و تحلیل می‌کنیم.

#### ۴/۱/۲. عدم کارآمدی محتوای آموزشی در آموزش و پرورش فعلی برای تشکیل خانواده؛ به عنوان نقد محتوایی آموزش و پرورش

از حیث محتوا هم همان‌طور که اشاره کردم آموزش و پرورش را تجزیه و تحلیل کنید. به عنوان مثال براساس جمع‌بندی مدرسه فقهی هدایت، ما ۵ دسته روایت درباره انعقاد نطفه داریم. که اگر این ۵ دسته روایت به مردم آموزش داده نشود، ظرفیت روحی، اخلاقی، فکری و جسمی همه آدم‌ها کاهش پیدا می‌کند. اما اگر این ۵ دسته روایت را آدم‌ها رعایت کنند و بحث کنند نسل آینده ما زیباتر و قوی‌تر به لحاظ جسمی و باهوش‌تر و با شعورتر و با اخلاق‌تر و صبورتر خواهد شد. اینها مسائل مهمی هستند. اگر شما در دانشگاه هم درس بخوانید و دکتر هم بشوید، هیچ وقت این اطلاعات به شما داده نمی‌شود.

#### ۴/۱/۳. تمرکز آموزش و پرورش بر ارتقاء نمره دائمی دانش آموزان؛ به عنوان نقد روشی آموزش و پرورش فعلی

سومین کار این است که به لحاظ روش هم آموزش و پرورش فعلی را نقد کنید. آموزش و پرورش فعلی اجازه نمی‌دهد که بچه‌های شما به چیزی غیر از نمره فکر کنند. وقتی به دانش آموز گفتید برای امتحان میان ترم اگر فلان کار را انجام دهید به شما ۲ نمره می‌دهم یا ۲ نمره کم می‌کنم. الان پایان ترم است و نمره شما در کنکور محاسبه خواهد شد، در واقع هر روز مدیران آموزش و پرورش دارند دانش آموزان را به ارتقاء نمره دعوت می‌کنند.

#### ۴/۱/۳/۱. آموزش ادب اصلی‌ترین دغدغه فرزندان از منظر امیرالمؤمنین علیه السلام؛ به عنوان زیرساخت امنیت و معیشت جامعه

عرض ما این است که فرزندان‌تان را از این دام نجات دهید. اگر می‌توانید در مدارس موجود ثبت نام‌شان نکنید، فقط به همین دلیل "روشی". اصلاً فرض کنید محتوا خیلی خوب است. ولی چرا باید فرزند من ۱۶ هزار ساعت دغدغه اصلی‌اش نمره آوردن بشود. اگر این‌طور شد دیگر بچه شما نمی‌تواند به چیز دیگری فکر کند. دغدغه اصلی که نباید این باشد، مثلاً امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند که دغدغه اصلی فرزندان باید یادگیری ادب باشد<sup>۳۰</sup>، ادب هم

<sup>۳۰</sup> ارجاع پژوهشی: علی بن موسی بن طاووس فی کتاب کشف المحجبة لثمرة المهجبة نقلاً من کتاب الرسائل لمحمد بن یعقوب الكلینی بإسناده إلی جعفر بن عنبسة عن عبادة بن زیاد الأسدي عن عمرو بن أبي المقدام عن أبي جعفر ع في وصية أمير المؤمنين ع لولده الحسن ع و هي طويلة منها أن قال: فبادرناك

امنیت‌ساز است و محبوبیت به همراه دارد و هم معیشت را تقویت می‌کند. اگر موفق شدیم و ادب به فرزندان مان یاد دادیم، او در جامعه روحش کمتر خدشه برخواهد داشت، زیرا منشأ بسیاری از دعوایا همین فحاشی‌ها و بی‌ادبی‌ها است که در دانشگاه شریف مشاهده کردید. چرا اینطور شد، مقصر اصلی نظام آموزش و پرورش است، به اینها گفته‌اند که نمره اصل است و اینها هم فریب خورده‌اند و دنبال کسب نمره برتر رفته‌اند. اگر شما آموزش و پرورش دیگری داشتید می‌گفتید که به او ادب و آداب را آموزش دهد. بنابراین ادب امنیت درست می‌کند. کسانی که صحبت از این می‌کنند که فحاشی کردن مصداق آزادی است و نباید با آن مقابله کرد سؤال من این است که اگر شما آمدید و بی‌ادبی رواج دادید، امنیت همه انسان‌ها به خطر می‌افتد، یعنی شما دارید آزادی را طوری معنا می‌کنید که جان و جسم آدم‌ها خراش بردارد و به خطر بیفتد. ادب آدم‌ها را محبوب می‌کند. این هم خیلی مسأله مهمی است. به اصطلاح قدیمی‌ترش، آدم با ادب دل‌با شده و پذیرش را نسبت به آن آدم‌ها بالاتر می‌برد.

ادب معیشت را هم ارتقاء می‌دهد، خیلی‌ها دیده‌ایم که اگر شخصی که کاسب است مشتری را کمک کند، راهنمایی کند و به او توجه کند در جذب مشتری بیشتر چقدر تأثیر دارد تا کسی که مشغول به وبگردی هست و توجه چندانی به مشتری نمی‌کند. پس یک وقت یک نظام آموزش و پرورش می‌سازیم که دغدغه اصلی فرزندان ما را ادب قرار می‌دهد و یک وقت یک نظام آموزش و پرورش داریم که دغدغه فرزندان ما را نمره می‌کند. باید شجاعت به خرج داده و به سمت آموزش و پرورش دیگری حرکت کنیم. پس سؤال اول این است که اشکالات آموزش و پرورش فعلی چیست؟ در پاسخ به این سؤال، هدف، محتوا و روشش را نقد می‌کنیم. این سؤال را در ۱۰ جلسه در اصفهان در بحث نظریه آموزش و پرورش آینده شرح داده شده است که در اینجا به صورت مختصر اشاره‌ای به آن شده است. سؤال اول بررسی اشکالات آموزش و پرورش فعلی از حیث خدماتش به نهاد خانواده است.

---

بِوَصِيَّتِي لِيَخْصَالَ مِنْهَا (أَنْ تُعَجَّلَ) بِي أَجَلِي إِلَى أَنْ قَالَ وَ أَنْ يَسْبِقَنِي إِلَيْكَ بَعْضُ غَلْبَةِ الْهَوَى وَ فِتْنِ الدُّنْيَا وَ تَكُونَ كَالصَّعْبِ التَّفْوَرِ وَ إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبَكَ وَ يَسْتَعْلَ لُبُّكَ.

امام علی علیه السلام - به فرزندش امام حسن علیه السلام - فرمود: دل نوجوان همچون زمین خالی است که هر چه در آن افکنده شود می‌پذیرد؛ از این رو، من پیش از آن که دلت سخت و فکرت مشغول شود به تأدیب و تربیت تو پرداختم.

۴/۲. پاسخ به سؤال از چیستی و چرایی از هدف نظام آموزش و پرورش مطلوب؛ به عنوان دومین سؤال برای بازتعریف نظام آموزش و پرورش به محوریت خانواده

۴/۲/۱. تعریف هدف آموزش و پرورش مطلوب به تقویت نهاد خانواده؛ پاسخ به چیستی این هدف

۴/۳. تعریف خانواده در اسلام به عنوان نهاد حاکمیتی تبیینی از چرایی تقویت نهاد خانواده به عنوان هدف آموزش و پرورش مطلوب

سؤال دوم پرسش از چیستی و چرایی هدف در نظام آموزش و پرورش مطلوب است؟ البته از دل بحث‌هایی که گفته شد، این محتوا به صورت اجمالی متولد شد. هدف باید تقویت خانواده باشد، زیرا خانواده در اسلام نهاد حاکمیتی است. اگر شما یک آموزش و پرورش بسازید که هدفش تقویت خانواده باشد، بهتر می‌توانید جامعه‌تان را اداره کنید، می‌توانید خانواده‌ها را راحت‌تر در مسیر زندگی قرار بدهید و چون این مطلب را هم قبلاً توضیح داده‌ام از آن می‌گذرم، ولی به هر حال باید تصریح کنیم که آموزش و پرورش کارش تربیت تکنسین برای بخش خدمات و تولید نیست. این یک ایده انگلیسی است.<sup>۳۱</sup> بلکه کار آموزش و پرورش تربیت آدم برای تشکیل نهاد خانواده است. هر چیزی که برای تشکیل نهاد خانواده احتیاج هست، باید در آموزش و پرورش در دستور کار قرار گیرد. پس سؤال دوم این شد که هدف در آموزش و پرورش جدید چگونه باشد و چرا؟ زیرا ما در حال نظام‌سازی هستیم. لذا باید صراحتاً بگوییم که هدف ما آموزش دادن ابعاد مختلف نیازمندی‌های خانواده است.

۴/۴. پاسخ به چگونگی روش و ساختار آموزش و پرورش جدید؛ به عنوان سومین سؤال برای بازتعریف نظام آموزش و پرورش به محوریت خانواده

۴/۴/۱. طرح ایده "خانواده متکفل آموزشی"؛ به عنوان پاسخ به سؤال سوم جهت نظام‌سازی آموزشی

سؤال سوم این است که روش و ساختار آموزش و پرورش جدید چگونه باشد؟ روش و ساختار آموزش و پرورش جدید همین روش و ساختار آموزش و پرورش فعلی باشد؟ یا اینکه متناسب با هدف جدید آموزشی نیاز هست که ساختار و روش آموزش و پرورش جدید نیز تغییر کند؟ پیشنهاد ما برای ساختار آموزش و پرورش جدید، نه یک سیستم آموزشی؛ بلکه نهاد خانواده است. اساساً ما به دنبال تحقق ایده خانواده متکفل آموزش هستیم. اما الان یک سیستم آموزشی مبنای کار هست. یعنی یک کاری با ما کرده‌اند وقتی که می‌گوییم بچه باید باسواد بشود، یعنی باید مدرک بگیرد و بعد به دنبال ثبت نام کردن او در جایی هستیم. باید ذهنیت‌ها را اصلاح کرد. وقتی که می‌خواهید بچه‌تان باسواد شود، خودتان برایش برنامه‌ریزی کنید.

۳۱. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ بیست و هفتم: ۱۳۹۱

۴/۴/۲. انحصار ۵ انتخاب ظرفیت‌ساز در خانواده؛ علت اصلی انتخاب خانواده به عنوان ساختار آموزش و

### پرورش جدید

چرا باید خانواده ساختار اصلی آموزش و پرورش جدید باشد؟ برای آموزش دادن محتاج به دو چیز هستیم؛ ۱. ارتقاء ظرفیت فرد آموزش گیرنده، ۲. ارائه محتوای جدید. اساساً اگر بهترین محتوای عالم را آماده کنید، وقتی که ظرفیت آموزش گیرنده پایین باشد، آموزش شما خروجی مطلوبی نخواهد داد و جایی مثل نهاد خانواده نمی‌تواند ظرفیت‌ها را ارتقاء بدهد. بنابراین باید نهاد خانواده را به عنوان ساختار اصلی آموزش و پرورش جدید قرار بدهید. خانواده چگونه می‌تواند ظرفیت‌ها را ارتقاء بدهد؟ از مجموع روایات که بررسی شده و مقایسه آن با بعضی از نظریات روانشناسی انجام شده، ۵ انتخاب ظرفیت‌ساز در خانواده وجود دارد که در هیچ سیستم آموزشی وجود ندارد. به دلیل این ۵ ویژگی خانواده است که باید نهاد اصلی آموزش و پرورش جدید قرار بگیرد.

## آموزش و پرورش جدید

اول آنکه براساس روایات سه چیز به همراه هم ظرفیت اولیه انسان‌ها را می‌سازد؛ انتخاب همسر<sup>۳۲</sup>، انعقاد نطفه<sup>۳۳</sup>، دوران حمل<sup>۳۴</sup>. این سه چیز به همراه هم ظرفیت ساز هستند. در روایت آمده است که وقتی می‌خواهید همسر خودتان را انتخاب کنید (خطاب روایت به آقایان است) توجه داشته باشید که در حال انتخاب مادر فرزندان‌تان هستید.<sup>۳۵</sup>

۳۳. **ارجاع پژوهشی:** عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّمَا الْمَرْأَةُ قِلَادَةٌ فَانظُرْ إِلَى مَا تَقْلُدُهُ قَالَ وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ حَظٌّ لَا لِصَالِحَتِهَا وَلَا لِطَالِحَتِهَا أَمَّا صَالِحَتُهَا فَلَيْسَ حَظُّهَا الذَّهَبُ وَ الْفِضَّةُ بَلْ هِيَ حَيْرٌ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ أَمَّا طَالِحَتُهَا فَلَيْسَ الثَّرَابُ حَظُّهَا بَلِ الثَّرَابُ حَيْرٌ مِنْهَا.

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: زن مانند گردن‌بند است، پس بسیار دقت کن که چه چیزی را به عنوان گردن‌بند انتخاب می‌کنی! همچنین از ایشان شنیدم که می‌فرمود: بدان که زنان قیمتی ندارند! نه زنان خوب و نه زنان بد! اما زنان خوب که نمی‌توانی ارزش آنان را با طلا و نقره بسنجی؛ زیرا آنان بسیار قیمتی‌تر از طلا و نقره‌اند! اما زنان بد که حتی با خاک نیز هم ارزش نیستند، بلکه خاک به مراتب ارزشمندتر از آنان است!

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۳۳۲ /

منابع دیگر: مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۰، ص: ۲۱ / وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص: ۴۷ / الوافی، ج ۲۱، ص: ۴۳

جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۵، ص: ۱۷۰ / تهذيب الأحكام (تحقیق خراسان)، ج ۷، ص: ۴۰۲ /

عليه بن إبراهيم عن أبيه عن التوفلي عن السكوني عن أبي عبد الله ع قال قال النبي ص اختاروا لنطفكم فإن الخال أخذ الصبيعين.

امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: برای نطفه‌های خودتان (زن خوب) انتخاب کنید؛ چرا که دایی یکی از دو ملازم است.

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۳۳۲

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص: ۴۷ و ۴۸ / تهذيب الأحكام (تحقیق خراسان)، ج ۷، ص: ۴۰۲

بإسناده قال: قام رسول الله ص خطيباً فقال أيها الناس إياكم و خضراء الدمن (۸) قيل يا رسول الله و ما خضراء الدمن قال المرأة الحسناء في منبت السوء.

امام صادق علیه السلام؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، خطبه خواند و فرمود: «ای مردم! از سبزه‌های مزبله بپرهیزید». گفته شد: ای پیامبر خدا! سبزه مزبله چیست؟ فرمود: «زن زیباروی در رستگاه (خانواده) بد».

مصادر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۳۳۲ / من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص: ۳۹۱

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۱۰۰، ص: ۲۳۶ / مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۰، ص: ۲۲ / وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص: ۴۸

تهذيب الأحكام (تحقیق خراسان)، ج ۷، ص: ۴۰۳ / الوافی، ج ۲۱، ص: ۴۴ / مكارم الأخلاق، ص: ۲۰۳

أنظر في أي نصاب تضع ولدك فإن العرق دساس.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و نگاه کن فرزندت را در کدام رجم قرار می‌دهی؛ چرا که [اصل و] ریشه، تأثیرگذار است.

منبع: نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص: ۲۶۶

۳۳. **ارجاع پژوهشی:** الفقیه، قَالَ الصَّادِقُ ع إِذَا أَتَى أَحَدُكُمْ أَهْلَهُ فَلْيُذَكِّرِ اللَّهَ فَإِنَّ مَنْ لَمْ يَذَكِّرِ اللَّهَ عِنْدَ الْجَمَاعِ فَكَانَ مِنْهُ وَلَدٌ كَانَ شِرْكَ شَيْطَانٍ وَ يُعْرِفُ ذَلِكَ بِحُبِّنَا وَ بُغْضِنَا

مام صادق علیه السلام فرمود: هر يك از شما چون آهنگ کام بردن از همسر کند پس خداوند را یاد کند (بسم الله الرحمن الرحيم گوید) زیرا هر کس در آن حال نام خدا نبرد، و فرزندی بوجود آورد شیطان در آن دخالت کرده باشد و آن بدوستی و دشمنی با ما شناخته می‌شود.

مصدر اصلی: من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص: ۴۰۴

منابع دیگر: روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)، ج ۸، ص: ۲۰۲ / بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۶۰، ص: ۲۰۱

جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۵، ص: ۴۱۸

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنِ السَّنْدِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ ع وَ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُمَا قَالَا: التَّنَطُّرُ إِلَى الْفَرْجِ عِنْدَ الْجَمَاعِ يُورِثُ الْعَمَى

از امام علی علیه السلام و ابن عباس روایت کرده اند: نگاه به فرج همسر هنگام جماع موجب کوری فرزند می‌شود.

مصدر اصلی: قرب الإسناد (ط - الحديثة)، النص، ص: ۱۴۰ و ۱۴۱

منابع دیگر: هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۷، ص: ۱۱۸ / بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۱۰۰، ص: ۲۸۵

وسائل الشيعة، ج ۲۰، ص: ۱۲۲ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۵، ص: ۴۳۲

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُكْرَهُ أَنْ يَغْتَسِيَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ وَ قَدْ اخْتَلَمَ حَتَّى يَغْتَسِلَ مِنَ اخْتِلَامِهِ الَّذِي رَأَى فَإِنْ فَعَلَ فَخَرَجَ الْوَلَدُ مَجْنُونًا فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ  
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مکروه است مرد با زوجه خویش پس از آنکه محتلم شده همخوابگی کند مگر اینکه از جنابت احتلام غسل نماید، و اگر غسل نکرده مجامعت نماید چنانچه فرزندی مجنون (دیوانه) بدینا آمد کسی را جز خود ملامت نکند.

مصدر اصلی: من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص: ۴۰۴ / الخصال، ج ۲، ص: ۵۲۰ / الأمالي (للصدوق)، النص، ص: ۳۰۱ / المحاسن، ج ۲، ص: ۳۲۱

منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج ۲۰، ص: ۱۳۹ / الوافي، ج ۲۲، ص: ۷۲۹ / بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۷۳، ص: ۳۳۷

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ جَامَعَ امْرَأَتَهُ وَ هِيَ حَائِضٌ فَخَرَجَ الْوَلَدُ مَجْدُومًا أَوْ أَبْرَصَ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ.  
پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس با زن خود نزدیکی کند و او حائض باشد اگر از این دو فرزندی بوجود آید که به خوره و پیسی مبتلا باشد هیچ کس را ملامت نکند جز خویشتن را.

مصدر اصلی: من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص: ۹۶ /

منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج ۲، ص: ۳۱۸ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۱، ص: ۲۰۳ / مكارم الأخلاق، ص: ۲۱۲

الوافي، ج ۲۲، ص: ۷۱۹ / عوالي اللئالي العزبية في الأحاديث الدينية، ج ۳، ص: ۳۰۷

۳۴. **ارجاع پژوهشی:** وَ عَنْهُ ع قَالَ: كُلُوا السَّفَرَجَلَ وَ تَهَادُوا بَيْنَكُمْ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ وَ يُنْبِتُ الْمَوَدَّةَ فِي الْقَلْبِ وَ أَطْعَمُوا حَبَالَكُمْ فَإِنَّهُ يُحَسِّنُ أَوْلَادَكُمْ وَ فِي رِوَايَةٍ يُحَسِّنُ أَخْلَاقَكُمْ.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: به بخورید و به یکدیگر هدیه دهید؛ چرا که چشم را جلا می‌دهد و دوستی را در دل می‌رویاند و آن را به زنان باردارتان بدهید؛ چرا که فرزندانتان را زیبا می‌گرداند

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۶۳، ص: ۱۷۶ / مكارم الأخلاق، ص: ۱۷۱ و ۱۷۲ / مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۶، ص: ۴۰۱

۳۵. **ارجاع پژوهشی:** ق أَخْبَرَنِي السَّيِّدُ الْإِمَامُ ضِيَاءُ الدِّينِ سَيِّدُ الْأَيْمَةِ شَمْسُ الْإِسْلَامِ تَاجُ الطَّالِبِيَّةِ ذُو الْفَخْرَيْنِ جَمَالُ آلِ رَسُولِ اللَّهِ ص أَبُو الرِّضَا فَضْلُ اللَّهِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْخُسَيْنِيِّ الرَّوَنْدِيِّ حَرَسَ اللَّهُ جَمَالَهُ وَ أَدَامَ فَضْلَهُ قَالَ أَخْبَرَنَا الْإِمَامُ الشَّهِيدُ أَبُو الْمُحَاسِنِ عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَحْمَدَ الرَّوْيَانِيَّ

انحصار مرحله اول ظرفیت‌سازی (اصل ظرفیت) فرزندان شامل «انتخاب همسر، انعقاد نطفه، دوران حمل»  
در خانواده ۴/۴/۲/۱/۲.

ظرفیت‌سازی روحی، فکری و جسمی فرزندان؛ مرهون رعایت توصیه‌های موجود در روایات اهل بیت  
علیهم السلام در مرحله اول ظرفیت‌سازی ۴/۴/۲/۱/۳.

پس انتخاب همسر یعنی انتخاب مادر برای فرزندان. انعقاد نطفه هم همین طور است، دوران حمل هم همین طور است. اصل ظرفیت فرزندان را این سه کار خواهند ساخت که ما از آن به مرحله اول ظرفیت‌سازی یاد می‌کنیم. کسی که در این سه مرحله خطا کند، بچه‌ای کم هوش، دارای بیماری‌های جسمی و فاقد فضائل اخلاقی برایش متولد خواهد شد. همان طور که مشاهده کردید هر کدام از روایات، تفسیری دارد که به بعضی از آنها اشاره خواهد شد.

توصیه اهل بیت علیهم السلام به مصرف میوه "به" قبل از انعقاد نطفه برای زیبایی فرزندان ۴/۴/۲/۱/۴.

به عنوان مثال حضرت می‌فرماید اگر دوست دارید که فرزندان گشاده‌رو باشید یا به اصطلاح امروزی‌ها خوش‌سیمما باشید، باید قبل از انعقاد نطفه میوه "به" مصرف کنید<sup>۳۶</sup> و استدلال حضرت این است که «یحسن الولد» و در روایت

---

إِجَارَةٌ وَ سَمَاعًا أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ التَّمِيمِيُّ الْبُكَيْرِيُّ الْحَاجِي إِجَارَةٌ وَ سَمَاعًا حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ سَهْلُ بْنُ أَحْمَدَ الدِّيْبَاجِيِّ حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَشْعَثِ الْكُوفِيِّ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع حَدَّثَنَا أَبِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ مُوسَى عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَاكُمْ وَ تَزُوجَ الْحَمَمَاءِ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَ وُلْدَهَا صَيَاغٌ.

امام علی علیه السلام فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از ازدواج با زن کم خرد پرهیزید؛ چرا که همراهی او بلاست و فرزندانش تباه.

مصدر اصلی: النوادر (للراوندي)، ص: ۲

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص: ۲۳۷

وَ مِنْ كَلَامِهِ (امام صادق علیه السلام) ع سَمَاءُ بَعْضُ الشَّيْبَةِ نَثْرُ الدَّرَرِ... تَجِبُ لِلْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ اخْتِيَارُهُ لَوَالِدَتِهِ وَ تَحْسِينُ اسْمِهِ وَ الْمُبَالَغَةُ فِي تَأْدِيبِهِ ...

امام صادق علیه السلام فرمود: فرزند سه حق برگردن پدرش دارد: مادر خوبی برایش انتخاب کند، نام نیکویی بر او بگذارد و در تربیت او بکوشد.

مصدر اصلی: تحف العقول، النص، ص: ۳۱۳ تا ۳۲۲

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۵، ص: ۲۳۶

۳۶. **ارجاع پژوهشی:** أَبُو الْحَسَنِ الْبَجَلِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ ع قَالَ: كَسَّرَ رَسُولُ اللَّهِ ص سَفْرَجَلَةً وَ أَطْعَمَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ قَالَ لَهُ كُلْ فَإِنَّهُ يُصَفِّي اللَّوْنُ وَ يُحَسِّنُ الْوَلَدَ.

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله یک عدد "به" را نصف کرد و به حضرت جعفر بن ابیطالب داد و فرمود بخور؛ زیرا به، رنگ پوست را روشن می‌کند و فرزند را زیباروی می‌سازد.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص: ۵۴۹ / الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۳۵۷

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۳، ص: ۱۷۰ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص: ۱۶۷ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص: ۱۶۶

دیگری می‌فرماید چهره فرزند شما را زیباتر می‌کند.<sup>۳۷</sup> خوب این خیلی مهم است که فرزندی که متولد می‌شود کربه المنظر باشد یا دارای چهره دلنشین باشد. مردم به این علت که روایت نخوانده‌اند می‌گویند خوب حالا اینکه ما چهره دلنشین یا زیبا نداریم به خاطر تقدیر ما بوده است. در حالی مسئولیت آن به عهده پدر و مادر آنهاست. زیرا آنها روایت نخوانده‌اند و به دستورات عمل نکرده‌اند و چهره شما این طوری شده است، حالا شما لااقل در فرزندان خودتان جبران کنید.

توصیه امام رضا علیه السلام به مصرف کندور در دوران حمل برای زیبایی جسمی فرزندان دختران و هوش فرزندان پسران ۴/۴/۲/۱/۵

در روایت دیگری آمده است که مادر در دوران حمل کندور مصرف کند، سپس امام رضا علیه السلام عالم آل محمد صلی الله علیه و آله می‌فرمایند اگر فرزندی که در حال تولد است و دوران جنینی‌اش را می‌گذراند دختر باشد وقتی که مادر کندور می‌خورد، این دختر زیبا می‌شود، (نه فقط صورت) بلکه کل بدنش زیبا می‌شود یعنی ناهنجاری در جسم دختر به وجود نمی‌آید و اگر فرزند پسر باشد، پسر "زکی" یعنی باهوش می‌شود. من در حال بحث از آموزش هستم، اما زیرساخت آموزش این است که ظرفیت فکری و ظرفیت جسمی و روحی ادم‌ها را ارتقاء بدهیم.

توصیه اهل بیت علیهم السلام به مصرف هفت عدد خرما توسط مادر بلافاصله بعد از وضع حمل به عنوان قبل از نوشیدن آب برای صبوری و حلم فرزندان ۴/۴/۲/۱/۶

حتماً برخورد کرده‌اید که بعضی‌ها اصلاً حوصله گفتگو ندارند و این چیز عجیبی ست. اما روایت داریم که اگر می‌خواهید حوصله و صبر فرزندان بالا برود، مادر بعد از وضع حمل هر بار که خواست آبی بنوشد یا غذایی بخورد قبل از آن ۷ عدد خرما بخورد و این اولین چیزی باشد که مادر تناول می‌کند، این باعث می‌شود که بچه او صبور بشود یعنی غذای اولی که مادر می‌خورد طبیعتاً روی شیر او تأثیر می‌گذارد، حضرت می‌فرماید که این غذای اول را خرما قرار دهید، در این صورت بچه شما صبور خواهد شد.<sup>۳۸</sup> بالاخره آموزش نیاز به ظرفیت صبر و تحمل دارد.

---

<sup>۳۷</sup> ارجاع پژوهشی: عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخُرَّازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: نَظَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِلَى غُلَامٍ جَمِيلٍ فَقَالَ يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ أَبُو هَذَا الْغُلَامِ أَكَلَ السَّفْرَجَلِ وَ قَالَ السَّفْرَجَلُ يُحَسِّنُ الْوَجْهَ وَ يَجْمُ الْفُؤَادَ.

محمد بن مسلم گفت: امام صادق (ع) پسر بچه‌ای زیبا دیدند و فرمودند حتماً پدر و مادر این پسر به خورده‌اند، به صورت را زیبا می‌کند قلب را کامل می‌کند.

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص: ۵۴۹

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۳، ص: ۱۷۰ و ۱۷۷ / وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص: ۴۰۲ / الوافی، ج ۲۳، ص: ۱۳۱۱

<sup>۳۸</sup> ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ رَفَعَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِيَكُنْ أَوَّلُ مَا تَأْكُلُ النَّفْسَاءُ الرُّطْبَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ لِمَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَ هُزِّي إِلَيْكَ بِجِدْعِ

یک بنده خدایی طلبه شده بود، بعد از مدتی از طلبگی خارج شد. به او گفتم شما که آمده بودید طلبه شوید، چرا بیرون آمدید؟ گفت همین که استاد شش صیغه اول فعل ماضی ضرب را صرف کرد، مغزم سوت کشید و فهمیدم که من نمی‌توانم طلبه شوم. بعضی‌ها اینطوری هستند و برای کارهای دقیق و فکری حوصله ندارند.

آموزش نیازمند ظرفیت‌سازی اولیه و ظرفیت‌سازی اولیه در انحصار خانواده ۴/۴/۲۱/۷

بنابراین آموزش نیازمند ظرفیت‌سازی اولیه است و ظرفیت‌سازی اولیه دست خانواده است، دست مدرسه نیست که دائماً به دنبال ثبت نام بچه‌تان در مدرسه هستید. این یک اقدام برای ظرفیت‌سازی فرزندان که در اختیار خانواده است. من در حال تبیین ۵ اقدام ظرفیت‌ساز که منحصرأ در اختیار خانواده است هستم. البته روایات در این باب زیاد است که من همه آنها را نیاوردم.

توصیه اهل بیت علیهم السلام به دقت در برادران و خواهران همسر، هنگام انتخاب همسر؛ به عنوان عامل ۴/۴/۲۱/۸

#### تأثیرگذارتر از والدین در روحيات فرزندان

مجموعه‌ای از روایات داریم که مثلاً در مرحله انتخاب همسر روایتی هست که می‌فرماید هنگام انتخاب همسر، برادران و خواهرانش را هم دقت کنید تا به تعبیر روایت گل مزبله را انتخاب نکرده باشید، سپس حضرت استدلال می‌کنند، می‌فرماید که تأثیر دایی و خاله بیشتر از تأثیر شما و همسران است. یعنی اخلاق بچه‌ها به دایی‌ها و خاله‌هایشان شبیه‌تر است.<sup>۳۹</sup> بنابراین لازم است که خواهر و برادران همسر را هم بررسی کنید. هر چقدر هم فرزندان

التَّخْلَةَ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ طَبًا حَبِيئًا قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ إِثَانُ الرُّطْبِ قَالَ سَبَّحَ تَمْرَاتٍ مِنْ تَمْرَاتِ الْمَدِينَةِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَسَبَّحَ تَمْرَاتٍ مِنْ تَمْرٍ أَمْصَارُكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَالَ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَعَظَمَتِي وَازْتِفَاعِ مَكَانِي لَا تَأْكُلُ نَفْسَاءَ يَوْمَ تَلِدُ الرُّطْبُ فَيَكُونُ غُلَامًا إِلَّا كَانَ حَلِيمًا وَإِنْ كَانَتْ جَارِيَةً كَانَتْ حَلِيمَةً. از امام علی عليه السلام روایت است: پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: «اولین چیزی که زن نفساء می‌خورد، باید رُطْب باشد، زیرا خداوند عزوجل به مریم (دختر عمران) فرمود: وَهَرَى إِلَيْكَ بِجِدْعِ التَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ طَبًا حَبِيئًا؛ به آن حضرت گفته شد: «ای رسول خدا، اگر فصل رُطْب نبود؟!» فرمود: «هفت خرما از خرماهای شهر مدینه و اگر فصل آن نبود، هفت عدد خرما از خرماهای شهرهای‌تان! زیرا خداوند تبارک و تعالی فرمود: به عزت و جلال و عظمتم و به بلندای جایگاهم سوگند، زن زانو در روز زایمان رُطْب نخورد مگر اینکه اگر فرزندش پسر باشد حلیم و بردبار گردد و اگر دختر باشد نیز حلیم و بردبار می‌شود».

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص: ۵۳۵ / الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۲۲

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۳، ص: ۱۳۵ / بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۱، ص: ۱۱۶

ملاذ الأخبار فی فهم تهذیب الأخبار، ج ۱۲، ص: ۴۱۵ / تهذیب الأحکام (تحقیق خرسان)، ج ۷، ص: ۴۴۰ / الوافی، ج ۲۳، ص: ۱۳۱۲

مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۱، ص: ۴۰ / وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص: ۴۰۲ و ۴۰۳ / جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۶، ص: ۶۶۴

هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام، ج ۷، ص: ۳۱۱

<sup>۳۹</sup> **ارجاع پژوهشی:** عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ النَّبِيِّ ص اخْتَارُوا لِنُطْفِئِكُمْ فَإِنَّ الْخَالَ أَحَدُ الصَّحِيحَيْنِ. پیامبر اسلام ص فرمودند: برای نطفه‌های خودتان (زن خوب) انتخاب کنید؛ چرا که دایی یکی از دو ملازم است.

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۳۳۲

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص: ۴۷ / مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص: ۱۷۴

تهذیب الأحکام (تحقیق خرسان)، ج ۷، ص: ۴۰۲ / ملاذ الأخبار فی فهم تهذیب الأخبار، ج ۱۲، ص: ۳۲۸

را مدرسه تیزهوشان فرستاده باشید و کلی کتاب کنکور خریده باشید، در پاسخ شما خواهیم گفت که اصل کار دایی و خاله او بوده است. آگه آنها درست بودند که الحمدلله و اگر نبودند بدا به حال شما و فرزندتان. در این صورت یک پدر یا مادر هر کاری که می‌خواهد انجام بدهد، اگر خاله و دایی به یک سمتی رفتند در اکثر موارد بچه‌ها هم به همان سمت می‌روند، حتی گاهی وقت‌ها جهت تغییر پیدا نمی‌کند، ولی تأثیرات خاله و دایی در فرزندان شما تا آخر عمر آنها ماندگار است. اینها کارهای اصلی است که برای ظرفیت‌سازی باید انجام دهیم و دلیل اصلی آن هم محبت است و از آن جهت که مدیریت محبت مادر به سمت خانواده خودش است. ماهی یک بار طرف عمو و عمه می‌آید و بیشتر به سمت دایی و خاله عموماً خواهند رفت. تعبیر روایت در این بار خیلی تعبیر عجیبی ست می‌گوید آن قدری که پدر در نطفه تأثیر دارد، تأثیر دایی هم به همان میزان است. تأثیر دایی کأنه تأثیر پدر است. روایات خیلی روشنی در این مسأله وجود دارد.

۴/۴/۲/۱/۹ . استسقاء حدوداً چهارصد روایت ذیل مرحله ساخت ظرفیت اولیه شامل؛ انتخاب همسر، انعقاد نطفه، دوران

#### حمل

به همه این سه کار مرحله ساخت ظرفیت اولیه می‌گوییم. انتخاب همسر، انعقاد نطفه، دوران حمل. حدوداً سیصد یا چهارصد روایت در جمع بندی شان وجود دارد. خود این مرحله یک کتاب درسی مهم است و باید با پدر و مادرها صحبت کنیم. اینها باید مورد بحث قرار بگیرد.

---

الوافي، ج ۲۱، ص: ۴۳ / مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۰، ص: ۲۲  
هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج-۷، ص: ۱۰۳ / النوادر (لراندی)، ص: ۱۲

الْجَعْفَرِيَّاتُ، أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص اخْتَارُوا لِنُطْفِكُمْ فَإِنَّ الْخَالَ أَحَدُ الصَّحِيحَيْنِ.

امام علی ع فرمود که رسول خدا ص فرمودند: برای نطفه‌های خودتان (زن خوب) انتخاب کنید؛ چرا که دایی یکی از دو ملازم است.

مصدر اصلی: الجعفریات (الأشعثیات)، ص: ۹۰

۴/۴/۲/۲. هفت سال اول تولد فرزند؛ مرحله دوم (اقدام دوم) ظرفیت‌سازی فرزندان در خانواده به عنوان ساختار

### آموزش و پرورش جدید

۴/۴/۲/۲/۱. عدم ایجاد چالش برای اختیار فرزندان در هفت سال اول؛ محور ظرفیت‌سازی مرحله دوم در خانواده

مرحله دوم ظرفیت‌سازی شامل هفت سال اول تولد فرزند است. این مرحله خیلی مهم است. محور کار در این مرحله این است که اختیار فرزندان را در این مرحله به چالش نکشید. حضرت می‌فرمایند «الولد سید سبع السنین». <sup>۴۰</sup> در یک روایت دیگر آمده است که «الغلام یلعب سبع السنین» <sup>۴۱</sup> دو روایت در این باره وارد شده است، هم «سید سبع السنین» و هم «یلعب سبع السنین». روایتی که می‌فرماید «الغلام»، یلعب می‌گوید ولی روایت اول یعنی «الولد»، سید می‌گوید، یعنی به طور مطلق می‌گوید. به هر حال معنای جمع بین دو روایت این می‌شود که در هفت سال اول آقایی فرزندان را نباید به چالش بکشید، چه دختر باشد و چه پسر. در مورد پسرها خصوصاً نباید برای بازی‌شان چالش ایجاد کنید. بگذارید هر نوع بازی که می‌خواهند انجام بدهند.

۴/۴/۲/۲/۲. تقویت قدرت تصمیم‌گیری مهمترین ظرفیت قابل کسب؛ در هفت سال اول تولید فرزندان

اگر می‌خواهید شخصیت فرزندان محفوظ باشد و در منزلتان لوازم حساس دارید که نباید خراب بشوند، باید اینها را در منزل جمع‌آوری کنید و از دسترس فرزندان خارج کنید یعنی نمی‌شود که اثاث منزلتان را به قیمت به چالش

---

<sup>۴۰</sup> **ارجاع پژوهشی:** وَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: صَ الْوَلَدُ سَيِّدُ سَبْعِ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعِ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعِ سِنِينَ فَإِنْ رَضِيَتْ أَخْلَاقَهُ لِأَخْدَى وَ عَشْرِينَ وَ إِلَّا فَاضْرِبْ عَلَيَّ جَنْبِهِ فَقَدْ أَغْذَرْتَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : فرزند هفت سال سرور است، هفت سال نوکر و هفت سال وزیر و دستیار. اگر در بیست و یک سالگی از کمک کار بودن او راضی بودی که خوب و گر نه بر شانه او بزن (به حال خود رهاش کن) که تو درباره او نزد خداوند معذوری.

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۱، ص: ۹۵ / مکارم الأخلاق، ص: ۲۲۲ / وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص: ۴۷۶

هدایة الأئمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۷، ص: ۳۳۴

<sup>۴۱</sup> **ارجاع پژوهشی:** أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ.

امام صادق علیه السلام: پسر باید هفت سال بازی کند، هفت سال سواد بیاموزد و هفت سال حلال و حرام را یاد بگیرد.

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۴۷

منابع دیگر: الأصول الستة عشر (ط - دار الشبستری)، النص، ص: ۱۲۴ / هدایة الأئمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۷، ص: ۳۳۴

الوافي، ج ۲۳، ص: ۱۳۷۹ / مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۱، ص: ۸۲ / وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص: ۴۷۵

ملاذ الأخيار في فهم تهذيب الأخبار، ج ۱۳، ص: ۲۲۱ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۲، ص: ۵۱۲

تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان)، ج ۸، ص: ۱۱۱ / الأصول الستة عشر (ط - دار الشبستری)، النص، ص: ۱۲۴

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص: ۱۶۵ / مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۱، ص: ۸۲

کشیدن شخصیت فرزندان حفظ کنید. زیرا در این هفت سال بچه باید یاد بگیرد که تصمیم بگیرد، هیچ کسی هم نباید با او کار داشته باشد. به این شکل قدرت تصمیم‌گیری او بالا خواهد رفت. خیلی ظرفیت مهمی است. در حال حاضر با کسانی سر و کار داریم که قدرت تصمیم‌گیری ندارند. چون به هر چیزی دست زده‌اند، مادر روی دست‌شان زده است یا پدرشان به او اخم کرده است. ظهور کلمه سید، تصمیم‌گیر است. سیدالقوم یعنی رئیس قوم یعنی تصمیم‌گیرنده قوم. حضرت می‌فرمایند که هفت سال اول بگذارید فرزندان تصمیم بگیرد که فردا روزی مشکل تصمیم‌گیری پیدا نکند، زیرا به صورت طبیعی آدم‌ها تصمیم می‌گیرند. حالا اگر در هفت سال اول دائماً به او گفتید این کار رو نکن، نرو، نخور و... در او تردید ایجاد می‌شود و دیگر نمی‌تواند این کارها را انجام دهد، پس اگر خواستید که اثاث منزلتان را حفظ کنید، اثاث منزلتان را مدیریت کنید. مثلاً اگر خیلی برای‌تان سخت است، وسایل شکستنی را از محیط منزل جمع‌آوری کنید، اگر جایی امنیت فرزندان به خطر می‌افتد، عامل خطرآفرین را از محیط منزل دور کنید. به عنوان مثال در منزل جایی سماور وجود دارد، سماور را از دسترس فرزندان خارج کنید و بگذارید که اساساً بچه تصمیم‌گیری کند.

توصیه اهل بیت علیهم السلام به آزاد گذاشتن فرزندان بسر در هفت سال اول برای بازی کردن ۴/۴/۲/۳.

در مورد پسر بچه هم حضرت با تأکیدی می‌فرماید که بازی را از او نگیرید. زیرا خداوند بچه را خصوصاً پسر بچه‌ها را طوری آفریده است که باید بگذارید فقط بازی کند.<sup>۴۲</sup> بحث بازی کودکان هم که خودش دنیایی دارد.

تأکید بر آثار بازی پسر بچه‌ها با خاک در روایات اهل بیت علیهم السلام؛ به عنوان ارتقاء سلامت و آشنایی ۴/۴/۲/۴.

با ایده‌های عرفانی و نگاه‌های فلسفی

اینکه با چه چیزی بازی کند، حضرت می‌فرماید بگذارید که خاک بازی کند.<sup>۴۳</sup> زیرا هم آثار سلامت دارد و ایده‌های عرفانی و نگاه‌های فلسفی دارد. اگر فرزندان در حال بازی با خاک است، باید به او بگویید که همه عالم و آدم از این خاک خلق شده‌اند یعنی به محوریت چیزی که با آن بازی می‌کنند می‌شود با کودکان حرف زد.

۴۲. ارجاع پژوهشی: همان

۴۳. ارجاع پژوهشی: قال رسول الله صلي الله عليه وآله: إِنَّ التُّرَابَ رِيعُ الصَّبِيَانِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: همانا خاک، تفریحگاه کودکان است.

منبع: المعجم الكبير: ج ۶ ص ۱۶۰ ح ۵۷۷۵ عن سهل بن سعد / كنز العمال: ج ۱۶ ص ۴۵۸ ح ۴۵۴۳

أَحَبُّ الصَّبِيَانِ لِحَمْسٍ: الْأَوَّلُ: أَنَّهُمْ هُمُ الْبُكَاءُونَ، وَالثَّانِي: يَمْرَغُونَ بِالتُّرَابِ، وَالثَّلَاثُ: يَخْتَصِمُونَ مِنْ غَيْرِ حَقْدٍ، وَالرَّابِعُ: لَا يَدْخِرُونَ لَعَدِ شَيْئًا، وَالْخَامِسُ: يُعَمَّرُونَ ثُمَّ يُحَرَّبُونَ.

پیامبر خدا ﷺ: کودکان را به خاطر پنج چیز دوست می‌دارم: اول آن که بسیار می‌گریند؛ دوم آن که با خاک بازی می‌کنند؛ سوم آن که بدون کینه دشمنی می‌کنند؛ چهارم آن که چیزی برای فردا ذخیره نمی‌کنند؛ پنجم آن که می‌سازند و سپس، خراب می‌کنند.

### بیشتر خانواده

بازی با حیوانات خانگی مثلاً برای کودکان کبوتر، خروس بخريد. وقتی که کبوتران شما تخم میگذارند، بچه‌های شما شاد می‌شوند و به عنوان خبر اول خبرگزاری خانه شما به همه فامیل مخابره می‌کنند و کلی داستان در خانه شما درست می‌شود، این خیلی مهم است که پدر و مادر عرضه داشته باشند و با بازی برای فرزندشان داستان بسازند. بعد می‌شود کلی اطلاعات هم حول این بازی به بچه‌ها منتقل کرد. خصوصاً اینکه کبوتر و خروس، خصوصاً خروس سفید هر دو اجنه را از منازل دور می‌کنند،<sup>۴۴</sup> بنابراین آرامش روحی و روانی بیشتری بر خانواده شما حاکم خواهد شد. بنابراین بازی بازوی ساخت شخصیت کودکان است. پدر و مادر با بازوی بازی شخصیت فرزندشان را

منبع: المواعظ العددية: ص ۲۵۹

۴۴. **ارجاع پژوهشی:** وَ فِي تَرْجَمَةِ الرَّايِ عَنِ ابْنِ كَثِيرٍ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ أَنَسِ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ الدِّيَكُ الْأَبْيَضُ الْأَفْرَقُ حَبِيبِي وَ حَبِيبُ جَبْرِئِيلَ يَحْرُسُ بَيْتَهُ وَ سِتَّةَ عَشَرَ بَيْتًا مِنْ جِيرَانِهِ.

آنس از رسول خدا ص روایت می‌کند که می‌فرمود: خروس سفید یالدار دوست منست و دوست دوستم جبرئیل و خانه خود و ۱۶ خانه همسایه را نگه می‌دارد.

منبع: بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۶۲، ص: ۷ / مكارم الأخلاق، ص: ۱۳۰ / مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۸، ص: ۲۸۸

قُرْبُ الْإِسْنَادِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: كَانُوا يُحِبُّونَ أَنْ يَكُونَ فِي الْبَيْتِ الشَّيْءُ الدَّاجِحُ مِثْلَ الْحَمَامِ وَ الدَّجَاجِ أَوْ الْعَنَاقِ لِيُعَبَّتْ بِهِ صِبْيَانُ الْجَنِّ وَ لَا يُعْبَتُونَ بِصِبْيَانِهِمْ

در قرب الاسناد بسندش از امام باقر علیه السلام که دوست داشتند در خانه يك جانور اهلی باشد چون کبوتر، مرغ و بزغاله تا کودکان پری با آنها بازی کنند و با کودکانشان بازی نکنند.

مصدر اصلی: قرب الإسناد (ط - الحديثة)، النص، ص: ۹۳

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۶۲، ص: ۱ و ج ۶۰، ص: ۷۴ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۵، ص: ۱۲۸

وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص: ۵۲۴

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع الْحَمَامُ طَيْرٌ مِنْ طُيُورِ الْأَنْبِيَاءِ ع - النَّبِيِّ كَانُوا يُمَسْكُونَ فِي بُيُوتِهِمْ وَ لَيْسَ مِنْ بَيْتٍ فِيهِ حَمَامٌ إِلَّا لَمْ تُصَبْ أَهْلٌ ذَلِكَ الْبَيْتِ أَفْءٌ مِنَ الْجِنِّ إِنَّ سُفْهَاءَ الْجِنِّ يُعْبَتُونَ فِي الْبَيْتِ فَيُعْبَتُونَ بِالْحَمَامِ وَ يَدْعُونَ النَّاسَ قَالَ فَرَأَيْتُمْ فِي بُيُوتِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع حَمَامًا لِأَبْنِهِ إِسْمَاعِيلَ.

ابو سلمه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: کبوتر، یکی از پرندگان پیامبران علیهم السلام است که در خانه‌های خود نگه می‌داشتند. خانه‌ای که در آن کبوتر باشد به افراد این خانواده آسیبی از جانب جنیان نخواهد رسید. به راستی که جنیان نادان در خانه‌ها بازی می‌کنند. از این رو آنان با کبوتر بازی می‌کنند و انسان را رها می‌نمایند. ابو سلمه گوید: من در خانه امام صادق علیه السلام کبوتری دیدم که از آن اسماعیل علیه السلام پسر آن حضرت بود.

مصدر اصلی: الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۵۴۷

منابع دیگر: مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۲، ص: ۶۶۸ / الوافي، ج ۲۰، ص: ۸۵۵ / بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۶۲، ص: ۱۸

وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص: ۵۱۵

می‌سازند. این در حالی است که بعضی از پدر و مادرها در همان هفت سالگی اول‌فرزندان را در سنین خردسالی به مهدکودک‌ها می‌برند و نگهداری آنها را به مربیان مهدکودک‌ها می‌سپارند یا از بازی منع‌شان می‌کنند.

۴/۴/۲/۳. هفت سال دوم تولد فرزند؛ مرحله سوم ظرفیت‌سازی فرزندان در خانواده به عنوان ساختار آموزش و

### پرورش جدید

آموزش اطاعت و فرمان‌پذیری به فرزندان در هفت سال دوم؛ توصیه نبی مکرم اسلام ص ۴/۴/۲/۳/۱.

هفت سال دوم، مرحله سوم ظرفیت‌سازی فرزندان است. حضرت می‌فرماید «الولد غلامٌ سبع السنین». در هفت سال اول قدرت تصمیم‌گیری به فرزندتان یاد دادید. در هفت سال دوم حرف‌گوش کردن و اطاعت کردن به او یاد بدهید. زیرا آدم در زندگی هر دوی اینها را احتیاج دارد، یک جاهایی باید اطاعت کند و یک جاهایی باید تصمیم بگیرد. دختر و پسر هم ندارد. آنجا که باید بگوید چشم نباید سختش باشد. لذا نبی مکرم اسلام ﷺ فرموده‌اند که هفت سال به فرزندتان حرف‌گوش کردن و اطاعت کردن را آموزش بدهید.<sup>۴۵</sup> همان مقدار که تصمیم‌گیری مهم است و نمی‌شود حذفش کرد، اطاعت کردن هم مهم است. اینها اقدامات ظرفیت‌ساز هستند. محیط کار نیاز به اطاعت دارد. تدریس و تدارس هم همین‌طور است. گاهی وقت‌ها نیاز است به همسران‌شان چشم بگویند. بنابراین باید دخترها و پسرهای هفت سال به آرامی اطاعت کردن را آموزش بدهید.

آموزش اطاعت پذیری، آشنایی با مفهوم اذن، انجام جداسازی جای خواب دختر از پسر؛ از جمله ۴/۴/۲/۳/۲.

### توصیه‌های اهل بیت علیهم السلام در هفت سال دوم

اساساً دلیل طولانی مدت بودن زمان تربیت به مدت هفت سال برای این است که به آرامی فرد با این خصلت خو بگیرد و پخته شود. آدم‌ها این خصلت‌ها را با سرعت یاد نخواهند گرفت. هفت سال وقت دارید که به فرزندتان یاد بدهید که باید اطاعت کند. در اینجا مفهوم اذن هم وجود دارد. مفهوم جداسازی جای خواب دختر و پسر هم در هفت سال دوم است، ولی در یک روایت درونی آن را بحث می‌کند، مثلاً در روایت هست که وقتی فرزندتان ۱۰ ساله

---

<sup>۴۵</sup>. ارجاع پژوهشی: وَ قَالَ النَّبِيُّ ص الْوَلَدُ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ رَضِيَتْ أَخْلَاقُهُ لِأَحَدٍ وَ عَشْرِينَ وَ إِلَّا فَاضْرِبْ عَلَيَّ جَنْبِهِ فَقَدْ أَغْذَرْتَ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى.

یامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرزند هفت سال سرور است، هفت سال نوکر و هفت سال وزیر و دستیار. اگر در بیست و یک سالگی از کمک کار بودن او راضی بودی که خوب و گر نه بر شانه او بزن (به حال خود رهاش کن) که تو درباره او نزد خداوند معذوری.

منابع روایت: مکارم الأخلاق، ص: ۲۲۲ / وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص: ۴۷۶ / هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام، ج ۷، ص: ۳۳۴

بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۱، ص: ۹۵ / سفینة البحار، ج ۸، ص: ۵۸۰

شدند جای خواب دخترها و پسرها را از هم جدا کنید.<sup>۴۶</sup> در مصادیق مختلف، احکامش متفاوت است و باید به صورت امری هم باشد. یعنی باید به آنها امر کنید ولی نه به این معنا که دعوا راه بیندازید یعنی با ملاطفت باشد ولی حالت امری را نباید از بین ببرید مثلاً بگویید بابا جان من صلاح میدانم این کار را برو انجام بده. یا برای ورود به اتاق خصوصی پدر و مادر در وقت ظهر و شب، باید اذن دخول بگیرند. قرآن می‌فرماید که در آن وقتی که پدر و مادر لباس عادی به تن ندارند، فرزند برای ورود به اتاق آنها باید اذن بگیرد.<sup>۴۷</sup> یک مسأله مهم دیگری که هست این است که مادرها وقتی سر قضیه اذن با شوهرشان چالش ایجاد نمی‌کنند، بچه‌هایشان اطاعت کردن را بهتر یاد می‌گیرند. وقتی با برخی از مدیران جمهوری اسلامی گفتگو می‌کنیم، بعضی‌هایشان این طوری هستند که عادت نکرده‌اند که حرف حق را قبول کنند. زیرا خودشان این حرف را مطرح نکرده‌اند، لذا سخت است که قبول کنند.

امر پدر به کتابت قرآن توسط فرزندان بعد از آموزش الفبا؛ یکی دیگر از توصیه‌های اهل بیت علیهم السلام ۴/۴/۲/۳.

#### برای فهم بهتر قرآن

در بعضی از روایات دیگر آمده است که تعلیم کتاب را هم در دستور کار قرار دهید.<sup>۴۸</sup> البته بعداً بحث خواهیم کرد وقتی که پرونده اجتهاد برای کودکان را مطرح کردیم به صورت مفصل شرح خواهیم داد. تعلیم کتاب از طریق کتابت

<sup>۴۶</sup> **ارجاع پژوهشی:** رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَيْمُونٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الصَّبِيُّ وَ الصَّبِيَّةُ وَ الصَّبِيَّةُ وَ الصَّبِيَّةُ يَفْرَقُ بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ لِعَشْرِ سِنِينَ.

امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود: پسر و پسر و دختر و دختر و دختر، باید از ده سالگی بستر آنها جدا شود.

مصدر اصلی: من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص: ۴۳۶

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص: ۲۳۱ / بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۱، ص: ۹۶ / وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص: ۴۶۰

مکارم الأخلاق، ص: ۲۲۳ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج-۷، ص: ۹۴ / الوافي، ج ۲۳، ص: ۱۳۸۰

جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۵، ص: ۷۴۰ / ملاذ الأخيار في فهم تهذيب الأخبار، ج ۱۵، ص: ۶۳

<sup>۴۷</sup> **ارجاع پژوهشی:** يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَتْ أَدْنُكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَصْعُونَ فِي آبَائِكُمْ مِنْ الظُّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

ای اهل ایمان! باید بردگانتان و کسانی از شما که به مرز بلوغ نرسیده اند [هنگام ورود به خلوت خانه شخصی شما] سه بار [در سه زمان] از شما اجازه بگیرند، پیش از نماز صبح، و هنگام [استراحت] نیم روز که جامه هایتان را کنار می‌نهد، و پس از نماز عشا؛ [این زمان‌ها] سه زمان خلوت شماست، بعد از این سه زمان بر شما و آنان گناهی نیست [که بدون اجازه وارد شوند؛ زیرا آنان] همواره نزد شما در رفت و آمدند و با یکدیگر نشست و برخاست دارید این گونه خدا آیاتش را برای شما بیان می‌کند، و خدا دانا و حکیم است.

منبع: آیه ۵۸ سوره مبارکه نور، ترجمه انصاریان

<sup>۴۸</sup> **ارجاع پژوهشی:** أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَنَسِ بْنِ شَبَابَةَ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْعُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ.

قرآن است.<sup>۴۹</sup> بعد از اینکه حروف الفبا را یاد دادید بگذارید بچه‌هایتان قرآن را بنویسند. خیلی روایت داریم راجع به اینکه قرآن را خودتان بنویسید.<sup>۵۰</sup> بعضی‌ها اشکال می‌کنند که در دوران مدرنیته الحمدلله قرآن‌ها در دسترس هست و نیازی به کتابت قرآن توسط همه نیست. وقتی کسی ساده‌اندیش باشد خیلی خوشحال می‌شود که چاپ کتاب

---

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: طفل هفت سال بازی کند، هفت سال خواندن و نوشتن بیاموزد، هفت سال حلال و حرام (احکام الهی) را یاد بگیرد.

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۴۷

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص: ۴۷۴ تا ۴۷۵ / الوافی، ج ۲۳، ص: ۱۳۷۹ / مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۱، ص: ۸۲

هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام، ج-۷، ص: ۳۳۴ / جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۲، ص: ۵۱۲

جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۲، ص: ۵۱۲ / تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ج ۸، ص: ۱۱۱

عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ جُمُهورٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ السَّكُونِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ وَأَنَا مَعْمُومٌ مَكْرُوبٌ فَقَالَ لِي يَا سَكُونِيُّ مِمَّا عَمَّكَ قُلْتُ وُلِدْتُ لِي ابْنَةٌ فَقَالَ يَا سَكُونِيُّ عَلَى الْأَرْضِ ثِقَلُهَا وَعَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا تَعِيشُ فِي غَيْرِ أَجْلِكَ وَتَأْكُلُ مِنْ غَيْرِ رِزْقِكَ فَسَرَى وَاللَّهِ عَنِّي فَقَالَ لِي مَا سَمَّيْتَهَا قُلْتُ فَاطِمَةَ قَالَ أَوْهَى ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى جَبْهَتِهِ فَقَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَتَّى الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ إِذَا كَانَ ذَكَرًا أَنْ يَسْتَفْرَهُ أُمُّهُ وَيَسْتَحْسِنَ اسْمَهُ وَيَعْلَمُهُ كِتَابَ اللَّهِ وَيُطَهِّرُهُ وَيَعْلَمُهُ السَّبَاحَةَ وَإِذَا كَانَتْ أُنْثَى أَنْ يَسْتَفْرَهُ أُمُّهَا وَيَسْتَحْسِنَ اسْمَهَا وَيَعْلَمُهَا سُورَةَ التَّوْرِ وَلَا يَعْلَمُهَا سُورَةَ يُوسُفَ وَلَا يُنْزِلُهَا الْغُرْفَ وَيُعَجِّلُ سَرَاحَهَا إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا أَمَّا إِذَا سَمَّيْتَهَا فَاطِمَةَ فَلَا تُسَبِّهَا وَلَا تَلْعَنُهَا وَلَا تُضْرِبُهَا.

سکونی گوید: روزی با اندوه خدمت امام صادق علیه السلام شرف‌یاب شدم، فرمود: ای سکونی! چرا اندوهگین هستی؟ عرض کردم: دختری برایم متولد شده است. فرمود: ای سکونی! سنگینی دخترت بر زمین و روزی او به عهده خداوند است؛ او در غیر زندگی تو زندگی می‌کند و جز روزی تو بهره می‌برد. سکونی گوید: به خدا سوگند! سخن حضرتش غم را از من زدود. آن‌گاه فرمود: نام او را چه گذاشته‌ای؟ عرض کردم: فاطمه. آن حضرت به یاد مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام افتاد و فرمود: آه! آه. سپس دست مبارک را بر پیشانی گذاشت و فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حق فرزند پسر بر پدرش این‌گونه است که برای او، مادر زیرک و با شرافتی انتخاب کند، برایش نام زیبایی بگذارد، به او قرآن بیاموزد، او را ختنه کند و بر او شنا آموزش دهد. و برای فرزند دختر، مادر زیرک برگزیند، برایش نام زیبایی انتخاب کند، به او سوره نور بیاموزد، سوره یوسف را نیاموزد و او را در طبقه فوقانی خانه جای ندهد و در فرستادن او به خانه شوهرش شتاب کند.

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۴۸ تا ۴۹

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۳، ص: ۱۳۸۲ / مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۱، ص: ۸۵ / تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ج ۸، ص: ۱۱۲

وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص: ۴۸۲ / ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، ج ۱۳، ص: ۲۲۴ / جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۶، ص: ۶۵۸

<sup>۴۹</sup>. **ارجاع پژوهشی:** وَ قَالَ ص قَبِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: علم را با نوشتن به دست بیاورید.

منبع: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۴، ص: ۱۳۹

<sup>۵۰</sup>. **ارجاع پژوهشی:** الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ اكْتُبُوا فَإِنَّكُمْ لَا تَحْفَظُونَ حَتَّى تَكْتُبُوا

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که ایشان می‌فرمودند: بنویسید، تا ننویسید، نمی‌توانید حفظ کنید.

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۵۲

منابع دیگر: الوافی، ج ۱، ص: ۲۳۵ / وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص: ۸۱ / مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱، ص: ۱۸۰

خیلی کارها را تسریع کرده است. اما وقتی دقت شود متوجه می‌شویم که در صورت استنساخ قرآن توسط افراد، با هر استنساخ در واقع قرآن را در وجود خودشان چاپ می‌کنند. ای کاش شرایط طوری باشد که آقایان طلبه‌ها یک بار قرآن را استنساخ کنند. اگر فقط یک بار کل قرآن را استنساخ کنید، متوجه خواهید شد که قرآن را بیشتر می‌فهمید. غرض ما هم فهم قرآن است و اگر با استنساخ دستی فهم بیشتری حاصل می‌شود، پس چرا ما از این روش استفاده نکنیم. مجموعه‌ای از روایات داریم که خودتان از روی قرآن رونویسی کنید، دربارۀ فوائدش مجموعه‌ای از روایات هست.<sup>۵۱</sup> دربارۀ فرزندان تان هم همین کار را انجام دهید. پس شد تعلیم از طریق کتابت، این هم یک سرفصل است. حالا هفت سال دوم یک ریزه کاری‌های دیگری هم دارد. از این طریق شما خواندن و نوشتن عربی را به فرزندان یاد داده اید. چه فایده‌هایی دارد؟ یکی از فوایدش این است که از همان اول یاد می‌گیرد عربی بخواند و بنویسد و با اصلی‌ترین کتاب علمی عالم ارتباط بگیرد. این خودش یک ظرفیت است. این در حالیکه بسیاری از طلبه‌های ما باید هنگام مراجعه به قرآن ترجمه کنارشان باشد. بنابراین این مسأله ظرفیت‌ساز است

۴/۲/۴. هفت سال سوم تولد فرزندان؛ چهارمین اقدام ظرفیت‌ساز برای فرزندان در خانواده به عنوان ساختار

#### آموزش و پرورش جدید

آموزش مشاوره دادن و مشاوره گرفتن؛ موضوع اصلی هفت سال سوم در خانواده ۴/۲/۴/۱.

هفت سال سوم حضرت می‌فرمایند: «الولد وزیر سبع السنین»<sup>۵۲</sup> می‌گوید از او سؤال بپرسید و بگذارید او جواب بدهد، وظیفه وزیر برای پادشاه همین است. موضوع وزارت در واقع موضوع مشاوره است. پادشاه همیشه سؤالی می‌پرسد و وزیر باید برود فکر کند و پاسخ آن سؤال را بیاورد. آدم‌ها در هفت سال سوم یاد می‌گیرند که فکر دیگران را به فکر خودشان اضافه کنند. این هم یک ظرفیت بسیار مهم است. تکنولوژی این کار هم مشورت گرفتن است.

<sup>۵۱</sup>. همان

<sup>۵۲</sup>. **ارجاع پژوهشی:** وَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: صَ الْوَلَدُ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ رَضِيَتْ أَخْلَاقُهُ لِأَحَدِي وَ عَشْرِينَ وَ إِلَّا فَاصْرَبْ عَلَيَّ جَنْبِهِ فَقَدْ أَعْدَرْتُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : فرزند هفت سال سرور است، هفت سال نوکر و هفت سال وزیر و دستیار. اگر در بیست و یک سالگی از کمک کار بودن او راضی بودی که خوب و گرنه بر شانه او بزن (به حال خود رهاش کن) که تو درباره او نزد خداوند معذوری.

منابع روایت: مکارم الأخلاق، ص: ۲۲۲ / وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص: ۴۷۶ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج-۷، ص: ۳۳۴

بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۱، ص: ۹۵ / سفينة البحار، ج ۸، ص: ۵۸۰

توصیه امام معصوم علیه السلام به آموزش روش مشورت کردن و مشورت دادن؛ به معنی روش اضافه کردن فکر دیگران به فکر خود . ۴/۴/۲/۴/۲

در این روایاتی که خوانده شد، امام معصوم علیه السلام عمدتاً در حال بیان روش هستند. این روایات درباره روش تصمیم‌گیری، روش اطاعت کردن است. مشورت هم به معنی روش اضافه کردن فکر دیگران به خودتان است. امام معصوم مشورت را به اضافه کردن فکر دیگران به خودتان تعریف می‌کند.<sup>۵۳</sup>

ایجاد تبادل علمی گسترده در جامعه و بی‌نیازی از معاونت‌های پژوهش؛ در صورت مواظبت پدرها بر آموزش مشورت به فرزندان در هفت سال سوم . ۴/۴/۲/۴/۳

اگر پدرها در هفت سال سوم مواظبت کنند که فرزندان‌شان مشورت کردن را یاد بگیرند، تبادل علمی گسترده در جامعه ایجاد خواهد شد. در این صورت که دیگر نیاز به معاونت پژوهش ندارید. زیرا همه آدم‌ها روش پژوهش کردن را یاد می‌گیرند.

سؤال پرسیدن؛ روش خاص و تکنولوژی مشورت کردن . ۴/۴/۲/۴/۴

در اینجا روایات مشورت خیلی کمک می‌کند، زیرا مشورت کردن تکنولوژی و روش خاص خودش را دارد. عمده این روش و تکنولوژی هم این است که سؤال محور است، به عنوان مثال از فرزندان بپرسید که امروز مهمان داریم، چطوری پذیرایی کنیم، مهمان‌ها چه چیزی دوست دارند؟ فکر فرزندان را به کارگیری کنید که یک مهمانی خوب تولید شود. به عنوان مثال اگر در منزلتان باغچه دارید، فکر فرزندان‌تان را به کارگیری کنید که چه چیزی توی باغچه خانه بکارید بهتر است. البته باید این مباحث دقیق‌تر گفتگو و بحث شود. باید ۱۲ موضوع مهم را از فرزندان مشورت بگیرید، یکی از آنها پذیرایی از مهمان‌هاست. مشورت گرفتن در این موضوع از فرزندان بسیار مهم است.

ضرورت پرسش‌های مشورتی در هفت سال سوم توسط والدین حتی در صورت ازدواج فرزندان؛ پاسخ به شبهه مقدر . ۴/۴/۲/۴/۵

اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا این روایات با روایاتی که می‌گوید فرزندان‌تان زود ازدواج کنند<sup>۵۴</sup> در تعارض نیست، زیرا در هفت سال سوم، اگر طبق فرهنگ اسلام عمل کرده باشیم، ممکن است بچه ازدواج کرده باشد. پاسخ

<sup>۵۳</sup> . ارجاع پژوهشی: وَ قَالَ عَ مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَاوَرَهَا فِي عُقُولِهَا

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: کسی که با بزرگان و صاحب‌نظران مشورت کند، در حقیقت او با عقل و درایت آنها مشارکت نموده است.

منبع: نهج البلاغه (للصباحي صالح)، ص: ۵۰۰ / وسائل الشيعة، ج ۱۲، ص: ۴۰ / بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۷۲، ص: ۱۰۴

<sup>۵۴</sup> . ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ لَا تَطْمَتَ ابْنَتُهُ فِي بَيْتِهِ

این است که اولاً در روزگار ما که به این روایات ازدواج در سن پایین عمل نمی‌شود و تا سنین بالا در خدمت فرزندان‌تان هستید و لذا مشکلی پیش نخواهد آمد. اگر هم فرزند شما زود ازدواج کرد معنای روایت این است که پدر وظیفه‌اش را نباید فراموش کند. بنابراین اگرچه فرزندان ممکن است در هفت سال سوم ازدواج کرده باشد، باید به صورت تلفنی یا حضوری از او مشورت بگیرید. در هفت سال سوم، پدر و مادر باید از فرزندان‌شان سؤالات مشورتی بپرسند. به دلیل ارتباط عاطفی شدید بین والدین و فرزندان، فرزند به سؤال پدر و مادر جواب منفی نمیدهد.

عدم امکان واگذاری مسئولیت پدر و مادر در هفت سال سوم به دیگران؛ به دلیل وجود روابط عاطفی بین

#### والدین و فرزندان به عنوان ضمانت اجرای این آموزش

بنابراین اگر این کار را به هر نهادی دیگری جز خانواده و والدین بسپاریم، بسیار محتمل است که پاسخ به این سؤالات را نپذیرند. انسان‌های ساده‌اندیش می‌گویند که یک نهاد پژوهشی در حوزه یا دانشگاه راه‌اندازی می‌کنیم و این سؤالات را از دانشجویان و طلاب خواهند پرسید. در جواب خواهیم گفت چه ضمانتی وجود دارد که دانشجوی یا طلبه به این سؤالات پاسخ بدهد. اگر طرحی ارائه می‌دهید باید ضمانت اجرایی آن طرح هم دیده شود. در نهاد خانواده ضمانت اجرایی این اقدام ظرفیت‌ساز در هفت سال سوم روابط عاطفی والدین و فرزندان است. باید اینها را با هم تصور کنید. ما جمع دلالی کرده‌ایم. هفت سال به بچه‌ات بیاموز که تصمیم بگیرد، هفت سال دوم اطاعت‌پذیری و إذن و اجازه را تعلیم دهید و هفت سال سوم هم مشورت کردن را به آنان آموزش دهید. در صورت تحقق همه مراحل ظرفیت‌ساز گفته شده، در آینده فرزند شما دانشمند خواهد شد. زیرا به او آموخته‌اید که به موقع تصمیم بگیرد و به موقع اطاعت‌پذیر باشد و به وقتش می‌داند که چگونه اندیشه دیگران را در اندیشه خود ضرب کند.

هفت سال چهارم تولد فرزند؛ پنجمین اقدام ظرفیت‌ساز فرزندان در خانواده به عنوان ساختار آموزش و

#### پرورش جدید

خودارزیایی موضوع اصلی، هفت سال چهارم؛ به عنوان آخرین اقدام ظرفیت‌ساز توسط خانواده

از ۲۱ سالگی به بعد هم روایاتی وجود دارد که خیلی مورد توجه واقع نشده است. حضرت می‌فرمایند؛ مهمترین کار ظرفیت‌ساز از ۲۱ سالگی تا ۴۰ سالگی خودارزیایی است. یعنی باید به فرزندت بگویی که تا کنون ما زحمت شما را کشیده ایم، اما از حالا به بعد شبها خودت یک ورقه بردار و خودت را ارزیابی کن. اختیار نفس از ۲۱ سالگی تا ۴۰

---

احمد بن محمد بن عیسی از شخصی نقل می‌کند که گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: از سعادت انسان آن است که دخترش در خانه او خون حیض نبیند.

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۳۳۶

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص: ۶۱ / مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۰، ص: ۲۹ / الوافی، ج ۲۱، ص: ۷۵

جامع احادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۵، ص: ۱۱۰ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۷-۷، ص: ۷۰ / مکارم الأخلاق، ص: ۲۱۹

سالگی به عهده خود آدم‌هاست. حالا تکلیف کسانی که سن شان از ۴۰ سالگی رد شده و هیچ کدام از این کارها را نکرده‌اند چیست؟ به همین دلیل است که می‌گوییم که مدرنیته نسل سوخته به جا می‌گذارد. پدر و مادرهای ما آدم‌های خوبی بوده‌اند. چند وقت پیش با کسی صحبت می‌کردم، ایشان می‌گفت که پدر بزرگ ما می‌گفت در زمان رضاخان منطقه ما امنیت به هم خورده بود و غارت زیاد شده بود، به همین دلیل کسی را به عنوان همسر انتخاب کرده بود که پدرش فرد قدرتمندی بود. پس غرض ایشان از این ازدواج انتخاب مادر نبوده بلکه اساساً تأمین امنیت بوده است. زیرا کسی برای آنها روایات و آیات را نمی‌خوانده است و همه شان با همین چیزهای عرفی بزرگ شده‌اند. زمان‌ها و مکان‌های انعقاد نطفه، مواظبت‌های تغذیه‌ای و ... اساساً بحث نمی‌شده است، هفت سال اول، دوم و سوم هم همه‌اش باید اطاعت می‌کردند و چشم می‌گفتند. البته به لطف خدای متعال همگی ما امیدواریم. اما نکته این است که باید اینها را به مردم آموزش داد.

تعبیر "مراحل رشد" به پنج اقدام ظرفیت‌ساز؛ در مقابل مراحل رشد پیراژه ۴/۴/۲/۵/۲

من استدلال کرده‌ام و این مراحل رشد را در مقابل مراحل رشد پیراژه<sup>۵۵</sup> که خیلی معروف است نوشته‌ام. ایشان یک مراحل رشدی نوشته است، بنده هم در روایات که مطالعه کرد، دیدم که مراحل رشد آن چیزی که ایشان نوشته‌اند نیست.

ارتقاء ظرفیت علمی فرزندان مشروط به مراحل رشد پنج مرحله‌ای؛ ایجاد ظرفیت‌های اولیه، آموزش ۴/۴/۲/۵/۳

قدرت تصمیم‌گیری، اطاعت‌پذیری، مشورت و خودارزیابی

مراحل رشد پنج مرحله است، ۱. ظرفیت‌های اولیه، ۲. آموزش قدرت تصمیم‌گیری، ۳. تعلیم قدرت اطاعت‌پذیری، ۴. آموزش مشورت و ۵. یاد دادن خودارزیابی. این پنج مرحله را پدر و مادرها باید در حق فرزندان‌شان تأمین کنند، اگر این کار را انجام دادید، ظرفیت علمی فرزندان‌تان هم بالا خواهد آمد.

معرفی نهاد خانواده به عنوان نهاد اصلی متفکّل آموزش در آموزش و پرورش پیشنهادی جدید ۴/۴/۲/۵/۴

پس نهاد اصلی متکفل آموزش نهاد خانواده است و نه سیستم آموزشی. این هم از روش آموزش و پرورش جدید پیشنهادی است. بنابراین روش دیگر نمره نیست. اولاً بچه‌هایتان را مدرسه نفرستید، اگر هم فرستادید لااقل خودتان اهرم نمره آوردن فرزندان‌تان نشوید. اتفاقاً من پیشنهاد می‌کنم که به نمره پایین فرزندان جایزه بدهید. زیرا نمره تبدیل به دغدغه اصلی فرزند شما تبدیل شده است، آن هم در طول ۱۶ هزار ساعت آموزش. من خودم به بچه‌هایم درس

<sup>۵۵</sup>. ژان پیاژه، روان‌شناس سوئیسی، در سال ۱۸۹۶ میلادی (۱۲۷۵ خورشیدی) به دنیا آمد. او ابتدا در حوزه زیست‌شناسی و فلسفه تحصیل کرد، اما به‌تدریج به روان‌شناسی روی آورد. شهرت پیاژه حاصل نظریه رشد شناختی اوست.

می‌دهم و البته یک جمعی از مؤمنین هم در حال انجام این کار هستند.<sup>۵۶</sup> این مصیبت بزرگی است که ۱۶ هزار ساعت درباره اینکه ۱۸ می‌گیرد یا ۱۹ فکر کند. آخرش که چه بشود؟ چرا اینقدر در حق فرزندان مان ظلم می‌کنیم، دغدغه اصلی که نباید اینها باشد. دغدغه‌های اصلی را نبی مکرم اسلام ﷺ به ما یاد داده‌اند. البته اختیار با خودتان است اگر می‌خواهید که فرزندان‌تان شاگرد بیکن باقی بماند، همان کارهای قبلی را ادامه بدهید، اگر می‌خواهید شاگرد امام صادق علیه السلام بشوند مسیر دیگری را باید طراحی و اجرا کنید.

#### ۴/۵. چستی محتوای آموزشی در آموزش و پرورش مطلوب؛ به عنوان چهارمین و آخرین بحث

##### ۴/۵/۱. تقدم و اهمیت روش آموزش و پرورش جدید نسبت به محتوای آن

اما مسأله آخر در نظام آموزشی و سؤال چهارم این است که چه محتوایی را به فرزندان مان آموزش بدهیم؟ نظام آموزش و پرورش جدید یا همان نظام‌سازی آموزشی برای خانواده و جمعیت باید یک محتوایی را آموزش بدهد. سه دسته درس باید به فرزندان مان آموزش بدهیم.

##### ۴/۵/۲. تعریف روش آموزش و پرورش جدید به مراحل پنج گانه رشد فرزندان

روش همان است که گفتیم که فرزند شما باید قدرت تصمیم‌گیری، اطاعت‌پذیری، مشورت و خودارزیابی داشته باشد، لذا اگر علمی هم به او می‌آموزید، درباره آن علمی که آموخته است تصمیم می‌گیرد. ولی الان به او علم هم می‌دهید ولی نمی‌تواند تصمیم بگیرد. الان وضع جامعه اینگونه است، می‌گویند به فرزندان‌تان قدرت نه گفتن را بیاموزید تا به مواد مخدر و همه مفاسد نه بگویند. الان این قدر آدم‌ها حداقلی فکر می‌کنند. اما یک وقتی شما شاگرد امام صادق علیه السلام می‌شوید. می‌بینید که فرزند شما به کل سازمان ملل نه می‌گوید و روحیه‌اش هم به هم نمی‌خورد، می‌گوید من به این نتیجه رسیده‌ام که مدرنیته ضال و مُضِل است و قصد دارم علیه مدرنیته اقداماتی انجام بدهم.

سر مسأله موشکی کشور، خاطرات شهید تهرانی مقدم را مطالعه بفرمایید، حضرت آیت الله خامنه‌ای علیه السلام برای مبارزه با این وضعیت فعلی و دفاع از مردم ایران می‌فرمایند که باید موشک داشته باشیم. خوب یک زمانی نمی‌توانستیم موشک بسازیم. یک جمله‌ای از شهید تهرانی مقدم هست که در یک جلسه‌ای گفته است که می‌شود و می‌سازیم و

---

<sup>۵۶</sup>. یک وقتی بچه‌های من از من سؤال کردند که مدرک ما چه می‌شود؟ در پاسخ به آنها گفتم که هر مدرکی خواستید خودم برای‌تان می‌نویسم. خودم برایت امضاء می‌کنم، مدرک ما معتبر است. گفتند که چطور مدرک شما معتبر است؟ گفتم که ۱۰ سال پیش ما شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی را درست کردیم و امروز هم وجود دارد و تدریس و بحث و گفتگو تعامل با نهادهای نظام دارد و شما هر مدرکی خواستید من به شما می‌دهم. به فرزندان‌تان قوت قلب بدهید. بگذارید از این فضا بیرون بیایند و به یک چیزهای دیگری فکر کنند. (انتقال از متن)

ده، بیست سال بعد هم موشک ساخته است. وقتی که می‌خواهید این آدم را روایت کنید، باید بروید و ببینید که در خانواده‌اش چه اتفاقی افتاده است. به نظر من کسی که در دوران تربیت در خانواده سرکوب می‌شود، اصلاً نمی‌تواند اینجوری باشد. اگر می‌خواهید که فرزندان نخبه شود، بزرگ شود، اینها را رعایت کنید. از سر دلسوزی این حرف‌ها را می‌گویم، فرزندان تان را از چمبره آموزش و پرورش سیستمی خارج کنید، بگذارید که به نمره اصلاً فکر نکند. اگر به نمره اهمیت دادید، نمره هم می‌گیرد و نخبه هم می‌شود ولی بعد هیچ کار دیگری برای شما نمی‌تواند بکند، پس به نظر من روش مهم‌تر است. زیرا بعضی از دوستان به ما گفته بودند که نظام‌سازی آموزشی برای جمعیت و آموزش و پرورش جدید را به محوریت محتوا شروع کنید که این هم به دلیل دقیق نخواندن و دقت نکردن بحث‌های گفته شده است. اشکال ما این است که اگر به محوریت محتوا نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت را شروع کردیم، چگونه ظرفیت‌های اولیه را در فرزندانم ایجاد کنم؟ قوه دریافت و قوه بهره‌برداری ندارد. عمده این است که بتواند دریافت و بهره‌برداری خوبی بکند و این نیازمند ظرفیت‌سازی است. پس روش در آموزش و پرورش آینده ما مهمترین بحث است.

اگر فرزندی دارید که به لحاظ اقدامات ۵ گانه ظرفیت‌ساز از هوش و قدرت و زیبایی برخوردار است. گاهی اوقات مادرها می‌بینند که فرزندشان به لحاظ جسمی ضعیف است در روایت آمده است که اگر مادر در دوران حمل سوئق مصرف کند، استخوان بندی فرزندش قوی خواهد شد.<sup>۵۷</sup> اینها ظرفیت‌های اولیه است. سپس سید بودن فرزندان در هفت سال اول را رعایت کنید. هفت سال دوم هم اطاعت‌پذیری و اذن و ادب بعلاوه تعلیم کتاب را در او تقویت کنید. یعنی بگذارید یاد بگیرد که بزرگترین منبع علمی عالم را بخواند و بفهمد. هفت سال سوم هم به او قدرت حل مسأله و مشورت کردن را یاد بدهید. «الولد وزیر سبع السنین» یعنی اینکه باید در هفت سال سوم به فرزندتان قدرت حل مسأله یاد بدهید. از بیست و یک سالگی تا چهل سالگی هم خودکنترلی و خود ارزیابی را به او آموزش بدهید. حالا پس از ساخت این ظرفیت‌های پنج گانه نوبت به محتوای آموزشی می‌رسد.

---

<sup>۵۷</sup> ارجاع پژوهشی: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: السَّوِيُّ يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَيَسُدُّ الْعَظْمَ.

بکر بن محمد گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: قفاوت، گوشت را می‌رویانند و استخوان را محکم می‌کند.

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۳۰۵ / المحاسن، ج ۲، ص: ۴۸۸

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص: ۲۷۷ / مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۶، ص: ۳۳۷

هدایة الأئمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸-، ص: ۱۴۹ / دعائم الإسلام، ج ۲، ص: ۱۵۰ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص: ۱۴

بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۳، ص: ۲۷۶

۴/۶. تقسیم محتوای آموزشی آموزش و پرورش مطلوب به سه دسته کلی؛ دروس پایه، دروس کاربردی،

### دروس استنباطی و پژوهشی

در حال حاضر داریم راجع به این موضوعات کتاب تولید می‌کنیم که بخشی از این کتاب‌ها هم آماده است. دیگر مانند ۱۰ سال پیش نیست که وقتی بحث می‌کردیم، آقایان می‌گفتند که کتابهایش کجاست؟ در حال حاضر بخشی از این‌ها کتاب دارد و بخش دیگر این است که باید کمک کنید که کتاب‌ها را مصور و ویراست کنیم. ولی در حال حاضر ماده اصلی کتاب‌ها آماده است. سه دسته محتواست؛ ۱. دروس پایه ۲. دروس کاربردی ۳. دروس استنباطی و پژوهشی. انشاءالله آموزش و پرورش و مدرسه‌ای که ما می‌سازیم با این نظام‌سازی که برای خانواده و جمعیت می‌کنیم، این سه دسته درس را شامل می‌شود. از ما سؤال می‌شود که کتاب‌های درسی چه باشد؟ پاسخ این است که سه نوع کتاب باید در مدرسه جدید تدریس شود؟

۴/۶/۱. تعریف علوم پایه به علوم پایه فهم حقایق عالم شامل ۴ جدول؛ روابط انسانی، تسخیر اشیاء، علوم غریبه

### و اسماء الهی

۴/۶/۱/۱. بحث از ۱۳ عنوان روابط انسانی ذیل جدول روابط انسانی؛ اولین علم پایه به عنوان

### محتوای آموزش و پرورش جدید

دسته اول کتاب‌ها، کتاب‌های علوم پایه هستند. به عمد این دروس را علوم پایه نامیده‌ایم تا در مقابل علوم پایه موجود باشند. ولی علوم پایه ما، علوم پایه فهم حقایق عالم است. این علوم پایه شامل چهار جدول است که عبارتند از ۱. جدول روابط انسانی، اولین چیزی که باید به فرزندان آموزش بدهید تنظیم روابط انسانی است که خود شامل معرفی ۱۳ عنوان روابط انسانی است.

۴/۶/۱/۱/۱. سؤال از امام، الگو و ایده‌پرداز زندگی فرزندان؛ اولین سرفصل از عناوین ۱۳ گانه جدول روابط انسانی

اول باید یاد بگیرد که امامش کیست. از چه کسی الگو می‌گیرد؟ ایده‌پرداز زندگی ات کیست؟ این سؤال را پدر و مادرها باید زیاد مطرح کنند. روز عید غدیر به صورت مفصل در منزل تان برگزار کنید، بعد به فرزندان تان بگویید که من پیشنهاد می‌کنم که ایده‌پرداز زندگی تان را آقا امیرالمؤمنین علیه السلام قرار دهید، زیرا ایشان باب علم نبی صلی الله علیه و آله هستند<sup>۵۸</sup> و

<sup>۵۸</sup>. **ارجاعات پژوهشی:** حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهٍ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ وَعَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى الدَّقَائِقِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيِّ قَالُوا حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي السَّرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفِ الْكِنَانِيِّ عَنِ الْأَضْبَعِ بْنِ ثُبَاتَةَ قَالَ: ... فَصَعِدَ الْحَسَنُ عَ الْمِنْبَرِ فَحَمِدَ اللَّهَ بِحَمَائِدِ بَلِيغَةٍ شَرِيفَةٍ وَ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ وَ آلِهِ صَلَاةً مُوجِزَةً ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا وَ هَلْ تُدْخَلُ الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بَابِهَا.....

داستان عید غدیر همین است. به همه آدم‌ها می‌خواهد بگوید که ایده پرداز زندگی‌تان را کسی که علم کمی دارد قرار ندهید. اساساً یکی از محاجه‌هایی که ما با برادران اهل تسنن خود داریم این است که به ایشان می‌گوییم چرا بزرگان شما سواد علمی‌شان خیلی کمتر از سواد علمی آقا امیرالمؤمنین علیه السلام است؟ این مطلبی است که خودشان هم به آن اعتراف کرده‌اند. زیرا کار بزرگ ایده دادن به آدم‌های دیگر است. امام هر کس به او ایده می‌دهد.

سؤال از معلم و آموزگار فرزندان؛ دومین سرفصل از عناوین ۱۳ گانه جدول تنظیم روابط انسانی ۴/۶/۱/۱/۲.

بعد پیرسید که معلم شما کیست؟ این عنوان دوم از عناوین ۱۳ گانه تنظیم روابط انسانی است. چه کسی را عنوان معلم خود انتخاب کرده‌اید؟ مادرها فرزندان را نسبت به این مسأله حساس کنند. این جدول را بارها منتشر کرده ایم، بعضی‌ها می‌گویند که شرح این محتوا کجاست؟ در پاسخ می‌گوییم که این محتوا شرح ندارد. ۱۳ سؤال است که همیشه باید از فرزندت بپرسی؟ باید با این ۱۳ سؤال او را زنده کنید. معلمت چه کسی است؟<sup>۹۹</sup> شاگرد چه کسی هستی؟ پیش چه کسی درس می‌خوانید؟ شاگرد امام صادق علیه السلام هستید یا شاگرد جان لاک هستید؟

---

اصبغ بن نباته می‌گوید: ... پس امام حسن علیه السلام از منبر بالا رفت، پس حمد خدا با بهترین حمدها و رساترین آنها به جا آورد و بر رسول و آل او صلوات فرستاد سپس فرمود ای مردم شنیدم از جدم رسول خدا ص که می‌فرمود: من شهر علم هستم و علی علیه السلام درب این شهر است و آیا کسی به این شهر داخل می‌شود جز از درب آن؟

مصدر اصلی: الأمالی (للسدوق)، النص، ص: ۳۴۵ / التوحید (للسدوق)، ص: ۳۰۵

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰، ص: ۱۱۷ / الإختصاص، النص، ص: ۲۳۵ / إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، ج ۲، ص: ۳۷۴

الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۱، ص: ۲۵۸ / جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۵، ص: ۸۱۸

<sup>۹۹</sup> **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْبُخْتَرِيِّ وَ سِنْدِي بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي الْبُخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةَ الْأَنْبِيَاءِ وَ ذَلِكَ أَنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُورَثُوا دِرْهَمًا وَ لَا دِينَارًا وَ إِنَّمَا وَرَثُوا أَحَادِيثَ مِنْ أَحَادِيثِهِمْ فَمَنْ أَخَذَ شَيْئًا مِنْهَا فَقَدْ أَخَذَ حِطًّا وَافِرًا فَانظُرُوا عِلْمَكُمْ هَذَا عَمَّنْ تَأْخُذُونَهُ فَإِنَّ فِيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فِي كُلِّ خَلْفٍ عُدُولًا

امام صادق فرمود: دانشمندان وارثان پیمبرانند برای اینکه پیمبران پول طلا و نقره بارث نگذارند و تنها احادیثی از احادیثشان بجای گذارند هر که از آن احادیث برگیرد بهره بسیاری برگرفته است. پس نیکو بنگرید که این علم خود را از که میگیرید، زیرا در خاندان ما اهل بیت در هر عصر جانشینان عادلای هستند که تغییر دادن غالیان و بخود بستگی خرابکاران و بد معنی کردن نادانان را از دین برمی‌دارند.

مصدر اصلی: بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص: ۱۰ / الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۱، ص: ۳۲

من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص: ۵۷۸ / الإختصاص، النص، ص: ۴

منابع دیگر: الوافی، ج ۱، ص: ۱۶۱ / وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص: ۷۸ / مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱، ص: ۱۰۳

بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲، ص: ۹۲

۴/۶/۱/۱/۳ . پرسش از کیفیت رفتار با همسایه و خانواده؛ سومین و چهارمین سرفصل از عناوین سیزده گانه جدول تنظیم

#### روابط انسانی

سؤال سوم این است که با همسایه ات چگونه رفتار می‌کنید؟<sup>۶۰</sup> سؤال چهارم این است که با خانواده ات چگونه رفتار می‌کنید؟ زیرا رابطه انسان با خانواده خیلی مهم است، خیلی عناوین هم در روایات وجود دارد،<sup>۶۱</sup> با دایی و خاله و عمو و مادر بزرگ و پدر بزرگ چگونه برخورد می‌کنید؟ بنابراین عنوان رابطه با خانواده سؤالات مهمی دارد. در حال بحث از سرفصل علوم پایه هستیم.

۴/۶/۱/۱/۴ . پرسش از دوست و دشمن فرزندان؛ پنجمین و ششمین سرفصل از عناوین سیزده گانه جدول تنظیم روابط

#### انسانی

سؤال پنجم دوست چه کسی است؟<sup>۶۲</sup> در روایت هست که دوست انسان شقی را سعید می‌کند و انسان سعید را هم شقی میکند؟ اگر دوست بد انتخاب کنید، کار انسان را تمام می‌کند. سؤال از دشمن انسان هم، ششمین سؤال است.

---

۶۰. **ارجاع پژوهشی:** أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عُيَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص حُسْنُ الْجَوَارِ يُعْمَرُ الدِّيَارَ وَ بُسُسٌ فِي الْأَعْمَارِ.

امام صادق (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل فرموده است: خوشرفتاری با همسایه خانه‌ها را آباد و مرگ را به تأخیر می‌اندازد.

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۶۶۷

منابع دیگر: مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۲، ص: ۵۷۳ / الوافی، ج ۵، ص: ۵۱۷ / وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص: ۱۲۸

هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام، ج-۵، ص: ۱۶۵

۶۱. **ارجاع پژوهشی:** هَارُونَ بْنُ مُسْلِمٍ، عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: إِنَّ أَحَبَّكُمْ إِلَيَّ وَ أَقْرَبَكُمْ مِنِّي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَجْلِسًا أَحْسَنَكُمْ خُلُقًا، وَ أَشَدَّكُمْ تَوَاضَعًا، وَ إِنَّ أَبْعَدَكُمْ مِنِّي يَوْمَ الْقِيَامَةِ التَّرْتَارُونَ. وَ هُمْ الْمُسْتَكْبِرُونَ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: محبوبترین شما نزد من، و نزدیکترین شما به نشیمنگاه من در روز قیامت، خوش خلق‌ترین شما و متواضع‌ترین شما است، و دورترین شما از من در روز قیامت، ترثارون (بیهودگان) است که آنان متکبرانند.

مصدر اصلی: قرب الإسناد (ط - الحديثة)، النص، ص: ۴۵

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۸، ص: ۳۸۵ / وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص: ۳۷۸

وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ

و خدا را بپرستید و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید و به پدر و مادر و به خویشان نیکی کنید.

سوره مبارکه نساء، آیه ۳۶

۶۲. **ارجاع پژوهشی:** عَنِ الشَّرِيفِ الصَّالِحِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ حَمْرَةَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ الْفَضْلِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو ثُرَابٍ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ الْعَظِيمِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى ع يَقُولُ مُلَاقَاةَ الْإِخْوَانِ نُشْرَةٌ وَ تَلْفِيحٌ لِلْعَقْلِ وَ إِنْ كَانَ نَزْرًا قَلِيلًا.

امام جواد (علیه السلام) می فرماید: دیدار و ارتباط با دوستان باعث شادابی و زیادی عقل می‌شود. هر چند مدت دیدار کم باشد.

دشمن تان را بشناسید. ۶۳ اینها از همان کودکی باید برای انسان جا بیفتد. اینها علوم پایه هستند. از چه کسی خرید می‌کنید؟ به فرزندان بیاموزید که وقتی از کسی خرید می‌کنید در واقع دارید به او سود می‌رسانید. به فرزندان بگویید که از فروشگاه‌های زنجیره‌ای خرید نکنند، زیرا سرمایه‌دارها پولدارتر می‌شوند، بعد هم یک پیچ درست می‌کنند و دعوت به شورش می‌کنند. پشت این داستان سرمایه‌دارها هستند، آدم‌های پولدار هیچ دغدغه‌ای ندارند. پس با هر خریدتان در حال کمک به یک نفر هستید. در روایت می‌گوید که اول ببینید که از چه کسی در حال خرید هستید.

مصادر اصلی: الأمالی (للمفید)، النص، ص: ۳۲۹ / الأمالی (للتوسی)، النص، ص: ۹۴

منابع دیگر: مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۸، ص: ۳۲۴ / بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۱، ص: ۳۵۳

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: لَا تَصْحَبُوا أَهْلَ الْبِدْعِ وَلَا تَجَالِسُوهُمْ فَتَصِيرُوا عِنْدَ النَّاسِ كَوَاحِدٍ مِنْهُمْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ.

امام صادق علیه السلام فرمود: انسان بر دین دوستش خواهد بود، بنابراین هر يك از شما دقت کند که با چه کسی دوست می‌شود.

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۳۷۵

منابع دیگر: مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۱، ص: ۷۷ / الوافی، ج ۵، ص: ۵۸۱ / وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص: ۲۵۹

أَخْبَرَنَا الشَّرِيفُ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَاشِمِيُّ صَاحِبُ الصَّلَاةِ بِوَأَسْطِ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ صَالِحِ الْأَبْهَرِيِّ الْفَقِيهَ الْمَالِكِيَّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ الْخَضْرَمِيُّ قَالَ مَعْمَرُ بْنُ سَهْلٍ قَالَ غَامِرُ بْنُ فَدْرِكَ [مُدْرِك] عَنِ السَّرِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الشَّعْبِيِّ عَنْ مَسْرُوقٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ.

رسول خدا فرمودند: انسان همراه کسی محشور می‌شود که او را دوست بدارد.

مصدر اصلی: الجعفریات (الأشعثیات)، ص: ۲۴۸

عَنْهُ عَنِ الْعَزْزَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ فِيكَ خَيْرًا فَانظُرْ إِلَى قَلْبِكَ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُبْغِضُ أَهْلَ مَعْصِيَةِ اللَّهِ فَفِيكَ خَيْرٌ وَ اللَّهُ يُحِبُّكَ وَ إِنْ كَانَ يُبْغِضُ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُحِبُّ أَهْلَ مَعْصِيَةِ اللَّهِ فَفِيكَ شَرٌّ وَ اللَّهُ يُبْغِضُكَ وَ الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ

محمد بن الحسن بن احمد بن وليد رضی الله عنه می‌گوید: محمد بن حسن صفار، از احمد بن محمد، از پدرش از ابن عزمی، از پدرش، از جابر جعفری، از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کردند که آن جناب فرمودند: هرگاه. خواستی بدانی در تو خیر و خوبی است به قلبت بنگر، اگر کسانی که اهل طاعت خداوند عز و جل هستند را دوست داشته و اهل عصیان را مبغوض دارد در تو خیر بوده و خدا تو را دوست دارد و اگر قلبت اهل طاعت را مبغوض کرده است. و اهل معصیت را دوست دارد پس در تو خیر نبوده و خدا تو را مبغوض می‌دارد و انسان با هر کسی که دوستش دارد مقرون و همراه می‌باشد.

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۱، ص: ۲۶۳

منابع دیگر: هداية الأئمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج-۵، ص: ۵۸۰

۶۳. **ارجاع پژوهشی:** يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ ...

ای اهل ایمان! دشمنان من و دشمنان خودتان را دوستان خود مگیرید، ...

از یک انسان مؤمن خرید کنید، زیرا خریدار و فروشنده هر دو سود می‌برند. اینها علوم پایه هستند و باید آن را یاد بگیرند.

پرسش از ویژگی های لازم برای انتخاب شریک شغلی و کیفیت ارتباط با مهمان و همسفر؛ هفتمین و هشتمین و نهمین سرفصل از عناوین سیزده گانه جدول تنظیم روابط انسانی. ۴/۶/۱/۱/۵

هشتمین و نهمین سرفصل از عناوین سیزده گانه جدول تنظیم روابط انسانی

سؤال هفتم این است که چه کسی را به عنوان شریک شغلی خودتان انتخاب می‌کنید؟<sup>۶۴</sup> این هم یک عنوان مهم است. با مهمان چگونه برخورد می‌کنید؟<sup>۶۵</sup> هشتمین سؤال است. رابطه انسان با مهمان در این عنوان بحث می‌شود.

<sup>۶۴</sup>. **ارجاع پژوهشی:** عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ظَرِيفِ بْنِ نَاصِحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا تُخَالِطُوا وَلَا تُعَامِلُوا إِلَّا مَنْ تَشَأَ فِي الْخَيْرِ.

ابن ناصح گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: فقط با کسی معاشرت و دادوستد که در خیر و برکت بزرگ شده باشد.

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۱۵۸ / من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص: ۱۶۴ / تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان)، ج ۷، ص: ۱۰  
منابع دیگر: الوافی، ج ۱۷، ص: ۴۱۱ / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص: ۴۱۴

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع اخذوا مُعَامَلَةَ أَصْحَابِ الْعَاهَاتِ فَإِنَّهُمْ أَظْلَمُ شَيْءٍ.

احمد بن محمد در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: از افرادی که بیماری و آگیرداری دارند، بپرهیزید. چون ستم‌بارترین چیزها هستند. مصدر اصلی: همان

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَاقُوتَةَ بْنِ يَاقُوتَةَ بْنِ مَتِيحٍ عَنْ عَيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: إِذَاكَ وَ مُخَالَطَةَ السَّفَلَةِ - فَإِنَّ السَّفَلَةَ لَا يُؤُولُ إِلَى خَيْرٍ

امام صادق علیه السلام: زنهار از همنشین با فرومایه؛ زیرا که فرومایه به هیچ خیری رهنمون نشود.

مصدر اصلی: همان

مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الرَّضِيِّ فِي نَهْجِ الْبَلَاغَةِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع شَارِكُوا الَّذِي قَدْ أَقْبَلَ عَلَيْهِ الرِّزْقُ فَإِنَّهُ أَخْلَقَ لِلْغِنَى وَ أَجْدَرَ بِإِقْبَالِ الْحَطِّ.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: با کسی که رزق به او روی کرده شریک شوید، چرا که این شرکت به حصول توانگری سزاوارتر، و به روی آوردن بهره شایسته تر است

مصدر اصلی: وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص: ۴۱۴

:

<sup>۶۵</sup>. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى ع إِذْ رَسُوهُ اللَّهُ ص كَانَ إِذَا أَتَاهُ الصَّبِيُّ أَكَلَ مَعَهُ وَ لَمْ يَرْفَعْ يَدَهُ مِنَ الْجَوَانِ حَتَّى يَرْفَعَ الصَّبِيُّ يَدَهُ.

علی بن جعفر علیه السلام گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود: هرگاه میهمان خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب می‌شد، حضرت با او غذا می‌خورد و دست خود را از سفره می‌کشید تا اینکه مهمان دست از غذا می‌کشید.

مصدر اصلی: مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص: ۳۴۱

به سند کافی: عَنْهُ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى ع أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۲۸۶

نهمین عنوان و سؤال این است که با همسفرتان چگونه برخورد می‌کنید؟<sup>۶۶</sup> به عنوان مثال یکی از آداب مسافرت این است که اگر سفر رفتید سعی کنید که خیلی شوخی کنید، زیرا سفر سختی دارد و اگر قرار باشد که عبوس هم باشید که سختی اش مضاعف می‌شود. شوخی‌های مربوط به سفر خود نیازمند یک کتاب مستقل است. در روایت می‌گوید که سعی کن زاد سفرتان را زیادت‌تر کنید تا بتوانید به همسفرانتان خوراکی زیادی بدهید.<sup>۶۷</sup> دهمین سؤال این است که به کدامین فقیر در محله کمک می‌کنید؟ فقیر، یتیم و این سبیل را باید از فرزندان تان بپرسید.<sup>۶۸</sup> این عناوین ۱۳ گانه علوم پایه است. که جدولش هم موجود است.

منابع دیگر: مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۲، ص: ۹۶ / وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص: ۳۲۰ / الوافي، ج ۲۰، ص: ۵۴۳  
هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص: ۱۱۳

**۶۶. ارجاع پژوهشی:** عَنْهُ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ السُّنَّةِ إِذَا خَرَجَ الْقَوْمُ فِي سَفَرٍ أَنْ يُخْرِجُوا نَفَقَتَهُمْ فَإِنَّ ذَلِكَ أَطْيَبُ لِأَنْفُسِهِمْ وَأَحْسَنُ لِأَخْلَاقِهِمْ  
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: این از سنت است که چون گروهی بسفر روند، مبلغی را که برای مخارج سفر در نظر میگیرند، به اشتراک گرد آورند، و در اختیار یکی از همسفران قرار دهند، تا مبادا که یکی از ایشان گمان کند که مبلغی افزون از سهم خود در این راه صرف کرده است، و این کار برای فکر و ذهنشان خوشایندتر، و برای اخلاقشان بهتر است.

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص: ۳۵۹ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص: ۲۷۸  
منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۷۳، ص: ۲۶۹ / روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)، ج ۴، ص: ۲۲۴  
الوافي، ج ۱۲، ص: ۳۷۴ / مكارم الأخلاق، ص: ۲۵۱ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۵، ص: ۱۱۱

وَ قَالَ الصَّادِقُ ع حَقُّ الْمُسَافِرِ أَنْ يُتِمَّ عَلَيْهِ إِخْوَانُهُ إِذَا مَرَّضَ ثَلَاثًا  
امام صادق علیه السلام فرمود: حقی مسافر اینست که چون در راه سفر بیمار شود، یاران همسفرش سه شبانه روز برعایت حال او توقف کنند.  
مصدر اصلی: من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص: ۲۷۹

**۶۷. ارجاع پژوهشی:** وَ رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا مِنْ نَفَقَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ نَفَقَةٍ قَصْدٍ وَ يُبْعَضُ الْإِسْرَافُ إِلَّا فِي حَجٍّ أَوْ عُمْرَةٍ  
عبد الله بن ابی یعفور از امام صادق علیه السلام روایت کرد که فرمود: رسول خدا فرمود: هیچ خرج کردنی نزد خدا محبوبتر از خرج کردن به آئین اقتصاد - و رعایت اعتدال - نیست. و خدا اسراف را جز در سفر حج و یا عمره مبعوض میدارد.

مصدر اصلی: من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص: ۲۷۹  
منابع دیگر: روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)، ج ۴، ص: ۲۲۷ / الوافي، ج ۱۲، ص: ۳۶۹  
هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۵، ص: ۳۵ / بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۷۳، ص: ۲۶۹

**۶۸. ارجاع پژوهشی:** عَنْهُ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ مَنْ أَوَى الْيَتِيمَ وَ رَحِمَ الضَّعِيفَ وَ أَشْفَقَ عَلَى وَالدِّيَةِ وَ أَنْفَقَ عَلَيْهِمَا وَ رَفَقَ بِمَمْلُوكِهِ

میگوید که آموزش در آموزش و پرورش جدید از کجا شروع می‌شود؟ پاسخ این است که به فرزندت یاد بده که به دیگران ظلم نکند.<sup>۶۹</sup> پس در روایط انسانی ۱۳ عنوان مهم وجود دارد. بعضی‌ها اشکال کرده‌اند که پس ماجرای طیب چه می‌شود، سرباز چه طور می‌شود، ارتباط با قاضی چگونه است؟ باید گفت که این مسائل از شئون امامت است، بعضی از این چیزهایی که در ذیل عناوین ۱۳ گانه نیآورده ایم، ذیل شئون امامت بحث می‌شود. احترام به سرباز، احترام به قاضی، نزد طیب طب اسلامی برویم یا طیب طب سلولی؟ اینها را باید به فرزندتان یاد بدهید. به عنوان

---

امام باقر علیه السلام فرمود: چهار خصلت در هر کس باشد خداوند خانه‌ای در بهشت برای او بسازد کسی که یتیمی را نگهداری کند و بر ناتوانی دلسوزی نماید و بر پدر و مادر خود مهر ورزد و با بنده خود مدارا کند.

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۱، ص: ۸  
منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص: ۳۳۸ /

سند بحار الانوار: ثواب الأعمال أبي عن سعد بن أحمد بن محمد بن الحسن بن علي بن علي بن عتبة عن عبد الله بن سنان عن الثمالي عن أبي جعفر ع قال.

مصدر اصلی: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۱، ص: ۱۴۰  
سند دیگر از بحار الانوار: الخصال ماجيلويه عن عمه عن البرقي عن ابن محبوب عن عبد الله بن سنان عن الثمالي عن أبي جعفر ع قال  
مصدر اصلی: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۲، ص: ۴

**۶۹. ارجاع پژوهشی:** وَ مَنْ يَظْلِمُ مِنْكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا  
هر کس از شما ظلم کند، عذاب شدیدی به او می‌چشانیم.

سوره مبارکه فرقان، آیه ۱۹

حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ ع قَالَ: الظُّلْمُ ثَلَاثَةٌ ظَلَمَ يَغْفِرُهُ اللَّهُ وَ ظُلْمَ لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ وَ ظُلْمٌ لَا يَدْعُهُ اللَّهُ فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَالشَّرْكُ بِاللَّهِ وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَظُلْمُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَدْعُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَالْمُدَايَنَةُ بَيْنَ الْعِبَادِ وَ قَالَ مَا يَأْخُذُ الْمَظْلُومَ مِنْ دِينِ الظَّالِمِ أَكْثَرُ مِمَّا يَأْخُذُ الظَّالِمَ مِنْ دُنْيَا الْمَظْلُومِ.

ظلم سه قسم است: ظلمی که خدا نمی‌آمرزد، ظلمی که می‌آمرزد و ظلمی که از آنمی‌گذرد، اما ظلمی که خدا نمی‌آمرزد شرک است. خداوند می‌فرماید: «حقا که شرک ظلمی بزرگ است» و اما ظلمی که خدا می‌آمرزد، ظلم بندگان به خودشان میان خود و پروردگارشان است اما ظلمی که خدا از آن نمی‌گذرد ظلم بندگان به یکدیگر است سپس فرمودند: مظلوم از دین ظالم بیش از آنچه ظالم از دنیای مظلوم می‌گیرد، نمی‌گیرد.

مصدر اصلی: الأمامي (للسدوق)، النص، ص: ۲۵۳  
منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۲، ص: ۳۱۱ / تحف العقول، النص، ص: ۲۹۳

(به سند کافی) مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ:

مصدر اصلی: الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۳۳۰

مثال به او بگویند که دوست دارید ۷۲ نوع بیماری را با یک واکسن درمان کنید یا برای یک بیماری ۷۲ بار واکسن بزنید این سؤالات را باید از فرزندان تان بپرسید. اگر سؤالات خوب بپرسید، بچه‌ها هم فکر خواهند کرد. بگویند اگر می‌خواهید ۷۲ بیماری را با یک واکسن درمان کنید اول و آخر غذا نمک بخورید. زیرا پیامبر ﷺ فرموده است که این کار ۷۲ نوع بیماری را درمان می‌کند.<sup>۷۰</sup> این اولین علم پایه نظام‌سازی آموزشی برای خانواده و جمعیت است. بچه شما در این آموزش و پرورش پیشرفته قوه دریافت دارد. اما اگر قوه دریافت نداشته باشد، می‌گوید چرا این حرف‌ها را به من می‌زنید و لذا با شما ارتباط برقرار نمی‌کند.

۴/۶/۱/۲. بحث از ۱۹ گروه از اشیاء شامل ۲۰۰ شیء پر کاربرد در جدول تسخیر اشیاء؛ دومین علم از علوم پایه به عنوان

### محتوا در آموزش و پرورش مطلوب

دومین علم پایه که باید در آموزش و پرورش جدید به آن بپردازیم، جدول خاصیت‌های اشیاء است. با فرزندان تان درباره خاصیت اشیاء صحبت کنید. این جزء علوم پایه است. در اطراف فرزندان تان بسیاری از اشیاء وجود دارد؛ ماه، خورشید، کوه، رودخانه، خاک، مرغ، خروس، درخت، گیاه، میوه و... درباره همه اشیاء با آنها شروع به بحث کنید.<sup>۷۱</sup> الان جدول تسخیر اشیاء آماده شده است، این جدول در دسترس همگان قرار گرفته است. ۱۹ گروه شیء را مورد بحث قرار داده‌ایم که مجموعاً ۲۰۰ شیء پر کاربرد زندگی را در بر می‌گیرد.

<sup>۷۰</sup> **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ الْيَقِينِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعًا بَابَ مِمَّا يُضِلُّحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاةُ «۱» قَالَ ع ... وَ ابْدَأُوا بِالْمِلْحِ فِي أَوَّلِ طَعَامِكُمْ «۳» فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ لَأَخْتَارُوهُ عَلَى التَّرِيافِ الْمَجْرَبِ مِنْ ابْتِدَاءِ طَعَامِهِ بِالْمِلْحِ ذَهَبَ عَنْهُ سَبْعُونَ دَاءً ...

امام علی (ع) می‌فرماید: غذای خود را با نمک آغاز کنید. اگر مردم آنچه را در نمک هست می‌دانستند، آن را بر تریاق تجربه شده برمی‌گزیدند، هر کس غذای خود را با نمک آغاز کند، ۷۰ درد و نیز دیگر دردهایی که فقط خداوند از آنها آگاه است، از او می‌رود.

مصدر اصلی: الخصال، ج ۲، ص: ۶۱۱ تا ۶۲۳

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰، ص: ۸۹ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص: ۲۸

<sup>۷۱</sup> **ارجاع پژوهشی:** عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ سَجَادَةَ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى رَفَعَ عَنِ الْيَهُودِ الْجُدَامَ بِأَكْلِهِمُ السَّلْقَ وَ قَلْعِهِمُ الْعُرُوقَ.

ابو عثمان در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند متعال از یهودیان به خاطر خوردن چغندر و کندن رگ‌های آن بیماری جذام را برداشت.

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص: ۵۱۹ / الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۳۶۹

منابع دیگر: مکارم الأخلاق، ص: ۱۸۱ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص: ۱۲۱

هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸-، ص: ۱۷۷ / مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۲، ص: ۲۱۳

عنوان بخشی از محتوای آموزشی آموزش و پرورش مطلوب

اشیاء که با آنها می شود شستشو کرد چه اشیائی هستند؟ تا وقتی که فرزندان خواست دهانش را شستشو دهد بتواند با نمک شستشو بدهد با سرکه بتواند انجام بدهد، با سُد کوفی بتواند انجام دهد. با اُشان هم می شود ولی به شرطی که از آن نخورد.<sup>۷۲</sup> الان فرزندان ما فکر می کنند که با خمیر دندان حاوی فلوراید می شود دهان را شستشو داد و فلوراید هم به گونه ای است که قوه ماسکه بدن را دچار چالش می کند، وقتی فلوراید زیاد مصرف بشود، اعضاء انسان شل می شود. سر را با چه چیزهایی می شود شستشو داد؟ با سدر و گل ختمی می توان سر را شستشو داد، شستشو به محوریت اشیاء را به آنها یاد بدهیم. داریم که نبی مکرم اسلام ﷺ سر مبارکشان را فقط با سدر

(به سند کافی) عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي عُثْمَانَ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ

سند روایت به مصدر کافی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۳۶۹

عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَقْلِيمُ الْأَطْفَالِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يُؤْمِنُ مِنَ الْجُدَامِ وَ التَّرَصِ وَ الْعَمَى وَ إِنْ لَمْ تَحْتَجَّ فَحَكَّهَا.

هشام بن سالم گوید امام صادق علیه السلام فرمود: چیدن ناخنها در روز جمعه ایمن گرداند انسان را از خوره و پیسی و کوری. و اگر احتیاجی بچیدن آن نباشد پس مختصری بتراش.

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۴۹۰

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۳، ص: ۱۱۰

وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا

و از کوه ها پناهگاه هایی برای شما قرار داد

سوره مبارکه نحل، آیه ۸۱

وَ أَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ أَنْهَارًا وَ سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

و در زمین، کوه های ثابت و محکمی افکند تا لرزش آن را نسبت به شما بگیرد و نهرها و راه هایی ایجاد کرد تا هدایت شوید

سوره مبارکه نحل، آیه ۱۵

<sup>۷۳</sup>. **ارجاع پژوهشی:** وَ مِنْهَا عَنْ عَلِيٍّ ع مَنْ أَخَذَ مِنَ الزُّعْفَرَانِ الْخَالِصِ جُزْءًا أَوْ مِنَ السُّعْدِ جُزْءًا أَوْ يُضَافُ «۲» إِلَيْهِمَا عَسَلًا وَ يُشْرَبُ مِنْهُ مِثْقَالَيْنِ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنَّهُ يَنْخَوِّفُ عَلَيْهِ مِنْ شِدَّةِ الْحِفْظِ أَنْ يَكُونَ سَاحِرًا وَ مِنْهَا مَا وَجَدَ يَحْطُ السُّنَّحُ أَحْمَدَ بْنَ فَهْدٍ رَحِمَهُ اللَّهُ دَوَاءً لِلْحِفْظِ شَهِدَتْ التَّجْرِبَةُ بِصِحَّتِهِ وَ هُوَ كُنْدُرٌ وَ سَعْدٌ وَ سَكَّرَ طَبْرَزْدِ أَجْرَاءَ مُسَاوِيَةً وَ يُسْحَقُ نَاعِمًا وَ يُسْتَفُّ مِنْهُ عَلَى الرَّيْقِ كُلِّ يَوْمٍ خَمْسَةَ دَرَاهِمٍ يُسْتَعْمَلُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ يُقَطَّعُ خَمْسَةَ ثُمَّ يُسْتَعْمَلُ كَذَلِكَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ يُقَطَّعُ خَمْسَةَ وَ هَكَذَا قُلْتُ وَ هَذَا بِعَيْنِهِ رَأَيْتُهُ فِي كِتَابِ لَقَطِ الْفَوَائِدِ.

امام علی علیه السلام می فرماید: کسی که کمی زعفران خالص و کمی سعد کوفی را با مقداری عسل مخلوط کند و روزانه دو مثقال از آن را بنوشد آقدر حافظه اش قوی خواهد شد که بیم آن می رود که ساحر شود.

مصدر اصلی: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۵۹، ص: ۲۷۲

می‌شستند،<sup>۷۳</sup> به همین علت مشخص است که سدر بهترین شامپوی شستشوی سر است زیرا پیامبر ﷺ بهترین اشیاء را انتخاب می‌کردند و هیچ وقت شیء معیوب انتخاب نمی‌کردند.

ضرورت گفتگو درباره زندگی با اشیاء برای فرزندان؛ به منظور تأمین راحتی آنها در زندگی . ۴/۶/۱/۲/۲

درباره زندگی با اشیاء با فرزندان تان صحبت کنید. اتفاق که می‌افتد این است که برای هر نیازی که دارند یک شیء در ذهن شان وجود دارد. به عنوان مثال به فرزندان یاد بدهید که کدام یک از اشیاء تب انسان را قطع می‌کند، زیرا همه انسان‌ها به تب مبتلا می‌شوند. آب، سیب، عناب، پیاز، سیاه دانه و .. تب بر هستند.<sup>۷۴</sup> راجع به خاصیت اشیاء

۷۳. **ارجاع پژوهشی:** وَ قَالَ الصَّادِقُ ع - غَسَلَ الرَّأْسَ بِالْخِطْمِيِّ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ - أَمَّا مَنْ الْبَرَصِ وَالْجُنُونِ.

امام صادق علیه السلام فرمودند: شستن سر با خطمی در هر جمعه موجب ایمن شدن از بیماری برص و جنون است.

مصدر اصلی: من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص: ۱۲۴

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ فَصَّالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: غَسَلَ الرَّأْسَ بِالْخِطْمِيِّ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ أَمَّا مَنْ الْبَرَصِ وَالْجُنُونِ.

امام صادق علیه السلام فرمودند: شستن سر با خطمی در هر جمعه موجب ایمن شدن از بیماری برص و جنون است.

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۵۰۴

منابع دیگر: ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، ج ۵، ص: ۴۱ / بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۳، ص: ۸۷

هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام، ج-۱، ص: ۱۶۰ / مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۵، ص: ۳۴۸

تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ج ۳، ص: ۲۳۶ / الوافی، ج ۶، ص: ۶۳۱

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مَنْصُورٍ بَرْزَجٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَقُولُ غَسَلَ الرَّأْسَ بِالسِّدْرِ يَجْلِبُ الرَّزْقَ جَلْبًا.

امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرمایند: شستن سر با سدر روزی را به سمت بنده جلب می‌کند چه جلب کردنی!

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۵۰۴ / من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص: ۱۲۵

منابع دیگر: روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط - القديمة)، ج ۱، ص: ۳۲۲ / الوافی، ج ۶، ص: ۶۳۳

وسائل الشیعة، ج ۲، ص: ۶۲ / مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۲، ص: ۴۰۸ / مکارم الأخلاق، ص: ۶۱

هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام، ج-۱، ص: ۱۴۰

۷۴. **ارجاع پژوهشی:** عَنْهُ عَنْ أَبِي يُوسُفَ عَنِ الْقُنْدِيِّ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عَمْرٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ذُكِرَ لَهُ الْحُمَى فَقَالَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا تَتَدَاوَى إِلَّا بِإِفَاصَةِ الْمَاءِ الْبَارِدِ يُصَبُّ عَلَيْنَا وَ أَكُلِ التُّفَّاحِ

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: که روزی در محضر ایشان صحبت از تب شد، ایشان فرمودند: به راستی که ما اهل بیت تب را مداوا نمی‌کنیم مگر به واسطه آب سردی که بر ما ریخته می‌شود و خوردن سیب.

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص: ۵۵۱

عَنْهُ قَالَ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع التُّفَّاحُ يُفْرِجُ الْمَعْدَةَ وَ قَالَ كُلُّ التُّفَّاحِ فَإِنَّهُ يُطْفِئُ الْحَرَارَةَ وَ يَبْرِدُ الْجَوْفَ وَ يَذْهَبُ بِالْحُمَى وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ يَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ

با آنها صحبت کنید. همه این‌ها برای این است که فرزندان مان زندگی راحتی داشته باشند. راحتی دو مسأله دارد، یکی تالی فاسد نداشته باشد، زیرا الان با استفاده از شامپوهای امروزی کچل می‌شوید یا دست‌هایتان آگزما (خشکی پوست) می‌گیرد و دوم اینکه پول زیادی بابت این راحتی خرج نکنند. اشیائی که خداوند خلق کرده است این دو ضرر را ندارد.

۴/۶/۱/۲/۳ . بحث از خواص اشیاء برای درمان یا التیام زخم، خواص نور ماه و خورشید و کوه برای انسان؛ از جمله

#### دیگر اشیاء برگاربرد زندگی انسان

وقتی دستتان زخمی می‌شود، باید بروید بخیه بزنید؟ الان این کار را می‌کنند. اینها حرف‌های کاربردی است و همه اینها در جدول تسخیر مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است. پودر پوست کدو انعقاد ایجاد می‌کند. پوست کدو را به صورت نازک بگیرید، بعد از خشک شدنش، آنرا پودر کنید و درون یک شیشه قرار دهید، در صورت ایجاد زخم و خونریزی در هر جای بدن، به محض ریختن این پودر در محل بریدگی، انعقاد ایجاد می‌کند. ماه به چه درد می‌خورد؟ راجع به ماه با هم صحبت کنیم. یکی از خاصیت‌های ماه این است که نور ماه اگر به میوه‌ها، سبزی‌ها، سیفی جات و ... بتابد، خوشمزه‌تر خواهند شد.<sup>۷۵</sup> لذا از وقتی که کشت گلخانه‌ای آمده است همه چیز بی مزه شده است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: سبب موجب باز شدن معده می‌شود و فرمود سبب بخورید که به راستی که آن موجب دفع حرارت و سرد شدن شکم و از بین رفتن تب است و در حدیث دیگر خوردن سبب را درمان وبا معرفی می‌کند.

مصدر اصلی: همان

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۳، ص: ۱۷۱ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص: ۱۶۰ / دعائم الإسلام، ج ۲، ص: ۱۴۸

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۶، ص: ۳۹۸

<sup>۷۵</sup> . **ارجاع پژوهشی:** فَكَّرَ فِي إِتَارَتِهِ فِي ظُلْمَةِ اللَّيْلِ وَالْإِزْبِ فِي ذَلِكَ فَإِنَّهُ مَعَ الْحَاجَةِ إِلَى الظُّلْمَةِ لِهُدُوءِ الْحَيَوَانَ وَ بَرْدِ الْهَوَاءِ عَلَى النَّبَاتِ لَمْ يَكُنْ صَلَاحٌ فِي أَنْ يَكُونَ اللَّيْلُ ظُلْمَةً دَاجِيَةً لَا ضِيَاءَ فِيهَا فَلَا يُمَكِّنُ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْعَمَلِ لِأَنَّهُ زُبْمًا أَحْتَاجَ النَّاسُ إِلَى الْعَمَلِ بِاللَّيْلِ لِضَيْقِ الْوَقْتِ عَلَيْهِمْ فِي بَعْضِ الْأَعْمَالِ فِي النَّهَارِ وَ لِشِدَّةِ الْحَرِّ وَ إِفْرَاطِهِ فَيَعْمَلُ فِي ضَوْءِ الْقَمَرِ أَعْمَالًا شَتَّى كَحَرْثِ الْأَرْضِ وَ ضَرْبِ اللَّبَنِ وَ قَطْعِ الْخَشَبِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ فَجُعِلَ ضَوْءُ الْقَمَرِ مَعُونَةً لِلنَّاسِ عَلَى مَعَايِشِهِمْ إِذَا أَحْتَاجُوا إِلَى ذَلِكَ وَ أَنَسَا لِلسَّائِرِينَ وَ جُعِلَ طُلُوعُهُ فِي بَعْضِ اللَّيْلِ دُونَ بَعْضٍ وَ نَقَصَ مَعَ ذَلِكَ عَنْ نُورِ الشَّمْسِ وَ ضِيَانِهَا لِكَيْلَا يَنْبَسِطَ النَّاسُ فِي الْعَمَلِ انبِسَاطَهُمْ بِالنَّهَارِ وَ يَمْتَنِعُوا مِنَ الْهُدُوءِ وَ الْقَرَارِ فَيَهْلِكُهُمْ ذَلِكَ وَ فِي تَصَرُّفِ الْقَمَرِ خَاصَّةً فِي مَهَلِّهِ «(۱)» وَ مُحَاقِهِ «(۲)» وَ زِيَادَتِهِ وَ نَقْصَانِهِ وَ كُسُوفِهِ مِنَ التَّنْبِيهِ عَلَى قُدْرَةِ اللَّهِ تَعَالَى خَالِفِهِ [ خَالِقِهِ ] الْمُصَرِّفِ لَهُ هَذَا التَّصْرِيفَ لِصَلَاحِ الْعَالَمِ مَا يَعْتَبَرُ بِهِ الْمُعْتَبِرُونَ

تفکر کن در روشنی و تابش ماه در ظلمت شب سیاه و منفعت آن زیرا که به آن بر مصلحتی که گفتیم که در تاریکی شب هست از برای استراحت حیوانات و سردی هوا برای صلاح ایشان و نباتات باز مصلحت در آن نبود که همیشه در نهایت ظلمت باشد که هیچ روشنی در آن نباشد و هیچ عمل از اعمال در آن متمشی نگردد، زیرا که بسیار است که مردم محتاج می‌شوند که در شب کار کنند برای تنگی وقت بر ایشان به جهت اتمام اعمال در روز، یا برای شدت گرمی هوا در روز پس شب از جهت نور ماه بسیاری از اعمال را به عمل می‌آورند مانند شخم کردن زمین و خشت مالیدن در شب و چوب بریدن و اشباه این اعمال، پس مدبر لیل و نهار و خالق ظلمت و انوار نور ماه را یآوری گردانیده است برای مردم در معاش ایشان در هنگامی که محتاج به آن گردند و انسی گردانید برای مسافران که در شب‌ها حرکت کنند و باز چنان مقرر گردانیده که در بعضی از شب‌ها در تمام شب باشد و در بعضی مطلقاً نباشد و نورش را کمتر از نور آفتاب گردانیده که اگر مانند آفتاب می‌بود منفعت شب بر طرف می‌شد و مردم مانند روز در معاش خود به حرکت خواهند بود و سکون و راحت بر ایشان حرام می‌شد و موجب هلاک ایشان می‌گردید. و در تغییر احوال ماه که گاه بدر است و گاه هلال و گاه در بوه محاق و گاه در عقده خسوف و وبال

همانطور که می‌دانید نور ماه از خورشید نیست. اینکه نور ماه از خورشید است یکی از تحلیل‌های غلط ناسا است. نور ماه متعلق به خودش است و یکی از خاصیت‌هایش مزه‌دار کردن میوه‌ها و ... است. خورشید چه خاصیت‌هایی دارد؟ خورشید بخار کننده است، تحریک کننده صفر است، هیچ وقت روبروی خورشید قرار نگیرید،<sup>۷۶</sup> حرف دکترها دقیق نیست که می‌گویند خورشید ویتامین D در انسان ایجاد می‌کند. اگر خواستید که از خورشید استفاده کنید. کمرتان را رو به خورشید کنید. اگر نور از پشت به آدم بتابد، بیماری‌های نهفته را فعال نمی‌کند. اما اگر روبروی خورشید قرار بگیرید بیماری‌های نهفته‌ای که در بدن شماست، زودتر آشکار می‌شود. به اصطلاح بیماری‌ها در

---

و در حینی زاید و در زمانی ناقص، تنبیهی است بندگان را بر قدرت خداوندی که خالق و مقدر وی است و بر وفق مصالح عباد به هر نحو که می‌خواهد او را می‌گرداند.

مصدر اصلی: توحید المفضل، ص: ۱۳۱

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۳، ص: ۱۱۲

<sup>۷۶</sup>. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو يَحْيَى سُهَيْلُ بْنُ زِيَادِ الْوَاسِطِيُّ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: لَا تَسْتَقْبِلُوا الشَّمْسَ فَإِنَّهَا مَبْخَرَةٌ تُشْجِبُ اللَّوْنَ وَ تُبْلِي الثَّوْبَ وَ تُظْهِرُ الدَّاءَ الدَّفِينِ. امام علی علیه السلام: رو به خورشید قرار مگیرید؛ زیرا بدبو کننده دهان است، رنگ را می‌پراند، جامه را کهنه می‌سازد و دردهای نهفته را آشکار می‌نماید.

مصدر اصلی: الخصال، ج ۱، ص ۹۷

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۱۰ / بحار الأنوار، ج ۳، ص ۱۸۳

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ وَهْبِ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْمَرْزُوقِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: فِي الشَّمْسِ أَرْبَعُ خِصَالٍ تَغَيِّرُ اللَّوْنَ وَ تُنْتِنُ الرِّيحَ وَ تُخْلِقُ النَّيَّابَ وَ تُورِثُ الدَّاءَ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در آفتاب، چهار ویژگی است: رنگ را دگرگون می‌سازد، بوی [بدن] را بد می‌کند، جامه را کهنه می‌نماید، و بیماری بر جای می‌نهد.

مصادر اصلی: الخصال، ج ۱، ص ۲۴۹ / روضة الواعظین (فتال نیشابوری)، ج ۲، ص ۳۱۰ (مرسلا)

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۱۰ / بحار الأنوار، ج ۳، ص ۱۸۳

حَدِيثُ الْأَرْبَعِمَائَةِ: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدِ الْيَقِينِيِّ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعِمَائَةً بَابٍ مِمَّا يُضْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَالَ: ... إِذَا جَلَسَ أَحَدُكُمْ فِي الشَّمْسِ فَلْيَسْتَدْبِرْهَا فَإِنَّهَا تُظْهِرُ الدَّاءَ الدَّفِينِ.

امام علی علیه السلام: هر گاه کسی از شما در زیر آفتاب می‌نشیند، پشت به خورشید قرار گیرد؛ چرا که آفتاب، بیماری‌های نهفته را آشکار می‌سازد.

مصادر اصلی: الخصال، ج ۲، ص ۶۱۷ / تحف العقول، ص ۱۰۷ (مرسلا)

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۳، ص ۱۸

مرحله کمون و نهفتگی قرار دارند، اگر نور خورشید از پشت به بدن آدم بتابد، باعث می‌شود که بیماری‌ها از بین رفته و هیچ وقت آشکار نشود.

کوه چه خواصی دارد؟ شاید در حال حاضر فقط بحث کوهنوردی به ذهن خیلی‌ها تبادر کند. اما کوه یعنی معادن، به عبارت دیگر کوه و اشتغال را باید با فرزندان تان بحث کنید. کوه و زرنیخ، کوه و آهک، کوه و طلا، کوه و نقره، کوه و عسل. همه اینها که عرض شد، یا روایت دارد یا آیه دارد. کوه همیشه پر از عسل است، به عنوان مثال جای کاشت درختان میوه، کوهپایه است، زیرا نورگیری اش از ماه بیشتر است. نکته بعد اینکه هر جا کوه دیدید، آنجا پر از آب است.<sup>۷۷</sup> حرف‌های مدرن را قبول نکنید، هر جا کوه هست، آب هم هست. روش پیدا کردن آب در کوه هم اینگونه است که با حدس زدن هندسه کوه و تشخیص بخش‌های نازک کوه و سپس حفاری به منابع بزرگ آب خواهید رسید. یا اینکه در دامنه کوه چاه قنات حفر کنید. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «علی ظهر الماء» یعنی کوه‌ها

---

<sup>۷۷</sup>. **ارجاع پژوهشی:** وَ هُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَ جَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رِجَالًا لِيُحْسِيَ اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

و او کسی است که زمین را بگستراند و در آن کوه‌ها و رودها قرار داد و در آن از هر نوع میوه زوجی دوگانه آفرید، شب را به روز می‌پوشاند در این [امر] برای گروهی که اندیشه می‌کنند، مایه‌های عبرت است.

سوره مبارکه رعد، آیه ۳

بر پشت آب‌ها گذاشته شده‌اند.<sup>۷۸</sup> به این تصریح در روایت آمد است و با یک عبارت دیگر در قرآن هم آمده است.<sup>۷۹</sup> بعد آقایان می‌گویند که ما مشکل آب داریم. به اینها باید گفت که توصیف شما از خلقت غلط است، خدای متعال سه نوع آب خلق کرده است، آبی که از آسمان می‌آید، در آیات قرآن تصریح می‌کند که «و انزلنا من السماء ماء». آبی که زیر زمین است و آبی که روی زمین است.<sup>۸۰</sup> پس چرا آقایان می‌گویند که ما دچار کم آبی هستیم. زیرا یک

**۷۸. ارجاع پژوهشی:** و من خطبة له ع في عجيب صنعة الكون: وَ كَانَ مِنْ اِفْتِدَارِ جَبْرُوتِهِ وَ بَدِيعِ لَطَائِفِ صُنْعَتِهِ اَنْ جَعَلَ مِنْ مَاءِ الْبَحْرِ الرَّاخِرِ الْمُرَاكِمِ الْمُتَقَاصِفِ بَيْسًا جَامِدًا ثُمَّ فَطَرَ مِنْهُ اَطْبَاقًا فَفَتَقَهَا سَبْعَ سَمَاوَاتٍ بَعْدَ اِزْتِاقِهَا فَاسْتَمْسَكَتْ بِأَمْرِهِ وَ قَامَتْ عَلَى حَدِّهِ وَ أَرْضَى اَرْضًا يَحْمِلُهَا الْأَخْضَرُ الْمُتَعُنْجِرُ وَ الْقُمْقَامُ الْمُسَخَّرُ قَدْ ذَلَّ لِأَمْرِهِ وَ أَدْعَنَ لِهَيْبَتِهِ وَ وَقَفَ الْجَارِي مِنْهُ لِخَشْيَتِهِ وَ جَبَلَ جَلَامِيدَهَا وَ نُشُوزَ مُنُونِهَا وَ اَطْوَادَهَا [اَطْوَادَهَا] فَازْسَاهَا فِي مَرَايِسِهَا وَ الزَّمَهَا قَرَارَاتِهَا [قَرَارَاتِهَا] فَمَضَتْ رُءُوسُهَا فِي الْهَوَاءِ وَ رَسَتْ اُصُولُهَا فِي الْمَاءِ. فَأَنْهَدَ جِبَالَهَا عَنْ سُهُولِهَا وَ اَسَاخَ قَوَاعِدَهَا فِي مُنُونِ اَقْطَارِهَا وَ مَوَاضِعِ اَنْصَابِهَا فَأَشْهَقَ قِلَالَهَا وَ اَطَالَ اَنْشَازَهَا وَ جَعَلَهَا لِلْأَرْضِ عِمَادًا وَ اَرَزَهَا فِيهَا اَوْتَادًا فَسَكَنَتْ عَلَى حَرَكَتِهَا مِنْ اَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا اَوْ تَسِيخَ بِحَمْلِهَا اَوْ تَزُولَ عَنْ مَوَاضِعِهَا فَسُبْحَانَ مَنْ اَمْسَكَهَا بَعْدَ مَوْجَانِ مِيَاهِهَا وَ اَحْمَدَهَا بَعْدَ رُطُوبَةِ اَكْتِنَافِهَا فَجَعَلَهَا لِخَلْقِهِ مِهَادًا وَ بَسَطَهَا لَهُمْ فِرَاشًا فَوْقَ بَحْرِ لُجِّي زَاكِدٍ لَا يَجْرِي وَ قَائِمٍ لَا يَسْرِي تُكْرِكُهُ الرِّيَاحُ الْعَوَاصِفُ وَ تَمَخُّضَةُ الْعَمَامِ الدَّوَارِفُ - اِنْ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةٌ لِمَنْ يَخْشَى.

از خطبه‌های آن حضرت (امیرالمومنین (علیه السلام)) است در قدرت خداوند و خلقت زمین: از آثار اقتدار عظمتش، و شگفتی لطائف آفرینش، اینکه زمین خشک را از آب دریای عمیق و مترام که امواج درهم شکننده است به وجود آورد، سپس از آن آب طبقاتی آفرید، آن گاه هفت آسمان را بعد از آنکه به هم پیوسته بود از آن باز کرد، آسمانها به فرمان او خود را نگاه داشتند و بر اندازه‌ای که برای آنها مقرر فرموده بود بر پا شدند، و زمینی را که آب روان سبز رنگ آن را حمل می‌کند و دریای مستخر شده آن را بر می‌دارد استوار و پا بر جا نمود، دریایی که در برابر امرش خاکسار و در مقابل هیبتش تسلیم، و جریانش از خشیت او متوقف است. تخته سنگهای عظیم، و تپه‌های بلند و کوههای زمین را آفرید، و آنها را در جای خود ثابت نمود، و در قرارگاهشان مستقر کرد. قلّه کوهها در فضا بالا رفت، و ریشه آنها در آب قرار گرفت. کوهها را از زمینهای هموار بر افراشت، و پایه‌های آن را در پشت اطراف زمین و مراکزی که برقرارند فرو برد، قلّه‌ها را بالا برد، و بلندیهایی آن را طولانی نمود، و کوهها را ستون زمین ساخت، و چون میخ‌هایی بر آن کوبید، پس زمین متحرک ساکن شد از اینکه ساکنانش را به اضطراب اندازد، یا بارگانش را در خود فرو برد، یا از جای خود منحرف شود. منزه است خداوندی که زمین را پس از موج زدن آبهای نگاه داشت، و آن را پس از رطوبت اطرافش خشک نمود، و آن را برای خلق خود بستر آرام، و فرش گسترده قرار داد، آن هم روی دریای عمیق ساکنی که بی‌جریان است، و ایستاده و بی‌حرکت می‌باشد، که بادهای سخت آن را زیر و رو و این سو و آن سو می‌کند، و ابرهای پر باران آن را به جنبش می‌آورد، «همانا در این آثار برای اهل خشیت عبرت و پند است»

مصدر اصلی: نهج البلاغة (للصّحیحی صالح)، ص: ۳۲۸

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۵، ص: ۳۸

**۷۹. ارجاع پژوهشی:** وَ اَلْقَى فِي الْاَرْضِ رَوَاسِيًّ اَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ اَنْهَارًا وَ سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

و در زمین، کوه‌های ثابت و محکمی افکند تا لرزش آن را نسبت به شما بگیرد و نهرها و راه‌هایی ایجاد کرد تا هدایت شوید

سوره مبارکه نحل، آیه ۱۵

**۸۰. ارجاع پژوهشی:** وَ اَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَاَنْسَكْنَا فِي الْاَرْضِ وَ اِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهٖ لِقَادِرُونَ

و از آسمان آبی به اندازه فروفرستادیم پس آن را در زمین ساکن کردیم و /درحالی که همانا ما بر [از بین] بردن آن مسلماً توانایی ایم.

سوره مبارکه مؤمنون، آیه ۱۸

چیزی به نام سفره‌های زیرزمینی را فرض گرفته‌اند و بعد می‌گویند بارندگی کم شده است. پس معلوم است که فرض شان این است که فقط آب آسمان هست و این یعنی فرض‌های غلط. به همین خاطر سفره‌هایی انجام دادیم و در کنار کوه‌ها منابع عظیم آب پیدا کردیم و به مسؤولین نشان دادیم که می‌شود مشکل آب را به راحتی حل کرد. در الگوی فقهی مدیریت آب اینها را مفصل بحث می‌کنیم. پس باید اشیاء را هم معرفی کنید.

۴/۶/۱/۳. آشنایی با علوم غریبه و اسباب ظاهر و غریب؛ به عنوان سومین علم پایه و محتوای آموزش و پرورش مطلوب

آشنایی با اجنه و ملائکه الهی یکی از سرفصل‌های علوم غریبه به عنوان محتوای آموزش و پرورش مطلوب ۴/۶/۱/۳/۱.

سومین علم پایه‌ای که باید فرزندان شما یاد بگیرند این است که بگویید که دو نوع سبب در عالم وجود دارد؛ اسباب ظاهر و اسباب غریب، اسباب ظاهر مثل این است که وقتی آب می‌خورید تشنگی تان برطرف می‌شود. اسباب غریب اسبابی هستند که آنها را نمی‌بینیم ولی وجود دارند، مثل وجود اجنه، ملائکه<sup>۸۱</sup> و... یکی دیگر از کارهایی که مدرنیت با ذهن مردم کرده است این است که هیچ وقت با اسباب غریبه آشنا نخواهیم شد و به همین دلیل هم از آنها در زندگی مان استفاده نمی‌کنیم. یکی از دعوایی که قرآن کریم با مشرکین دارد این است که می‌گوید چرا می‌گویید

۸۱. **ارجاع پژوهشی:** أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ إِبْلِيسَ أَمَا كَانَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَمْ كَانَ يَلِي سَيْنًا مِنْ أَمْرِ السَّمَاءِ فَقَالَ لَمْ يَكُنْ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ لَمْ يَكُنْ يَلِي سَيْنًا مِنْ أَمْرِ السَّمَاءِ وَ لَا كَرَامَةَ فَاتَّيْتُ الطَّيَّارَ فَأَخْبَرْتُهُ بِمَا سَمِعْتُ فَأَنْكَرَهُ وَ قَالَ وَ كَيْفَ لَا يَكُونُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ - وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ فَدَخَلَ عَلَيْهِ الطَّيَّارُ فَسَأَلَهُ وَ أَنَا عِنْدَهُ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ رَأَيْتَ قَوْلَهُ عَزَّ وَ جَلَّ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا فِي غَيْرِ مَكَانٍ مِنْ مُحَاطَبَةِ الْمُؤْمِنِينَ أَدْخُلْ فِي هَذَا الْمُتَأَفِّقُونَ قَالَ نَعَمْ يَدْخُلُ فِي هَذَا الْمُتَأَفِّقُونَ وَ الضَّلَالُ وَ كُلُّ مَنْ أَقْرَبَ بِالذُّعْوَةِ الظَّاهِرَةِ.

جمیل بن دراج گفت از امام صادق (ع) سؤال کردم از ابلیس که آیا از ملائکه است یا چیزی آسمانی است. پس ایشان فرمودند که او نه از ملائکه است و نه از امری آسمانی است

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۸، ص: ۲۷۴

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۶، ص: ۵۰۷

الْعِيَّاشِيهِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ إِبْلِيسَ أَمَا كَانَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَوْ كَانَ يَلِي سَيْنًا مِنْ أَمْرِ السَّمَاءِ فَقَالَ لَمْ يَكُنْ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ كَانَتْ الْمَلَائِكَةُ تَرَى أَنَّهُ مِنْهَا وَ كَانَ اللَّهُ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ مِنْهَا وَ لَمْ يَكُنْ يَلِي سَيْنًا مِنْ أَمْرِ السَّمَاءِ وَ لَا كَرَامَةَ فَاتَّيْتُ الطَّيَّارَ فَأَخْبَرْتُهُ بِمَا سَمِعْتُ فَأَنْكَرَهُ وَ قَالَ كَيْفَ لَا يَكُونُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ اللَّهُ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ فَدَخَلَ عَلَيْهِ الطَّيَّارُ فَسَأَلَهُ وَ أَنَا عِنْدَهُ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا فِي غَيْرِ مَكَانٍ فِي مُحَاطَبَةِ الْمُؤْمِنِينَ أَدْخُلْ فِي هَذِهِ الْمُتَأَفِّقُونَ قَالَ نَعَمْ يَدْخُلُ فِي هَذِهِ الْمُتَأَفِّقُونَ وَ الضَّلَالُ وَ كُلُّ مَنْ أَقْرَبَ بِالذُّعْوَةِ الظَّاهِرَةِ.

عیاشی از جمیل بن دراج که از امام ششم علیه السلام پرسیدم از ابلیس که فرشته بود و یا کارمندی بود در آسمان؟ فرمود: فرشته نبود و فرشته‌ها او را از خود میدانستند، و خدا میدانست که فرشته نیست و هیچ کاری را در آسمان متصدی نبود و کرامتی نداشت. من نزد طیار آمدم و آنچه شنیده بودم باو گفتم، او منکر شد و گفت: چگونه از فرشته‌ها نبود و خدا فرماید بفرشته‌ها «بآدم سجده کنید و همه سجده کردند جز ابلیس» و خود طیار نزد آن حضرت آمد و از او پرسید و من نزدش بودم گفت: قربانت قول خدا: آیا گروه مؤمنان در چند جا است که خطاب با آنها است منافقان را هم می‌گیرد؟ فرمود: آری منافقان، گمراهان هر که در ظاهر اعتراف بدعوت اسلام دارد می‌گیرد

مصدر اصلی: تفسیر عیاشی، ج ۱ ص: ۳۳

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۰، ص: ۲۱۸

ملائکه دختران خدا هستند؟ این چه حرفی است که شما می‌زنید؟ «إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةً الْأُنثَى»<sup>۸۲</sup> بعد قرآن توضیح می‌دهد و می‌گوید «فَالْمُدْبِرَاتُ أُمَّرًا»<sup>۸۳</sup> ملائکه کارگزاران خدا هستند، کارهای خدا را انجام می‌دهند. مدبرات اربعه همان چهار ملک عظیم‌الشان هستند.<sup>۸۴</sup> غیر از میکائیل، جبرائیل، اسرافیل، عزرائیل که هر کدام یک لشکر از ملائک خاص در اختیارشان هست، کلی ملائکه دیگر هم داریم، باید راجع به اینها هم با فرزندان تان صحبت کنید، مثلاً بفرمایید که حضرت کاکائیل هم هست، حضرت شمائل هم هست و آنها را با اسم ملائکه آشنا کنید و هر کدام از اینها کاری انجام می‌دهند. روحانیل داریم، مثلاً کسانی که در دوران حمل بسیار خوش اخلاق می‌شوند، می‌گویند که حضرت روحانیل در او تصرف کرده است. بعضی از افراد که مدیریت جدی دارند، بعضی از ملائکه دیگر در آنها تصرف کرده است. بنابراین فرزندان تان را با اسباب غریب آشنا کنید.

<sup>۸۲</sup>. **ارجاع پژوهشی:** مسلماً کسانی که به آخرت ایمان ندارند، فرشتگان را در نامگذاری به نام زن نامگذاری می‌کنند؛

سوره مبارکه نجم، آیه ۲۷

<sup>۸۳</sup>. **ارجاع پژوهشی:** و سوگند به فرشتگانی که [به اذن خدا امور آفرینش را] تدبیر می‌کنند؛

سوره مبارکه نازعات، آیه ۵

<sup>۸۴</sup>. **ارجاع پژوهشی:** وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ الرَّضَا عَنِ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: كَانَ قَوْمٌ مِنْ حَوَاصِّ الصَّادِقِ ع جُلُوساً بِحَضْرَتِهِ فِي لَيْلَةٍ مُقَمَّرَةٍ مَضْحِيَّةٍ [مُضْحِيَّةٍ] فَقَالُوا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا أَحْسَنَ أَدِيمَ هَذِهِ السَّمَاءِ وَ أَنْوَارَ هَذِهِ النُّجُومِ وَ الْكَوَاكِبِ فَقَالَ الصَّادِقُ ع إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ هَذَا وَ إِنَّ الْمُدْبِرَاتِ الْأَرْبَعَةَ جِبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ مَلَكَ الْمَوْتِ ع يَنْظُرُونَ إِلَى الْأَرْضِ فَيَرَوْنَكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِ وَ نُورَكُمْ إِلَى السَّمَاوَاتِ وَ إِلَيْهِمْ أَحْسَنُ مِنْ أَنْوَارِ هَذِهِ الْكَوَاكِبِ وَ إِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ كَمَا تَقُولُونَ مَا أَحْسَنَ أَنْوَارَ هَؤُلَاءِ الْمُؤْمِنِينَ.

امام کاظم (علیه السلام) - امام عسکری (علیه السلام) از پدرانش از امام کاظم (علیه السلام) روایت کرده است که جمعی از یاران مخلص امام صادق (علیه السلام) در شبی مهتابی نزد ایشان نشسته بودند و عرض کردند: «ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله)! پوسته‌ی این آسمان چه زیبا است و نور این نجوم و ستارگان چه جالب است!» امام صادق (علیه السلام) فرمود: «شما این سخنان را می‌گویید درحالی‌که چهار فرشته‌ی تدبیر کننده یعنی جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و ملک الموت به زمین نگاه می‌کنند و شما و هم‌تایانتان را در مناطق مختلف زمین می‌بینند، درحالی‌که نوری که از شما به آسمان‌ها و زمین می‌تابد، از نور این ستارگان زیباتر است و آن‌ها نیز مشابه همان گفته‌ی شما را می‌گویند که: «نور این مؤمنان چه زیبا است!»

مصدر اصلی: عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص: ۲

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۵، ص: ۱۸

یکی از اسباب غریب اعداد و حروف<sup>۸۵</sup> هستند، می توانید از عدد استفاده کنید. مثلاً در چه جاهایی می شود از عدد استفاده کرد؟ در شرح ذکر کثیر، معمولاً کسانی که روایت خوانده اند، ذکر کثیر را عددی معنا می کنند. مثلاً از مشهوراتی که شنیده اید «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا»<sup>۸۶</sup> این ذکر کثیر در جاهای مختلف، معانی مختلفی دارد ولی در بعد از نماز یعنی ۳۴ مرتبه الله اکبر، ۳۳ مرتبه الحمدلله، ۳۳ مرتبه سبحان الله، سپس امام

<sup>۸۵</sup> **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ وَ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَنَسِ بْنِ أَبِي شَبَابَةَ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ سَالِمٍ رَفَعَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: قَالَ عُمَانُ بْنُ عَفَّانَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا تَفْسِيرُ أَنْجَدَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص تَعَلَّمُوا تَفْسِيرَ أَنْجَدَ فَإِنَّ فِيهِ الْأَعَاجِبَ كُلَّهَا وَيَلْ لَعَالِمِ جَهْلٍ تَفْسِيرُهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ص مَا تَفْسِيرُ أَنْجَدَ قَالَ أَمَّا الْأَلْفُ فَالَاءِ اللَّهِ حَرْفٌ مِنْ أَسْمَائِهِ وَ أَمَّا الْبَاءُ فَبَهْجَةُ اللَّهِ وَ أَمَّا الْجِيمُ فَجَنَّةُ اللَّهِ وَ جَمَالَ اللَّهُ وَ جَلَّالَ اللَّهُ وَ أَمَّا الدَّالُّ فَدِينُ اللَّهِ وَ أَمَّا هُوَ فَالْهَاءُ هَاءُ الْهَوَايَةِ فَوَيْلٌ لِمَنْ هَوَى فِي النَّارِ وَ أَمَّا الْوَاوُ فَوَيْلٌ لِأَهْلِ النَّارِ وَ أَمَّا الرَّايُّ فَزَاوِيَةٌ فِي جَهَنَّمَ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا فِي الرَّايَّةِ يَعْنِي زَوَايَا جَهَنَّمَ وَ أَمَّا حُطِّي فَالْحَاءُ حُطُوطُ الْخَطَايَا عَنِ الْمُسْتَغْفِرِينَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ مَا نَزَلَ بِهِ جِبْرِيْلُ ع مَعَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى مَطْلَعِ الْفَجْرِ وَ أَمَّا الطَّاءُ فَ طُوبَى لَهُمْ وَ حُسْنُ مَأْبٍ وَ هِيَ شَجَرَةٌ غَرَسَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِيَدِهِ وَ نَفَخَ فِيهَا مِنْ رُوحِهِ وَ إِنَّ أَعْصَانَهَا لَكَثْرَى مِنْ وَرَاءِ سُورِ الْجَنَّةِ تَثْبُتُ بِالْخُلِيِّ وَ الْحُلَلِ وَ الثَّمَارِ مُتَدَلِّيَةٌ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَ أَمَّا الْيَاءُ فَيَدُ اللَّهِ فَوْقَ خَلْفِهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ وَ أَمَّا كَلَمَنْ فَالْكَافُ كَلَامُ اللَّهِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَ لَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحِداً وَ أَمَّا اللَّامُ فَالْإِمَامُ أَهْلُ الْجَنَّةِ بَيْنَهُمْ فِي الرَّيَّازَةِ وَ التَّجْيَةِ وَ السَّلَامِ وَ تَلَاوُمِ أَهْلِ النَّارِ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَ أَمَّا الْمِيمُ فَمُلْكُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَزُولُ وَ دَوَامُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَفْتَنِي وَ أَمَّا النُّونُ فَ ن وَ الْقَلَمُ وَ مَا يَسْطُرُونَ فَالْقَلَمُ قَلَمٌ مِنْ نُورٍ وَ كِتَابٌ مِنْ نُورٍ فِي لُوحٍ مَحْفُوظٍ يَشْهَدُهُ الْمَقْرُونُونَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً أَمَّا سَعْفُصٌ فَالصَّادُ صَاعٌ بِصَاعٍ يَعْنِي الْجَزَاءُ بِالْجَزَاءِ كَمَا تَدْرِي تَدَائِدُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُرِيدُ ظُلْماً لِلْعِبَادِ وَ أَمَّا قَرَشْتُ يَعْنِي قَرَشَهُمْ فَحَشَرَهُمْ وَ نَشَرَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَ قَضِي بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ.

عثمان بن عفان از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پرسید تفسیر ابجد چیست؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود تفسیر ابجد را بیاموزید که همه عجائب در آنست و ای بر عالمی که تفسیر ابجد را نداند عرض شد یا رسول الله تفسیر ابجد چیست؟ فرمود الف آلاء خداست و حرفی است از اسماء او بآه بهجة خداست ج جنت و جلال و جمال خداست د دین خداست ه هوزه هاویه است و ای بر آنکه فرو شود در دوزخ و وای بر اهل دوزخ زاویه ایست در دوزخ و پناه بخدا از آنچه در زاویه است یعنی گوشه های دوزخ ح ح فرو ریختن گناه از آمرزشجویان در شب قدر و آنچه جبرئیل فرود آورد با فرشتگان تا سپیده دم ط طوبی بانان و سرانجام خوش و آن درختی است که خدایش کاشته و در آن از روح خود دمیده و شاخه هایش از پشت دیوار بهشت نمایانست زیور و جامه رویاند و بر دهان بهشتیان سرازیر است ی ید الله بالای همه خلق او است «سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» کلمن کاف کلام خداست که تبدیلی در کلمات خدا نیست و نیایی هرگز جز او پناهگاهی ل المام و ورود بهشتیانست بر پیغمبر خود در زیارت و تحية و درود و ملامت دوزخیان نسبت بیکدیگر م ملك خداست که زوال ندارد دوام خدا که فنا ندارد ن نون و القلم و ما یسطرونست که قلم از نور است و کتاب از نور در لوح محفوظی که مقربان بر آن گواهند و بس است خدا را برای گواه سعفص (ص) پیمان به پیمان و کيفر بکيفر یعنی جزاء بجزاء و چنانچه جزاء دهی جزاء داده شوی براستی خدا ستم بر بنده را نخواهد قرشت یعنی آنها را دریابد و محشورشان و منتشرشان سازد بسوی روز قیامت و بحق میان آنها حکم کند و ستم نشوند.

مصدر اصلی: الخصال، ج ۱، ص: ۳۳۱ / التوحيد (للمصدق)، ص: ۲۳۶ / الأملی (للمصدق)، النص، ص: ۳۱۷

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲، ص: ۳۱۷

<sup>۸۶</sup> **ارجاع پژوهشی:** ای اهل ایمان! خدا را بسیار یاد کنید

صادق علیه السلام می فرماید این را به فرزندان تان یاد بدهید<sup>۸۷</sup> و همه فکر می کنند که فقط همان حیث ذکر کثیرش مدنظر امام علیه السلام است. آن هم هست، ولی ایشان می خواهند اینجا عدد را هم به ما یاد بدهند. یا زمانی که می خواهید برای بعضی از بیماری ها و مشکلات، ابجد را محاسبه کنید، ذکر کثیر می شود عدد نام فرد بعلاوه عدد نام مادرش، اگر فرزند دختر است، بعلاوه عدد ابجدی کلمه «بنت» و اگر فرزند هست، بعلاوه عدد ابجدی کلمه «ابن»، ترکیب اینها ذکر کثیر می شود. البته همانطور که گفته شد، ذکر کثیر یک ساختاری دارد. علوم غریبه را به صورت مجزا بحث خواهیم کرد. فقط خواستیم بگوییم که فکر نکنید که عدد یعنی ۲ ضربدر ۲، این چه نوع ریاضی بحث کردن است که

<sup>۸۷</sup>. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ بَكْرِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ عَنْ ذُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ع - مِنْ الدُّكْرِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که ایشان فرمودند: تسبیح فاطمه الزهراء علیها السلام آن ذکر کثیری است که خدای عزوجل می فرماید: یاد کنید خدا را به ذکر کثیر.

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۵۰۰

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۶، ص: ۴۴۱ / مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۲، ص: ۱۳۴ / الوافی، ج ۸، ص: ۷۸۹

تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، ص: ۴۴۶ / بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۸۲، ص: ۳۳۱

وَ قَدْ رُوِيَ فِي خَبَرٍ آخَرَ عَنِ الصَّادِقِ ع أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا مَا هَذَا الدُّكْرُ الْكَثِيرُ قَالَ مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ ع فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ الدُّكْرَ الْكَثِيرَ

در خبر دیگر روایت شده است از امام صادق علیه السلام که از ایشان سؤال شد از قول خداوند عزوجل که یاد کنید خداوند را به ذکر کثیر، منظور از این ذکر کثیر چیست؟ ایشان فرمودند: هر کس تسبیح کند خدا را به تسبیحات فاطمه علیها السلام به تحقیق خدا را یاد کرده است به ذکر کثیر.

مصدر اصلی: معانی الأخبار، النص، ص: ۱۹۳

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: يَا أَبَا هَارُونَ إِنَّا نَأْمُرُ صَبِيَّاتِنَا بِتَسْبِيحِ فَاطِمَةَ ع كَمَا نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلَاةِ فَالزُّمَةُ فَإِنَّهُ لَمْ يَلْزَمُهُ عَبْدٌ فَسَقِيَ

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که ایشان فرمودند: ای ابا هارون به راستی که ما (اهل بیت) امر می کنیم کودکان مان را به [یادگیری و گفتن] تسبیح فاطمه علیها السلام همچنان که امر می کنیم ایشان را به نماز. پس الزام کنید کودکان تان را به این امر و اگر چنین نکنید بند ای شقی خواهد شد.

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص: ۳۴۳

منابع دیگر: ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، ج ۳، ص: ۶۱۰ / تهذیب الأحکام (تحقیق خرسان)، ج ۲، ص: ۱۰۵ / وسائل الشیعة، ج ۶، ص: ۴۴۱

بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۸۲، ص: ۳۲۸ / الوافی، ج ۸، ص: ۷۸۸ / مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۵، ص: ۱۷۶

هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام، ج ۳-۳، ص: ۱۸۷

سند امالی صدوق: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُورٍ رَضَوَانِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ ع

مصدر اصلی: الأمالی (للصدوق)، النص، ص: ۵۷۹

آقایان به ما یاد داده‌اند. اعداد یک پیچیدگی‌هایی دارد. البته خیلی‌ها اینها را بلد نیستند. مثلاً شما می‌توانید عدد وفق کنید، جدول اوفاق‌بنویسید که خیلی کارآمدی دارد. شاید برای جنگ بعدی یک رزمایش برگزار کردیم و یک جدول اوفاق نوشتیم که باعث بشه ناو آمریکا در خلیج فارس از کار بیفتد، می‌شود کلی از این جور کارها مانند کار نظامی، درمانی و ... با اعداد انجام داد. اما آن چیزی که می‌خواهم اینجا بگویم این است که بین عدد و ذکر کثیر ارتباط هست، که جز علوم غریبه است و باید راجع به آن بحث و گفتگو بشود. پس اسباب غریب را در خانه بحث کنید.

۴/۶/۱/۳/۳ . گفتگو با عالم اموات؛ یکی دیگر از شاخه‌های علوم غریبه به عنوان محتوای آموزش و پرورش مطلوب

یکی دیگر از اسباب غریبی که هست این است که به بچه‌هایتان مبتنی بر متن زیارتنامه‌ها حرف زدن با عالم اموات را نشان دهید. همانطور که می‌دانید که در همه زیارتنامه‌ها، تخاطب وجود دارد، آن تخاطب با کسی که در این دنیا نیست، پس ما از طریق زیارت نامه داریم با عالم اموات سخن می‌گوییم. منتها نکته اینجاست که دقت نمی‌کنیم و می‌گوییم که بروید زیارت نامه بخوانید. کسی را زیارت می‌کنیم که در این دنیا نیست. همانطور که می‌دانید در خود زیارتنامه‌ها دقتی هست که اگر متوجه آنها بشوید، از طرف عالم اموات هم جواب دریافت می‌کنید.

چیزهای بسیار ساده‌ای در روایات هست و اگر طلاب و مومنین در اینها دقت نکنند، نگاه‌های سکولار در آنها به وجود می‌آید. زیارت هم می‌خواند و رد می‌شود. زیارت نامه خواندن یعنی در حال تخاطب کردن هستید. به عنوان مثال زیارت نامه اهل قبول «السلام علی اهل لاله الا الله و ...»<sup>۸۸</sup> که معروف است و در همه قبرستان‌ها زده‌اند،

---

<sup>۸۸</sup>. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَمَّنْ ذَكَرَ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: يَخْرُجُ أَحَدُكُمْ إِلَى الْقُبُورِ فَيَسْأَلُ فَيَقُولُ السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ السَّلَامُ عَلَى مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ أَنْتُمْ لَنَا قَرِطٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ وَإِنَّا بِكُمْ لَاحِقُونَ وَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ بَعْدَ سُكْنَى الْفُصُورِ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ بَعْدَ النَّعْمَةِ وَالسُّرُورِ صِرْتُمْ إِلَى الْقُبُورِ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ كَيْفَ وَجَدْتُمْ طَعْمَ الْمَوْتِ ثُمَّ يَقُولُ وَيَلْ لِمَنْ صَارَ إِلَى النَّارِ فَيَهْرِيقُ دَمْعَتَهُ ثُمَّ يَتَصَرَّفُ

محمد بن الحسن بن الولید از کسی که ذکرش نموده، از احمد بن ابی عبد الله برقی، از پدرش، از سعد بن مسلم، از علی بن ابی حمزه از ابی بصیر، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند: هر گاه یکی از شما به قبرستان رفتید، و ابتداء به اهل قبور سلام کرده و سپس بگوئید: درود بر اهل قبور، درود بر مؤمنین و مسلمین که در قبور می‌باشند، شما بر ما سبقت گرفتید و ما تابع شما بوده و ان شاء الله به شما ملحق خواهیم شد، ما برای خدا بوده و به سوی او برمی‌گردیم، ای کسانی که در قبرها خفته‌اید بعد از آنکه در قصرها بودید، ای کسانی که در قبرها خوابیده‌اید بعد از آنکه اهل نعمت و سرور و شادی بودید، به قبور داخل شدید، ای اهل قبور: مژه مرگ را چگونه یافتید؟! سپس بگوئید: وای بر کسی که پس از این وادی به دوزخ داخل شود. سپس اشکهای آن حضرت ریخت و از قبرستان باز گشتند.

مصدر اصلی: کامل الزیارات، النص، ص: ۳۲۳

منابع دیگر: مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ص: ۳۶۷ / بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۹، ص: ۲۹۹

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع كَيْفَ التَّسْلِيمِ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ فَقَالَ نَعَمْ تَقُولُ - السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ أَنْتُمْ لَنَا قَرِطٌ وَ نَحْنُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ.

دارای چهار نکته است که اگر آن نکات را شما دریافت کنید، آن میت با شما حرف خواهد زد. اساساً این زیارتنامه‌ها برای همین منظور است. به عنوان مثال یک نکته اش این است که می‌گوید کیف وجدتم قول لا اله الا الله. یعنی در حال تخاطب هستید. به قبرستان رسیده اید و در حال سلام دادن هستید، سلام بر کسانی که اهل توحید بودند، در حال معرفی اینها هستید و می‌گویید که شما اهل توحید بودید، «من اهل لا اله الا الله» از کسی که اهل توحید است، دارید فضا را آماده می‌کنید که میت به شما خبر بدهد، زیرا نحوه حرف زدن خیلی مهم است، روی مهم‌ترین چیز با میت صحبت می‌کنید.

زیرا کسی که از دنیا می‌رود کاملاً معنای توحید را می‌فهمد، یکی از جذابیت‌های مرگ که خیلی جذاب است و انسان را مشتاق می‌کند که زودتر از این دنیا برود، خیلی آشکار ربوبیت الهی را درک می‌کنند. اولین موردش هم این است که از جذابیت‌ها و مبشرات برای مؤمنین هستید، وقتی که از دنیا می‌روید؛ چه مؤمن باشید و چه کافر، مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت می‌کنید.<sup>۸۹</sup> خیلی جذابیت‌های دیگری هم خدای متعال برای دنیای پس از مرگ گذاشته

---

عبد الله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چگونه می‌توان بر اهل قبور سلام داد؟ فرمود: آری، می‌گویی: «السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ، أَنْتُمْ لَنَا فِرْطُ وَنَحْنُ إِنِ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِاحْقُونُ»؛

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص: ۲۲۹

مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۴، ص: ۱۹۳ / وسائل الشیعة، ج ۳، ص: ۲۲۵ / الوافی، ج ۲۵، ص: ۵۷۹ / بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۹، ص: ۲۹۷

(به سند کامل زیارات با کمی اضافات) حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ  
مصدر اصلی: کامل زیارات، النص، ص: ۳۲۱

<sup>۸۹</sup>. **ارجاع پژوهشی:** الْفَضِيلُ بْنُ يَسَارٍ عَنِ الْبَاقِرِيِّ عَ قَالَ حَرَامٌ عَلَيَّ رُوحَ أَنْ تُفَارِقَ جَسَدَهَا حَتَّى تَرَى مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ حَسَنًا وَ حُسَيْنًا بِحَيْثُ تَقَرَّرُ عَيْنُهَا  
از امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام نقل شده است که ایشان فرموده اند: حرام است بر روح انسان اینکه مفارقت و جدایی از جسدش تا زمانی که ببیند محمد صلی الله علیه و آله و علی و حسن و حسین علیهم السلام را به جهت روشنایی چشم.

مصدر اصلی: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶، ص: ۱۹۱

بشارة المصطفى مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ شَهْرَبَارٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النَّوْسِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْقُرَشِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ الْأَحْمَسِيِّ (۲) عَنْ عَبْدِ بْنِ كَثِيرٍ الْهَلَالِيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ مُسَاوِرٍ عَنْ أَبِي الْجَزَّوْدِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عَ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ يَحْيَى بْنُ مُسَاوِرٍ أَخْبَرَنَا أَبُو خَالِدٍ الْوَأَسْطِيُّ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَ قَالُوا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تُفَارِقُ رُوحَ جَسَدِ صَاحِبِهَا حَتَّى تَأْكُلَ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ أَوْ مِنْ شَجَرَةِ الرَّقُومِ وَ حِينَ تَرَى مَلَكَ الْمَوْتِ تَرَانِي وَ تَرَى عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ حَسَنًا وَ حُسَيْنًا عَ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّنَا قُلْتُ يَا مَلَكَ الْمَوْتِ ارْزُقْ بِهِ إِنَّهُ كَانَ يُحِبُّنِي وَ يُحِبُّ أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنْ كَانَ يُبْغِضُنَا قُلْتُ يَا مَلَكَ الْمَوْتِ شَدِّدْ عَلَيْهِ إِنَّهُ كَانَ يُبْغِضُنِي وَ يُبْغِضُ أَهْلَ بَيْتِي.

امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل می‌کند که ایشان از پیامبر اسلام ص نقل کرده اند که ایشان فرمود: بین روح و جسد انسان جدایی نمی‌افتد تا زمانی که از میوه‌های بهشت یا شجره زقوم جهنم بخورد و هنگامی که ملک الموت را مشاهده می‌کند، می‌بیند مرا و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را؛ پس اگر از محبین ما باشد می‌گویم ای ملک الموت رفیق و مدارا کن با او زیرا او از محبین من و محبین اهل بیت من است و اگر از دشمنان ما باشد، می‌گویم ای ملک الموت او را به شدیدترین وجه بگیر، زیرا او از مبغضین من و اهل بیت من است.

است. پس وقتی که با میت صحبت می‌کنید و می‌گویید که من اهل لا اله الا الله هستم، در واقع در حال تخاطب با او هستید و می‌گویید السلام علی اهل لا اله الا الله و به بزرگترین داشته اش هم او را توصیف می‌کنید و می‌گویید که سرمایه اصلی شما درک لا اله الا الله است، من هم اهل لا اله الا الله هستم، خواهش می‌کنم به من بگو معنای لا اله الا الله چیست؟ کیف وجدتم قول لا اله الا الله. بنابراین این عبارت در حال آماده سازی اموات از اهل لا اله الا الله است. در ادامه هم چند نکته مثل همین وجود دارد. کیف وجدتم قول لا اله الا الله. خوب او چگونه باید به شما پاسخ بدهد؟ به ۳ طریق این پاسخ‌دهی امکان دارد؛ اولین احتمال اینکه ممکن است در عالم خواب میت جواب شما را بدهد. دو یا سه مدل دیگر هم برای ارتباط گیری وجود دارد. انشاء الله بعد از اینکه الگوی تفاهم و تخاطب با عالم ارواح را بحث کردیم، بیشتر آن را شرح خواهیم داد. همانطور که توجه داشتید خیلی ملتزم بودیم که در اینجا هم شهودی صحبت نکنیم، مثل سبکی که در حوزه عرفان نظری وجود دارد، خصوصاً در تصوف خیلی خطرناک است که دائماً در حال گفتن اینگونه شهودات بدون هیچ سندی هستند. اما ما از درون همین زیارتنامه‌ها الگوی فقهی گفتگو با عالم اموات را اثبات و تبیین خواهیم کرد و این الگو، یک الگوی عمومی هم است و مربوط به افراد خاص نیست. می‌توانید با اموات ارتباط گرفته و صحبت کنید و آنها هم پاسخ شما را بدهند. در این صورت اسباب غریب عالم را خیلی خوب متوجه خواهید شد.

۴/۶/۱/۳/۴. بحث از ۹۰ مسأله در خصوص تنظیم زندگی انسان و جن؛ یکی دیگر از شاخه های علوم غریبه به عنوان

#### محتوای آموزش و پرورش مطلوب

یکی دیگر از بحث‌های جدول علوم غریبه این است که ۹۰ مسأله در موضوع تنظیم زندگی انسان و جن داریم.<sup>۹۰</sup> بالاخره جن‌ها وجود دارند و قبل از ما هم در زمین زندگی می‌کردند. در روایات هم وجود دارد که وقتی خدای متعال

مصدر اصلی: بشارة المصطفی المطبوع: «النرسی

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶، ص: ۱۹۴

<sup>۹۰</sup> **ارجاع پژوهشی:** عَنْهُ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ مُخْتَارٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا أَكَلْتَ الطَّعَامَ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ فِي أَوَّلِهِ وَ آخِرِهِ فَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا سَمَى فِي طَعَامِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْكُلَ لَمْ يَأْكُلْ مَعَهُ الشَّيْطَانُ وَ إِذَا لَمْ يُسَمِّ أَكَلَ مَعَهُ الشَّيْطَانُ وَ إِذَا سَمَى بَعْدَ مَا يَأْكُلُ وَ أَكَلَ الشَّيْطَانُ مَعَهُ تَقِيًّا مَا كَانَ أَكَلَ

امام صادق علیه السلام فرموده اند: زمان خوردن طعام بسم الله بگویند در اول و آخر آن، پس به راستی اگر بنده ای چنین کند قبل از خوردن طعامش شیطان با او شریک نمی شود در خوردن آن طعام و اگر چنین نکند شیطان با او هم غذا خواهد شد و اگر بعد از خوردن طعام بسم الله بگوید شیطان با او هم غذا خواهد شد ولی هر آنچه را خورده است غی خواهد کرد.

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص: ۴۳۲

خواست انسان را خلق کند، جن‌ها به اصطلاح امروزی‌ها اغتشاش و تجمع کردند که چرا انسان را خلق می‌کنید و یک اعتراض جدی به خلقت ما داشته‌اند. لذا قبل از ما در اینجا زندگی می‌کردند، بعد از اینکه که زندگی انسان در روی زمین هم شروع شد، تداخل در زندگی بین انسان و جن یک امر دائمی بود. پیامبران هم برای حل این مسأله و اختلال یک تدابیر دائمی داشته‌اند.<sup>۹۱</sup>

---

عَلِيٌّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُمَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِذَا أَكَلْتَ الطَّعَامَ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ فِي أَوَّلِهِ وَ آخِرِهِ فَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا سَمِيَ قَبْلَ أَنْ يَأْكُلَ لَمْ يَأْكُلْ مَعَهُ الشَّيْطَانُ وَ إِذَا لَمْ يُسَمَّ أَكَلَ مَعَهُ الشَّيْطَانُ فَإِذَا سَمِيَ بَعْدَ مَا يَأْكُلُ وَ أَكَلَ الشَّيْطَانُ مَعَهُ تَقِيًّا الشَّيْطَانُ مَا كَانَ أَكَلَ.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است: که چون بخوری بگو بسم الله در آغاز و انجامش زیرا چون بنده پیش از خوردن نام خدا برد شیطان با او نخورد و اگر نبرد بخورد و چون در پایان نام خدا برد آنچه شیطان خورده قی کند.

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۲۹۴

منابع دیگر: مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۲، ص: ۱۰۸ / الوافی، ج ۲۰، ص: ۴۷۳ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص: ۳۴۹

بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۳، ص: ۳۷۲ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸-، ص: ۱۲۴

**۹۱. ارجاع پژوهشی:** رُوِيَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ صَنَعَ لَنَا أَبُو حَمْزَةَ طَعَامًا وَ نَحْنُ جَمَاعَةٌ فَلَمَّا حَضَرُوا رَأَى أَبُو حَمْزَةَ رَجُلًا يَنْهَكَ عَظْمًا فَصَاحَ بِهِ وَ قَالَ لَا تَفْعَلْ فَإِنِّي سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ع يَقُولُ لَا تَنْهَكُوا الْعِظَامَ فَإِنَّ لِلْجِنَّ فِيهَا نَصِيبًا فَإِنْ فَعَلْتُمْ ذَهَبَ مِنَ الْبَيْتِ مَا هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ ذَلِكَ.

علی بن اسباط از پدرش نقل می‌کند که روزی ابو حمزه برای ما طعامی درست کرد و ما جماعتی بودیم، در این هنگام دید ابو حمزه مردی را که استخوان های غذا را کاملاً پاک می‌کرد، پس او را مورد خطاب قرار داد و گفت چنین نکن! حقیقتاً شنیدم از علی بن حسین علیه السلام که فرمودند: استخوان ها را به صورت کامل نخورید زیرا برای اجنه هم در این استخوان نصیبی قرار داده شده است و اگر چنین کنید از خانه شما چیزی که بهتر از آن استخوان است خواهد رفت.

مصدر اصلی: من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص: ۳۵۰

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص: ۴۰۲ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸-، ص: ۱۰۱

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْهَيْثَمِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: صَنَعَ لَنَا أَبُو حَمْزَةَ طَعَامًا وَ نَحْنُ جَمَاعَةٌ فَلَمَّا حَضَرْنَا رَأَى رَجُلًا يَنْهَكَ عَظْمًا فَصَاحَ بِهِ فَقَالَ لَا تَفْعَلْ فَإِنِّي سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ع يَقُولُ لَا تَنْهَكُوا الْعِظَامَ «(۱)» فَإِنَّ فِيهَا لِلْجِنَّ نَصِيبًا وَ إِنْ فَعَلْتُمْ ذَهَبَ مِنَ الْبَيْتِ مَا هُوَ خَيْرٌ مِنْ ذَلِكَ.

هیثم گوید: ابو حمزه برای گروهی از ما غذایی تهیه نمود، هنگامی که کنار سفره حاضر شدیم، ابو حمزه دید یکی از حاضران استخوان را پاک می‌کند و می‌خورد فریاد زد و گفت: استخوان‌ها را پاک نکن؛ زیرا از امام سجاد علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: استخوان‌ها را پاک نکنید؛ چرا که در آن برای جنیان سهمی است و اگر چنین کنید چیزی از خانه شما خواهد رفت که بهتر از آن (استخوان) است.

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۳۲۲

(به سند محاسن) عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْهَيْثَمِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص: ۴۷۲

### راهکارهای ساده برای تنظیم زندگی انسان

این تدابیر، تدابیری ساده هستند. به غذاها و اشیاء دوست داشتنی جن‌ها دست نزنید. به عنوان مثال اجنه به چربی خیلی علاقه دارند، خصوصاً چربی مغز استخوان، لذا نبی مکرم اسلام ﷺ فرموده‌اند که خوردن استخوان مکروه است.<sup>۹۲</sup> نبی مکرم اسلام ﷺ از چیزهای غریب شروع نمی‌کنند، بلکه از چیزهایی که سال‌های سال همه علمای گفته‌اند شروع می‌کنند. به همین سادگی به فرزندان تان یاد بدهید که استخوان داخل آبگوشت را مقداری از چربی اش را بخورید و بقیه را برای اجنه بگذارید. اجنه به آب خیلی علاقه مند هستند، بنابراین در محیط مرطوب و تر نخواهید. آقایان علماء می‌گویند که آب شب مانده را نخورید و اگر میخواهید آبی کنار تان بگذارید، درپوشی روی آن بگذارید تا جن‌ها آن را مسخ نکنند. قرآن تأکید دارد که جن‌ها خیلی به آب علاقه مند هستند.<sup>۹۳</sup> یا در روایات هست که آهن برای جن‌ها خلق شده است.<sup>۹۴</sup> خدای متعال یک مجموعه خدمات برای همه موجودات خلق کرده است، مثل اینکه

<sup>۹۲</sup>. ارجاع پژوهشی: همان

<sup>۹۳</sup>. ارجاع پژوهشی: وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا

و اگر [انس و جن] بر طریقه حق پایداری کنند حتماً آنان را از آب فراوانی سیراب خواهیم کرد،

سوره مبارکه جن، آیه ۱۶

<sup>۹۴</sup>. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ رَجُلٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مَوْسَى بْنِ أَكْبِيلِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الْحَدِيدِ أَنَّهُ حَلِيَّةُ أَهْلِ النَّارِ وَالذَّهَبُ حَلِيَّةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَجَعَلَ اللَّهُ الذَّهَبَ فِي الدُّنْيَا زِينَةَ النَّسَاءِ فَحَرَّمَ عَلَى الرَّجَالِ لُبْسَهُ وَالصَّلَاةَ فِيهِ وَجَعَلَ اللَّهُ الْحَدِيدَ فِي الدُّنْيَا زِينَةَ الْجِنَّ وَالشَّيَاطِينِ فَحَرَّمَ عَلَى الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَلْبَسَهُ فِي الصَّلَاةِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ قِتَالًا عَدُوًّا فَلَا بَأْسَ بِهِ قَالَ قُلْتُ لَهُ قَالَ الرَّجُلُ فِي السَّفَرِ يَكُونُ مَعَهُ السَّكِّينُ فِي حَقِّهِ لَا يَسْتَعْنِي عَنْهُ أَوْ فِي سَرَاوِيلِهِ مَشْدُودًا وَالْمِفْتَاحُ يَحْسَى إِنْ وَضَعَهُ ضَاعَ أَوْ يَكُونُ فِي وَسْطِهِ الْمِنْطَقَةُ مِنْ حَدِيدٍ قَالَ لَا بَأْسَ بِالسَّكِّينِ وَالْمِنْطَقَةَ لِلْمُسَافِرِ أَوْ فِي وَقْتِ ضُرُورَةٍ وَكَذَلِكَ الْمِفْتَاحُ إِذَا خَافَ الضَّيْعَةَ وَالنُّسْبَانَ وَ لَا بَأْسَ بِالسَّيْفِ وَ كُلِّ آلَةٍ السَّلَاحِ فِي الْحَرْبِ وَ فِي غَيْرِ ذَلِكَ لَا يَجُوزُ الصَّلَاةُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْحَدِيدِ فَإِنَّهُ نَجَسٌ مَمْسُوحٌ.

امام صادق صلوات الله عليه در مورد آهن فرمود: آن زیور اهل آتش است و طلا زیور اهل بهشت است و الله طلا را در دنیا زینت زنان قرار داده است، پس پوشیدن و نماز خواندن در آن را بر مردان حرام نموده است و الله آهن را در دنیا زینت جن و شیاطین قرار داده است، پس بر شخص مسلمان حرام نموده است که آن را در نماز بپوشد، مگر اینکه در مقابل دشمن (یعنی در جنگ) باشد که اشکالی به آن نیست. گوید: گفتم: شخصی در مسافرت می‌باشد و کاردی در چکمه خود دارد که از آن بی‌نیاز نیست یا در شلوار خود آن را بسته است و کلیدی که می‌ترسد که اگر آن را بگذارد ضایع شود یا در میان خود کمربندی از آهن دارد (اینها چطور می‌شود)؟ امام فرمود: کارد و کمر بند برای مسافر یا در وقت ضرورت و همچنین کلید در صورتی که از گم شدن و فراموش شدن خوف داشته باشد اشکالی ندارد و شمشیر و هر آلت سلاح در جنگ اشکالی ندارد و در غیر این حالات، نماز در چیزی از آهن جائز نیست زیرا آن غیر نظیف مسخ شده است!

مصدر اصلی: تهذیب الأحكام (تحقیق خراسان)، ج ۲، ص: ۲۲۷

منابع دیگر: الوافی، ج ۷، ص: ۴۲۷ / ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخیار، ج ۴، ص: ۲۳۵ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص: ۸۷

می‌فرمایید که علف برای حیوانات خلق کرده است، چغندر را برای گاو خلق کرده است، حالا بگذریم که در دوران مدرن انسان‌ها هم چغندر می‌خورند، آهن هم از جمله خدماتی است که خداوند به جن‌ها داده است. چطور طلا مخصوص خانم‌هاست، آهن هم مختص جن‌هاست. بنابراین سعی کنید که اشیاء خانه‌تان را هیچ وقت از جنس آهنی قرار ندهید و اگر در دنیای مدرن اینگونه است، یک آهن‌ربا همیشه در جیب‌تان داشته باشید و تست کنید که هر چیزی می‌خرید، آهن درونش نباشد. اگر هم چاره‌ای نبود که بعضی وسایل از جنس آهن باشد، سعی کنید آن آهن پوشیده به چیزی باشد. مثلاً با رنگ یا کچ روی آهن را بپوشانید. نگذارید آهن عریان باشد، زیرا تجمع جن ایجاد می‌کند از این علوم غریبه‌ای که من راجع به جن‌ها می‌گویم، حدود ۲۰ تا از تدابیر راجع به این است که شما حق ندارید اشیاء مورد علاقه آنها را استفاده کنید.<sup>۹۵</sup> البته استثنائاتی وجود دارد که از حضرت پرسیده می‌شود که چه جاهایی می‌توانیم از آهن استفاده کنیم؟ حضرت می‌فرماید؛ سه جا اشکال ندارد، یکی برای کلید خانه، دومی برای ذبح و سومی هم برای ساخت شمشیر است.<sup>۹۶</sup>

پاک‌سازی درون بدن برای اینکه جن جذب شما نشود، خیلی مهم است. بنابراین نگذارید بدن‌تان نجس شود و اخلاط هم که غذای جن‌هاست، را سعی کنید که از بدن‌تان خارج کنید به این شکل که مستحب است موقع وضو استنشاق کنید.<sup>۹۷</sup> همانطور که گفته شد اجنه به چربی علاقه‌مند هستند. خروجی مغز (اخلاط) که بیرون می‌آیند

<sup>۹۵</sup>. **ارجاع پژوهشی:** به باورقی شماره ۹۱ رجوع شود.

<sup>۹۶</sup>. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عُبَيْدٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ فِي السَّفَرِ وَمَعَهُ السَّكِّينُ فِي حُفِّهِ لَا يَسْتَعِينُ عَنْهَا أَوْ فِي سَرَاوِيلِهِ مَشْدُوداً وَ الْمِفْتَاحُ يَخَافُ عَلَيْهِ الصَّبْعَةَ أَوْ فِي وَسْطِهِ الْمِنْطَقَةَ فِيهَا حَدِيدٌ قَالَ لَا بَأْسَ بِالسَّكِّينِ وَ الْمِنْطَقَةِ لِلْمَسَافِرِ فِي وَقْتِ صُرُورَةٍ وَ كَذَلِكَ الْمِفْتَاحُ يَخَافُ عَلَيْهِ أَوْ فِي الثَّنْبَانِ وَ لَا بَأْسَ بِالسَّنْفِ وَ كَذَلِكَ آلَةُ السَّلَاحِ فِي الْحَرْبِ وَ فِي غَيْرِ ذَلِكَ لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْحَدِيدِ فَإِنَّهُ نَجَسٌ مَمْسُوحٌ.

موسی بن اکیل نمیری گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: شخصی در سفر و (در حال نماز) کاردی به همراه دارد که در کفش اوست و بدان نیاز دارد، یا آن را به شلوار خود بسته است، کلیدی همراه اوست که می‌ترسد، گم شود، یا کمربندی دارد که آهن در آن به کار رفته است (حکمش چیست؟) فرمود: به همراه داشتن کارد و کمربند برای مسافر از روی ضرورت، یا کلیدی که از گم شدنش می‌ترسد، یا از روی فراموشی چنین چیزهایی همراه اوست، اشکال ندارد. هم چنین به همراه داشتن شمشیر و هر سلاح جنگی ایرادی ندارد، اما در غیر این موارد، نماز خواندن با هر چیز آهنی (که به همراه نمازگزار باشد) جایز نیست؛ زیرا آهن نجس است که مسخ شده و از صورت اصلی خود بیرون آمده است.

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص: ۴۰۰

منابع دیگر: مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۵، ص: ۳۱۴ / وسائل الشیعة، ج ۴، ص: ۶۱۹ /

<sup>۹۷</sup>. **ارجاع پژوهشی:** أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ لِيُبَالِغْ أَحَدُكُمْ فِي الْمَضْمَضَةِ وَ الْإِسْتِنْشَاقِ فَإِنَّهُ غُفْرَانٌ لِمَا تَكَلَّمَ بِهِ الْعَبْدُ وَ مُنْفَرَةٌ لِلشَّيْطَانِ.

حاوی مقادیر بسیار زیاد چربی هستند. بنابراین همیشه مجاری بینی تان را پاک سازی کنید. یکی از کارها بعد از جنابت و قبل از غسل باید انجام دهید قرقره کردن است.<sup>۹۸</sup> زیرا بعد از حالت جنابت آدم هم تعریق زیادی دارد و هم خلط تجمع شده‌ای در گلویش ایجاد می‌شود که غذای مورد علاقه آنهاست. نجاست درون خانه هم اجنه را به خود جذب می‌کند. پس اگر نجاست در خانه وجود دارد سریعاً آن را تمییز کنید. اشیاء ضد سحر را به فرزندان تان یاد بدهید تا کمتر دچار طلسم بشوند.<sup>۹۹</sup> زیرا یکی از چالش‌های آخرالزمان و قبل از ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام این

---

سکونی از امام جعفر صادق علیه السلام از پدران‌ش علیهم السلام از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم روایت کند که فرمود: زیاد مضمضه و استنشاق بنمائید، چون باعث آمرزش گناهان شما، و بیزاری شیطان است.

مصدر اصلی: الجعفریات (الأشعثیات)، ص: ۳۰

منابع دیگر: مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱، ص: ۳۲۴ / النوادر (للراوندي)، ص: ۴۴

(به سند ثواب الاعمال و وسایل الشیعه) حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَاجِلَوَيْهِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التُّوفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

مصدر اصلی: ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، النص، ص: ۱۹

منابع دیگر: وسائل الشیعه، ج ۱، ص: ۴۳۲

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَ حَمْسٍ مِنَ السُّنَنِ فِي الرَّأْسِ وَ حَمْسٍ فِي الْجَسَدِ فَأَمَّا النَّبِيُّ فِي الرَّأْسِ فَالسَّوَاكُ وَ أَخَذُ الشَّارِبِ وَ فَرَّقُ الشَّعْرِ وَ الْمَضْمُضَةُ وَ الْإِسْتِنْشَاقُ وَ أَمَّا النَّبِيُّ فِي الْجَسَدِ فَالْحِثَانُ وَ حَلْقُ الْعَانَةِ وَ تَنْفِ الْإِبْطِينِ وَ تَقْلِيمِ الْأَطْفَارِ وَ الْإِسْتِنْجَاءُ.

به سند خصال تا امام کاظم (علیه السلام) که ایشان فرمود فرمود: پنج سنت در سر باشند و پنج در تن اما آنچه در سر باشند مسواک زدن و موی سبیل چیدن و موی سر را دو تا کردن و مضمضه است و استنشاق و اما آنچه در تن باشند: ختنه است و چیدن موی زهار و کندن موی زیر دو بغل و چیدن ناخنها و استنجاء (مضمضه: گرداندن آب در دهان و استنشاق: کشیدن آب در بینی و استنجاء: شستن مقعد با آب).

مصدر اصلی: الخصال، ج ۱، ص: ۲۷۱

منابع دیگر: وسائل الشیعه، ج ۲، ص: ۱۱ / بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۱، ص: ۱۰۹

<sup>۹۸</sup>. **ارجاع پژوهشی:** وَ زُوِيَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ أَنَّ الصَّادِقَ ع قَالَ فِي غَسْلِ الْجَنَابَةِ إِنْ شِئْتَ أَنْ تَمَضْمَضَ وَ تَسْتَنْشِقَ فَافْعَلْ وَ لَيْسَ بِوَاجِبٍ لِأَنَّ الْغُسْلَ عَلَى مَا ظَهَرَ لَا عَلَى مَا بَطَّنَ.

روایت شده در حدیث دیگر از امام صادق علیه السلام که فرمودند: در غسل جنابت مضمضه کردن و استنشاق از سنت است، پس انجام بده ولی واجب نیست. زیرا غسل ظاهر را تطهیر می‌کند و نه باطن بدن را.

مصدر اصلی: علل الشرائع، ج ۱، ص: ۲۸۷

منابع دیگر: وسائل الشیعه، ج ۲، ص: ۲۲۶ / بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۸، ص: ۴۴ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۱، ص: ۱۸۲

<sup>۹۹</sup>. **ارجاع پژوهشی:** عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الدَّهْقَانِ عَنْ دُرَيْسَ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَكَلَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعَ تَمْرَاتٍ عَجْوَةٍ عَلَى الرَّيْقِ مِنْ تَمْرِ الْعَالِيَةِ لَمْ يَبْصُرْهُ سَمٌّ وَ لَا سِحْرٌ وَ لَا شَيْطَانٌ.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: هر کس هر روز، ۷ خرماى عجوه با معده خالی بخورد، سم و سحر و شیطان به او آسیبی نمی‌رساند.

است که قطعاً و بلاشک تصرف شیطان در نزدیکی ظهور بسیار زیاد خواهد شد و باعث می‌شود که علناً و آشکارا اجنه در زندگی انسان‌ها دخالت کنند و یکی از علائمش هم این است که در فیلم‌های هالیوودی و بازی‌های کودکان جن وجود دارد و برخی بازی‌ها، بازی با اجنه است. زیرا می‌خواهند که ذهن‌ها را برای اتفاقات آماده کنند. زیرا طبق روایات در دوره آخر الزمان جبهه باطل شکست می‌خورد و آخرین تدبیرش وارد کردن سحر به میدان است. لذا اندک زمانی که به ظهور مانده است ما محتاج این دستورات هستیم.

۴/۶/۱/۳/۴/۲ . مصرف اشیاء ضد سحر مانند خوردن سیب به صورت ناشتا، مصرف گوشت شتر، کوتاه کردن مو و

#### ناخن از دیگر دستورات برای تنظیم روابط انسان و اجنه

یکی از این دستورات این است که به سمت مصرف کردن اشیاء ضد سحر بروید. به عنوان مثال مصرف سیب خاصیت ضد سحر دارد و سعی کنید از همین سیب‌های زردی که هنوز ترا ریخته نشده‌اند مصرف کنید. ناشتا صبح به صبح مصرف کنید.<sup>۱۰۰</sup> خداوند متعال خاصیتی در سیب قرار داده است که اجنه نه تنها به آن جذب نمی‌شوند بلکه از آن

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۳۴۹

منابع دیگر: مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۲، ص: ۱۸۶ / الوافی، ج ۱۹، ص: ۳۷۹ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص: ۱۴۴

هدایة الأئمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام، ج ۸، ص: ۱۶۳ / الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ج ۳، ص: ۱۰۳

مکارم الأخلاق، ص: ۱۶۸

عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْيَقُطِينِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِيِّ عَنْ دُرَيْسِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ: مَنْ أَكَلَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعَ عَجَوَاتٍ تَمُرَّ عَلَى الرَّبِيقِ مِنْ تَمْرِ الْعَالِيَةِ لَمْ يَضُرَّهُ سَمٌّ وَلَا سِحْرٌ وَلَا شَيْطَانٌ

عبد الله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس هر روز در حالت ناشتا، هفت خرماى عجوه بخورد، هیچ زهر، جادو و شیطانی به او آسیب نخواهد زد.

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص: ۵۳۲

۱۰۰. **ارجاع پژوهشی:** عَنْهُ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ ع يَقُولُ التُّفَّاحُ شِفَاءٌ مِنْ خِصَالٍ مِنَ السَّمِّ وَالسَّحْرِ وَاللَّمَمِ يَعْرِضُ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَالْبَلْغَمِ الْعَالِبِ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَشْرَعَ مَنْفَعَةً مِنْهُ.

به سند محاسن از امام صادق علیه السلام است که می‌فرمود: امام ششم شنیدم می‌فرمود: سیب درمان زهر و جادو و ناراحتی است که از اهل زمین بخاطر نشینند و هم درمان بلغم غالب است و چیزی از آن زود سودتر نیست.

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص: ۵۵۳

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۶۳، ص: ۱۷۴ / سفينة البحار، ج ۱، ص: ۴۶۵ / هدایة الأئمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام، ج ۸، ص: ۱۶۶

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص: ۱۶۰ / الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ج ۳، ص: ۱۰۶

به سند کافی: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ، عَنِ الْجَعْفَرِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ

مصدر اصلی: الکافی، ۳۵۵ / ۶، کتاب الاطعمة، باب التُّفَّاحِ، الحديث ۲.

دفع هم می شوند. مصرف گوشت شتر به دفع اختلاط بین زندگی اجنه و انسان بسیار کمک می کند.<sup>۱۱</sup> کوتاه کردن مو و ناخن هم به دفع اختلاط اجنه با انسان کمک می کند با ترجیح مباحثی که در روایات آمده است.<sup>۱۲</sup> پنج شنبه‌ها و جمعه‌ها. برای ناخن گرفتن روایات خاصی وجود دارد.<sup>۱۳</sup> باقی مانده مو، ناخن و دندان افتاده را حتما دفن کنید.<sup>۱۴</sup>

---

<sup>۱۱</sup>. **ارجاع پژوهشی:** مِنَ الْفِرْدَوْسِ عَنْ مُعَاذٍ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ: عَلَيْكُمْ بِأَكْلِ لُحُومِ الْإِبِلِ فَإِنَّهُ لَا يَأْكُلُ لُحُومَهَا إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ مُخَالَفٍ لِلْيَهُودِ أَعْدَاءِ اللَّهِ. رسول خدا ﷺ فرمودند: بر شما باد به خوردن گوشت شتر پس به راستی نمی خورد گوشت شتر را مگر هر مؤمن مخالف با یهود دشمن خدا.

مصدر اصلی: مکارم الأخلاق، ص: ۱۶۰

منابع دیگر: بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۳، ص: ۷۴

<sup>۱۲</sup>. **ارجاع پژوهشی:** عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحُرِّ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّمَا قُصَّ الْأَطْفَارُ لِأَنَّهَا مَقْبِلُ الشَّيْطَانِ وَ مِنْهُ يَكُونُ النَّسِيَانُ.

امام صادق ﷺ فرمودند: به راستی کوتاه کنید ناخن هایتان را زیرا زیر ناخن محل شیطان است و از جمله عوارض بلند بودن ناخن فراموشی می باشد.

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۴۹۰

منابع دیگر: مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۲، ص: ۳۸۷ / بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۳، ص: ۱۲۳ / الوافی، ج ۶، ص: ۶۸۱

عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مِسْكِينٍ عَنْ حَدِيثِهِ بْنِ مُنْصُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ أَسْتَرَ وَ أَحْقَى مَا يُسَلِّطُ الشَّيْطَانَ مِنْ ابْنِ آدَمَ أَنْ صَارَ أَنْ يَسْكُنَ تَحْتَ الْأَطْفَائِرِ.

حدیفة بن منصور گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که مخفی ترین و پوشیده ترین جا برای تسلط شیطان بر آدمیزاد زیر ناخن ها است.

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۴۹۰

منابع دیگر: مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۲، ص: ۳۸۸ / الوافی، ج ۶، ص: ۶۸۱ / وسائل الشيعة، ج ۲، ص: ۱۳۲

<sup>۱۳</sup>. **ارجاع پژوهشی:** وَ قَالَ مُوسَى بْنُ بَكْرِ - لِلصَّادِقِ ع إِنَّ أَصْحَابَنَا يَقُولُونَ إِنَّمَا أَخَذَ الشَّارِبِ وَ الْأَطْفَارِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ خُذْهَا إِنْ شِئْتَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ إِنْ شِئْتَ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ.

موسی بن بکیر می گوید: به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: دوستان ما می گویند: شارب و ناخن ها را فقط در روز جمعه باید کوتاه کرد. حضرت فرمود: سبحان الله! اگر خواستی در روز جمعه کوتاه کن و اگر خواستی در روزهای دیگر.

مصدر اصلی: من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص: ۱۲۸

منابع دیگر: الوافی، ج ۶، ص: ۶۸۶ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۱-۱، ص: ۱۵۹ / وسائل الشيعة، ج ۲، ص: ۱۳۳

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقُضَيْلِ التُّوفَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ وَ عَمِّهِ جَمِيعاً عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَنْ أَدَمَّنَ أَخَذَ أَطْفَارِهِ كُلَّ حَمِيسٍ لَمْ تَرَمُدْ عَيْنُهُ

امام صادق ﷺ می فرماید: هر کس مداومت کند بر گرفتن ناخن ها در روز پنج شنبه، مبتلا به تورم و درد چشم نخواهد شد.

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۴۹۱

<sup>۱۴</sup>. **ارجاع پژوهشی:** أَنْ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ يَأْمُرُ بِدَفْنِ سَبْعَةِ أَشْيَاءٍ مِنَ الْإِنْسَانِ الشَّعْرِ وَ الطُّفْرِ وَ الدَّمِ وَ الْحَيْضِ وَ الْمَشِيمَةِ وَ السِّنِّ وَ الْعَلَقَةِ

حکم شرعی مراجع برای دفن این سه مورد همین است که اینها ماده اصلی ایجاد سحر است. در تبیین مباحث علوم غریبه خواهیم گفت که سحره با این مواد چه کارهایی انجام می‌دهند. با ناخن و مو و ادرار و مدفوع انسان سحره چه کارهایی انجام می‌دهند. البته ادرار و مدفوع انسان در دسترس‌شان نیست. اما ناخن و مو موادی هستند که سحره از آنها برای بستن طلسم استفاده می‌کنند. چرا حضرات معصومین علیهم‌السلام در روایات دفن ناخن و مو و باقی مانده ناف را مستحب کرده‌اند؟ زیرا به اصطلاح دانشمندان امروزی اینها بانک ژنتیک انسان است و اگر سحره اطلاعات ژنتیکی فردی را داشته باشند می‌تواند کلی کارها انجام دهد که برای او چالش ایجاد کند. بنابراین نگذارید که اطلاعات ژنتیکی خودتان و خانواده‌تان مورد سوءاستفاده ساحرها قرار بگیرد. پس درباره جدول علوم غریبه فقط اشاراتی انجام شد. راجع به اسباب غریب عالم چه اسباب نورانی غریب مانند ملائکه و اجنه مؤمن مانند زعفر جنی و داستان کربلا و چه اسباب ظلمانی و شر غریب با فرزندان تان صحبت کنید. زیرا خدای متعالی هم جعل نور کرده است و هم جعل ظلمت و این دو هم بخش ظاهر و هم بخش غریب دارند.<sup>۱۰۵</sup>

۴/۶/۱۴ . گفتگو پیرامون معانی و خواص اسماء و صفات الهی؛ به عنوان چهارم علم پایه و محتوای آموزش و پرورش

#### مطلوب

چهارمین علم پایه‌ای که باید مورد بحث قرار بگیرد، این است که درباره خدای متعال و اسماء او با فرزندان تان باید صحبت کنید،<sup>۱۰۶</sup> از آنها بپرسید که خدا سمیع است یعنی چه؟ خدا علیم است یعنی چه؟ خدا قدیر است یعنی چه؟

---

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمان میداد بجا کردن هفت چیزی از آدمی مو، و خون، و ناخن، و اثر حیض، و جفت نوزاد، و دندان، و علقه (دلمه بچه که سقط شود)

مصدر اصلی: الخصال، ج ۲، ص: ۳۴۰

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲، ص: ۱۲۸ و ۱۲۹ / بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۳، ص: ۱۲۵ / هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام، ج ۱-، ص: ۱۵۵

وَقَالَ الصَّادِقُ ع - يَذْفُ الرُّجُلُ أَظْفِيرَهُ وَ شَعْرَهُ إِذَا أَحَذَ مِنْهَا وَ هِيَ سُنَّةٌ.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه شخص ناخنها و شاربش را گرفت یا کوتاه کرد، آن را دفن کند که این عمل سنت است.

مصدر اصلی: من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص: ۱۲۸

<sup>۱۰۵</sup> . **ارجاع پژوهشی:** الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْمَلُونَ

همه ستایش‌ها و ویژه خداست که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنی را پدید آورد [با این همه نشانه‌ها که گواهی بر یکتایی و قدرت اوست] باز کافران برای پروردگارشان [بت‌ها و معبودهای باطل را] شریک و هم‌تا قرار می‌دهند.

سوره مبارکه انعام، آیه ۱

<sup>۱۰۶</sup> . **ارجاع پژوهشی:** وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا ۖ وَذُرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

و نیکوترین نام‌ها [به لحاظ معانی] ویژه خداست، پس او را با آن نام‌ها بخوانید؛ و آنان که در نام‌های خدا به انحراف می‌گیرند [و او را با نام‌هایی که نشان‌دهنده کاستی و نقص است، می‌خوانند] رها کنید؛ آنان به زودی به همان اعمالی که همواره انجام می‌دادند، جزا داده می‌شوند.

سوره مبارکه اعراف، آیه ۷

خدا جبار است یعنی چه؟ رحمانیت یا رحیمیت خدا یعنی چه؟ اتفاقی که در اثر این پرسش و پاسخ‌ها می‌افتد این است که بچه شما احساس می‌کند که تکیه‌گاهی پیدا کرده است. انسان دردهایی دارد که نمی‌تواند به کسی بگوید، یادش می‌افتد که خدا سمیع است در این صورت دیگر احساس تنهایی نمی‌کند، زیرا یادش می‌افتد که خداوند علیم به کل شیء است و متوجه می‌شود که خداوند حواسش به او نیز هست. یا هنگامی که در بن بست گیر کرده است و چاره‌ای ندارد، یادش می‌آید که شما به او گفته‌اید که خداوند قدیر است. زیرا همه اسماء خداوند ناظر به موجوداتی است که خلق کرده است و الا که الله اکبر من یوصف یعنی خدا قابل وصف نیست ولی اسماء ناظر به رفع نیاز من و شما هستند. در یک جلسه‌ای این را گفته‌ام که اسماء الهی خدمات خدای متعال پس از خلق موجودات به آنهاست. موجودات را خلق کرده و اسماء الهی را به عنوان خدمات به موجودات خلق شده قرار داده است و کاتالوگ این

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَادٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: - إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ اسْمًا بِالْخُرُوفِ غَيْرِ مُتَّصَوِّتٍ وَبِالْفُظِّ غَيْرِ مُنْطَقٍ وَبِالشَّخْصِ غَيْرِ مُجَسَّدٍ وَبِالشَّيْبِ غَيْرِ مَوْصُوفٍ وَبِاللُّونِ غَيْرِ مَصْبُوعٍ مِنْفِي عَنْهُ الْأَفْطَارُ مُبَعَّدٌ عَنْهُ الْحُدُودُ مَحْجُوبٌ عَنْهُ حِسُّ كُلِّ مَتَوَهُمٍ مُسْتَبْتَرٍ (۱) «غَيْرُ مُسْتَوْرٍ فَجَعَلَهُ كَلِمَةً تَامَةً عَلَى أَرْبَعَةِ أَجْزَاءٍ مَعًا لَيْسَ مِنْهَا وَاحِدٌ قَبْلَ الْآخِرِ فَأُظْهِرَ مِنْهَا ثَلَاثَةُ أَسْمَاءٍ لِفَاقَةِ الْخَلْقِ إِلَيْهَا وَحَجَبَ مِنْهَا وَاحِدًا وَهُوَ الْإِسْمُ الْمَكْنُونُ الْمَخْرُونَ فَهَذِهِ الْأَسْمَاءُ الَّتِي ظَهَرَتْ فَالظَّاهِرُ هُوَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ سَخَّرَ سُبْحَانَهُ لِكُلِّ اسْمٍ مِنْ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ أَرْبَعَةَ أَرْكَانٍ فَذَلِكَ اثْنَا عَشَرَ رُكْنًا ثُمَّ خَلَقَ لِكُلِّ رُكْنٍ مِنْهَا ثَلَاثِينَ اسْمًا فِعْلًا مَسْنُوبًا إِلَيْهَا فَهُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْحَكِيمُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْمُقْتَدِرُ الْقَادِرُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيِّمُ (۲) «الْبَارِئُ الْمُنْشِئُ الْبَدِيعُ الرَّفِيعُ الْجَلِيلُ الْكَرِيمُ الرَّازِقُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ الْبَاعِثُ الْوَارِثُ فَهَذِهِ الْأَسْمَاءُ وَمَا كَانَ مِنَ الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى حَتَّى تَبَيَّنَ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَ سِتِّينَ اسْمًا فَهِيَ نِسْبَةٌ لِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ الثَّلَاثَةِ وَ هَذِهِ الْأَسْمَاءُ الثَّلَاثَةُ أَرْكَانٌ وَ حَجَبَ الْإِسْمَ الْوَاحِدَ الْمَكْنُونُ الْمَخْرُونَ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ الثَّلَاثَةِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى - قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى.

امام صادق (ع) فرمود: «خدای تبارک و تعالی اسمی آفرید که صدای حرفی ندارد، به لفظ ادا نشود تن و کالبد ندارد، به تشبیه توصیف نشود، به رنگی آمیخته نیست، ابعاد و اضلاع ندارد، حدود و اطراف از او دور گشته، حس توهم‌کننده به او دست نیابد، نهان است بی‌پرده، خدا آن را یک کلمه تمام قرار داد دارای چهار جزء مقارن که هیچ‌یک پیش از دیگری نیست، سپس سه اسم آن را که مخلوقات به آن نیاز داشتند آشکار ساخت و یک اسم آن را پنهان داشت و آن همان اسم مکنون و مخزون است، و آن سه اسمی که آشکار گشت ظاهرشان «الله» تبارک و تعالی است، و خدای سبحان برای هر اسمی از این اسما چهار رکن مسخّر فرمود که جمعاً دوازده رکن می‌شود، سپس در برابر هر رکنی سی اسم که به آنها منسوبند آفرید که آنها عبارتند از: «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْحَكِيمُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْمُقْتَدِرُ الْقَادِرُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيِّمُ الْبَارِئُ الْمُنْشِئُ الْبَدِيعُ الرَّفِيعُ الْجَلِيلُ الْكَرِيمُ الرَّازِقُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ الْبَاعِثُ الْوَارِثُ»، می‌باشد. این نامها با اسماء الحسنی تا سیصد و شصت اسم کامل شود و فروع این سه اسم می‌باشند و آن سه ارکانند. آن یک اسم مکنون و مخزون که به سبب این اسماء سه‌گانه پنهان شده، این فرموده خدای تعالی است: «قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى»؛ بگو «الله» را بخوانید یا «رحمان» را بخوانید هر کدام را که بخوانید نام‌های نیکو از اوست.

(سند توحید صدوق) حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عُمَرَ بْنِ الدَّقَائِقِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَادٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع

مصدر اصلی: الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۱۱۲ / التوحید (للصدوق)، ص: ۱۹۰

منابع دیگر: الوافی، ج ۱، ص: ۶۳ / تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص: ۲۳۲ / بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴، ص: ۱۶۶

خدمات پس از خلق را ذیل اسماء الهی معرفی کرده است، زیرا بدون خدمات خداوند پس از خلق، همه ما هلاک خواهیم شد. هلاک هم یعنی همین وضعیتی که در مدرنیته می‌بینیم. انسان‌های مدرن به نوعی دچار بن بست هستند زیرا خداوند را نمی‌شناسند یا حداکثر خدا را به عنوان خالق می‌شناسند. به عنوان مثال یکی از خدماتی که خداوند به انسان داده است سلامت است. در لسان روایات هست که آدم‌ها یک وحشت مخفی از یکدیگر نسبت به هم دارند یا پول یکدیگر را خورده‌اند یا خلف وعده‌ای نسبت به هم کرده‌اند، یا حرفی پشت سر یکدیگر گفته‌اند. به هر حال طوری با هم رفتار کرده‌اند که می‌ترسند با هم روبرو شوند، روایات می‌گویند که اگر می‌خواهید آن وحشت را برطرف کنید، به محض اینکه به هم رسیدید به یکدیگر سلام کنید و سلام یکی از اسم‌های خداوند است و به محض اینکه به هم سلام می‌کنید خداوند در کوتاه مدت یا میان مدت به صلح تبدیل می‌کند. در واقع خود لفظ سلام موضوعیت دارد. یعنی من از خداوند منان تقاضا دارم که این اختلاف به وجود آمده را مدیریت کند تا عبور کنیم. بنابراین به فرزندان تان سلام کردن یاد بدهید. که در بحث اسماء آنها را خواهیم گفت. در مجموع روایت می‌فرماید که ۹۹ اسم خداست که اگر کسی اینها را یاد بگیرد و استفاده کند وارد بهشت می‌شود. در روایت دیگری می‌گوید که بهشت جایی است که در آن هم و غم نیست. از این روایت مشخص می‌شود که این ۹۹ اسم خداوند، ابزار رفع هم و غم هستند. ۱۰۷ از جمع بین این دو روایت چنین برداشتی کرده ام. البته خداوند اسماء زیادی دارد ولی اقل اسمائی که هر کس باید یاد بگیرد ۹۹ اسم است. دیگر الان وقتی برای گفتن علوم کاربردی، استنباطی و پژوهشی وجود ندارد. پس نتیجه اینکه

۱۰۷. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَوْعِيمُ بْنُ بُهْلُولٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْعُبَيْدِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا مِائَةً إِلَّا وَاحِدًا مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ هِيَ اللَّهُ الْإِلَهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الْأَوَّلُ الْآخِرُ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْقَدِيرُ الْقَاهِرُ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى الْبَاقِي الْبَدِيعُ الْبَارِئُ الْأَكْرَمُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ الْحَيُّ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ الْحَلِيمُ الْحَفِيفُ الْحَقُّ الْحَسِيبُ الْحَمِيدُ الْحَفِيُّ الرَّبُّ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الذَّارِعُ الرَّزَّاقُ الرَّقِيبُ الرَّؤُوفُ الرَّائِي - السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمُنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ السَّيِّدُ الشُّبُوحُ الشَّهِيدُ الصَّادِقُ الصَّانِعُ الظَّاهِرُ الْعَدْلُ الْعَفْوُ الْعَفُورُ الْعَنِيَّ الْعِيَاثُ الْفَاطِرُ الْفَرْدُ الْفَتَّاحُ الْفَالِقُ الْقَدِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الْقَوِيُّ الْقَرِيبُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ قَاضِي الْحَاجَاتِ الْمُجِيبُ الْمُؤَلَّى الْمُتَّانُ الْمُحِيطُ الْمُبِينُ الْمُقَيَّبُ الْمُصَوِّرُ الْكَرِيمُ الْكَبِيرُ الْكَافِي كَاشِفُ الضَّرِّ الْوَتْرُ النَّوْرُ الْوَهَّابُ النَّاصِرُ الْوَاسِعُ الْوَدُودُ الْهَادِي الْوَفِيُّ الْوَكِيلُ الْوَارِثُ الْبَرُّ الْبَاعِثُ التَّوَابُ الْجَلِيلُ الْجَوَادُ الْخَبِيرُ الْخَالِقُ خَيْرُ النَّاصِرِينَ الدِّيَّانُ الشُّكُورُ الْعَظِيمُ اللَّطِيفُ الشَّافِي.

و همچنین صدوق به اسناد خود به سلیمان بن مهران از امام صادق (علیه السلام) از جعفر بن محمد از پدرش محمد بن علی از پدرش علی بن حسین از پدرش حسین بن علی از پدرش علی بن ابی طالب علیهم السلام از رسول خدا نقل کرد. آن حضرت فرمود: خدای تعالی نود و نه اسم دارد صد جز یکی. هر کس آن را (احصا) کند داخل بهشت می‌شود و آنها عبارتند از: الله، الواحد، الاحد، الصمد، الاول، الآخر، السميع، البصير، القدير، القاهر، العلي، الاعلى، الباقي. البديع، الباري، الاكرم، الظاهر، الباطن، الحي، الكريم، الحكيم، العليم، الحفيظ، الحق، الحسيب، الحميد، الحفي، الرب، الرحمن، الرحيم، الذاري، الرازق، الرقابيل، المنانم، الرقابيل، المنان، الرحيم العزيز، الجبار، المتكبر، السيد، السبوح، الشهيد، الصادق، الصانع، الظاهر، العدل، العفو، الغفور، الغني، الغياث، الفاطر، الفرد الفتاح، القديم، الملك القويوم، الطاهر، القوي. القاضي، المجيد، المولى، المتان، المحيط، المبين، المقيت، المصور، الكبير، الكافي، كاشف الضر، الوتر، النور، الوهاب، الناصر، الواسع، الودود، الهادي، الوفي الآ، الوثال، القالا، الوكيل، الجواد، الخبير، الخالق، خير الناصرين، الديان، الشكور، العظيم، اللطيف، الشافي.

علوم پایه را می‌توانید خودتان با فرزندان تان مطرح کنید که شامل ۴ علم پایه شد. از طرفی ظرفیت بچه‌هایتان را ایجاد کرده‌اید و ارتقاء داده‌اید و از طرف دیگر هم علوم پایه را به آنها آموزش داده‌اید. [بنابراین در علوم پایه درباره] چهار جدول اصلی بحث کردیم؛ جدول روابط انسانی، جدول خواص اشیاء، جدول علوم غریبه و جدول اسماء الهی و معرفی خداوند متعال که باید به فرزندان مان یاد بدهیم.

۴/۶/۲. دومین سری محتوای آموزش و پرورش مطلوب؛ بحث از علوم کاربردی همچون علم ساخت مسکن،

ارزیابی غذا، مدیریت شهری و ... شامل چهارصد نظریه

یک سری علوم کاربردی هم داریم که مثلاً ساخت ساختمان چگونه باشد،<sup>۱۰۸</sup> ارزیابی غذا چطور باشد، مدیریت شهری باید چگونه باشد.<sup>۱۰۹</sup> کشاورزی چطور باشد.<sup>۱۱۰</sup> که در این بخش چهارصد نظریه وجود دارد. به عبارت دیگر در این زمینه به مشکلی برخوردیم خورد. اما به عقیده من باید از علوم پایه شروع به تدریس کنیم، زیرا اینها علوم تکمیلی هستند و علوم استنباطی را بعداً بحث خواهیم کرد.

۵. خلاصه بحث در چهار عنوان؛ تبیین نظام‌سازی برای جمعیت به محوریت نظام‌سازی آموزشی، تبیین

هفت اولویت نظام‌سازی برای جمعیت، چگونگی ساخت نظام آموزشی جدید و نقد هدف،

---

<sup>۱۰۸</sup>. ارجاع پژوهشی: عَنْهُ عَنْ نُوْحٍ بْنِ شُعَيْبٍ النَّيْسَابُورِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي سَعِيدُ بْنُ جَنَاحٍ عَنْ نَضْرِ الْكَوْسَجِ عَنْ مُطَرِّفِ مَوْلَى مَعْنٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لِلْمُؤْمِنِ رَاحَةٌ فِي سَعَةِ الْمَنْزِلِ  
امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: راحتی مؤمن در وسعت منزل اوست.

مصدر اصلی: "المحاسن، ج ۲، ص: ۶۱۱

<sup>۱۰۹</sup>. ارجاع پژوهشی: برنامه فقهی مدیریت شهری قم

<https://eitaa.com/olgou/4907>

<sup>۱۱۰</sup>. ارجاع پژوهشی: عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَصَّالَةَ بِنِ ابْنِ أَيُّوبَ عَنْ رِفَاعَةَ بِنِ مُوسَى قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ لَمَّا عَافَى أَيُّوبَ ع نَظَرَ إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ اِرْتَدَعَتْ فَرَفَعَ طَرَفَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي أَيُّوبَ عَبْدُكَ الْمُتَبَلِّغِي الَّذِي عَافَيْتَهُ وَ لَمْ يَزِدْ رُحْ شَيْئاً وَ هَذَا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ رَزَعٌ فَأَوْحَى اللَّهُ يَا أَيُّوبُ خُذْ مِنْ سُبْحَتِكَ أَكْفًا فَأَبْدُوهُ وَ كَانَتْ لِأَيُّوبَ سُبْحَةٌ فِيهَا مِلْحٌ فَأَخَذَ أَيُّوبُ أَكْفًا مِنْهَا فَبَدَرَهُ فَخَرَجَ هَذَا الْعَدَسُ وَ أَتَتْهُمُ تُسْمُونَةُ الْجَمَّصِ وَ نَحْنُ نُسَمِّيهِ الْعَدَسَ.  
رفاعه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: هنگامی که خداوند به ایوب علیه السلام تندرستی و عافیت داد، دید بنی اسرائیل بذر می‌کارند. او به آسمان نگاه کرد و عرضه داشت: ای خدای من! و ای آقای من! بنده‌ات ایوب مبتلا را عافیت دادی در حالی که بذری نگاشته است و این بنی اسرائیل است که بذر می‌کارند. ایوب علیه السلام کیسه‌ای داشت که در آن نمک بود، خداوند متعال به او وحی نمود: «ای ایوب! مشتی از کیسه را بردار و در زمین بکار» ایوب علیه السلام مشتی از آن را برداشت و در زمین کاشت و از آن عدس خارج شد. شما آن را نخود می‌نامید و ما عدس می‌گوییم.

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص: ۵۰۵

## ساختار(روش) و محتوای نظام آموزشی موجود و تبیین هدف، ساختار(روش) و محتوای نظام

### آموزشی مطلوب

بنابراین امروز سه مطلب خدمتتان عرض شد؛ ۱. برنامه جمعیتی الگو به دنبال نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت است و یکی از اولویت‌های این نظام‌سازی، نظام‌سازی آموزشی برای خانواده و جمعیت است. نقطه شروع این نوع از نظام‌سازی این است که تعریف خانواده به نهاد حاکمیتی در ذهن افراد جامعه ارتقاء پیدا کند. ۲. هفت اولویت نظام‌سازی برای خانواده و جمعیت تشریح شد. در جلسه بعدی انشاء الله یا نظام مهندسی و مسکن یا طبیب مشاور را خدمتتان بحث خواهیم کرد. طبیبی که خدمات پزشکی و سلامت متناسب با خانواده و جمعیت ارائه خواهد کرد. ۳. چگونگی ساخت نظام آموزشی جدید برای خانواده و جمعیت بحث شد. باید ۴ پرسش را زنده کنید تا نظام آموزشی جدید ساخته شود. اولاً دائماً نظام آموزش و پرورش را نقد کنید، دوماً هدف آموزش و پرورش جدید، سوماً روش آموزش پرورش جدید و چهارماً محتوای آموزش و پرورش جدید را هم با مخاطبان تان مطرح کنید.

والحمدلله رب العالمین